



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# سیری در جنگ ایران و عراق

مسائل اجتماعی و سیاسی

DEPARTMENT OF THE UNIVERSITY  
AMERICAN GOVERNMENT

پروژه تحقیقاتی و آموزشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۱
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۲۳	مقدمه
۲۸	از اشغال تا آزادسازی
۲۸	زمینه های شکل گیری تهاجم
۳۱	اهداف عراق از تهاجم سراسری
۳۴	تهاجم در جبهه جنوبی و زمین گیر شدن دشمن
۳۴	اشاره
۳۵	محور دزفول
۳۶	محور چزابه - سوسنگرد - اهواز
۳۷	محور نشوه - جفیر - اهواز
۳۸	محور شلمچه - خرمشهر - آبادان
۳۹	نبرد در خرمشهر
۳۹	مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر
۵۰	عبور از کارون و تشدید نبرد
۵۲	ورود به شهر
۵۳	تغییر خرمشهر به خونین شهر
۵۵	سقوط خرمشهر
۵۷	توقف سراسری دشمن
۵۷	اشاره
۵۹	فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران
۶۰	عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی

۶۳	آخرین مواضع اشغالی
۶۴	بررسی وضعیت سیاسی - نظامی کشور
۶۴	اشاره
۶۵	وضعیت سیاسی
۶۷	وضعیت نظامی
۷۴	آزاد سازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن
۷۴	اشاره
۷۴	تغییر وضعیت داخلی کشور
۷۴	تحول روحی و معنوی در مردم
۷۵	گسترش سازمان رزم سپاه
۷۵	همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه
۷۶	ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد
۷۸	عدم درک دشمن از وضعیت جدید
۷۹	سلسله عملیات بزرگ
۷۹	اشاره
۷۹	عملیات ثامن الائمه
۸۱	عملیات طریق القدس
۸۳	آثار عملیات طریق القدس
۸۷	عملیات فتح المبین
۸۸	نتایج داخلی سه عملیات بزرگ
۹۰	پس از فتح المبین
۹۰	اشاره
۹۰	استیصال دشمن
۹۳	بازتاب پیروزی های ایران در رسانه های خارجی
۹۵	وضعیت سیاسی منطقه خاورمیانه
۹۸	آزاد سازی

۹۸	منطقه عملیاتی بیت المقدس
۹۸	انتخاب منطقه
۱۰۱	زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن
۱۰۶	ویژگی ها و تفاوت های مناطق عملیاتی بیت المقدس و فتح المبین
۱۰۸	طرح ریزی عملیات
۱۰۸	اشاره
۱۰۹	مأموریت و اهداف
۱۱۰	طرح مانور
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر
۱۱۱	عبور از رودخانه کارون
۱۱۴	سازمان رزم و مأموریت قرارگاه ها
۱۱۷	بررسی مانور قرارگاه ها
۱۲۲	طراحی عبور از کارون
۱۲۶	ویژگی های طرح مانور عملیات
۱۲۷	پشتیبانی عملیات
۱۲۷	مهندسی رزمی
۱۲۸	نیروی هوایی و هوا نیروز ارتش جمهوری اسلامی
۱۲۸	توپخانه
۱۲۹	پدافند هوایی
۱۲۹	تک پشتیبانی
۱۳۰	در آستانه عملیات بیت المقدس
۱۳۴	شرح عملیات
۱۳۴	مرحله اول عملیات
۱۳۴	اشاره
۱۳۵	گزارش قرارگاه های تابعه

- ۱۳۷ ..... عکس العمل دشمن
- ۱۴۰ ..... دومین شب عملیات
- ۱۴۱ ..... مرحله دوم عملیات
- ۱۴۱ ..... اشاره
- ۱۴۴ ..... عقب نشینی اساسی دشمن
- ۱۴۷ ..... نتایج مرحله دوم عملیات
- ۱۴۸ ..... مرحله سوم عملیات
- ۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۵۰ ..... عکس العمل دشمن
- ۱۵۰ ..... نتایج مرحله سوم عملیات
- ۱۵۱ ..... مرحله چهارم عملیات
- ۱۵۶ ..... نتایج و دستاوردهای عملیات
- ۱۵۸ ..... بازتاب پیروزی
- ۱۵۸ ..... اشاره
- ۱۶۰ ..... تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۳ ..... برتری سیاسی و نظامی ایران
- ۱۶۴ ..... شکست سیاسی و نظامی عراق
- ۱۶۷ ..... تغییر ماهیت جنگ
- ۱۷۰ ..... نگرانی ها و اقدامات آمریکا
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۳ ..... تشکیل جبهه میانه رو عرب
- ۱۷۵ ..... تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق
- ۱۷۷ ..... تلاش برای تحمیل صلح به ایران
- ۱۸۲ ..... درباره مرکز



## آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۱

### مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

اشاره



























مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اندکی بعد از آغاز جنگ تحمیلی به امر تحقیقات جنگ اهتمام ورزیده و همپای گسترش جنگ، کار تحقیقات را توسعه بخشید. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز به تنظیم مدارک و اسناد و تکمیل و تدوین تحقیقات انجام شده پرداخت.

این مرکز، در نظر دارد که بخشی از تحقیقات انجام شده درباره ی جنگ ۸ ساله ایران و عراق را جهت استفاده عموم، به صورت کتاب های مرجع تاریخ جنگ، که در آن روند جنگ به صورتی تفصیلی و مستند دنبال شده است. منتشر کرد. این کار، در مراحل مقدماتی است، که ان شاء الله ارائه آن تا جایی که فاصله آغاز تا پایان جنگ را کاملاً پر کند، به تدریج انجام خواهد شد. البته مرکز ضمن پیگیری آنچه گفته شد، تاکنون به انتشار کتاب هایی که خارج از چارچوب یاد شده قرار داشته و هر کدام بنا به ضرورتی خاص و با مضمون و محتوایی مشخص تدوین و ارائه گردیده، نیز پرداخته است. از جمله کتاب های یاد شده، می توان به کتاب «خرمشهر تا فاو» که در اسفند ۱۳۶۶ منتشر شده، اشاره کرد. کتاب

مزبور، در واقع یک سیر تحلیلی و فشرده سیاسی - نظامی از چهار سال جنگ (تیر ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) می باشد که در آن شیوه و روشی خاص، اهم مقولات مطروحه در جنگ، با هم ترکیب و ارائه شده اند، به نحوی که خواننده می تواند در اندک فرصتی رویدادهای بسیاری از سال های پر حادثه ی جنگ تحمیلی را مرور کرده و به مهمترین حوادث و نکات آن، نگاهی داشته باشد.

از نظر این مرکز، این گونه آثار می تواند تا زمان تهیه و ارائه متون تفصیلی و کامل جنگ، نیازهای اهل تحقق و نیز کسانی را که به پیگیری مسائل و حوادث جنگ تحمیلی علاقه دارند، هر چند به صورتی اجمالی، پاسخ گوید. همین ویژگی باعث شد که مرکز، ارائه تاریخچه ای از ابتدا تا انتهای جنگ را با همین شیوه، مناسب بداند و نشر کتاب حاضر نیز در همین راستا می باشد.

این کتاب، در واقع جلد اول از مجموعه ای سه جلدی (۱) با مشخصات ذکر شده است که جلد دوم آن «خرمشهر تا فاو» قبلا ارائه گردیده و در نظر است که جلد سوم آن نیز با عنوان «فاو تا حلبچه» (فاصله زمانی تصرف فاو به دست سپاه اسلام تا عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه) در آینده ارائه شود. چنانچه این توفیق به دست آید، سیری سیاسی - نظامی که هر چند اجمالی از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی که در ادبیات و تاریخ جنگ، بسیار ارزشمند خواهد بود، در اختیار خوانندگان محترم قرار می گیرد.

کتاب حاضر شامل سه فصل است:

در فصل اول، تحت عنوان «از اشغال تا آزادسازی» ابتدا به زمینه های شکل گیری تهاجم سراسری عراق و اهداف آن اشاره شده، سپس چگونگی

ص: ۱۵



اشغال خرمشهر مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی علل توقف دشمن مبحث دوم است که پس از آن، وضعیت سیاسی - نظامی کشور، در مقطع پر التهاب دوران اشغال، تحلیل و بررسی شود. مبحث بعدی به چگونگی روند آزاد سازی مناطق اشغالی اختصاص یافته و نیز مروری بر چند عملیات سپاه اسلام دارد. آخرین قسمت این فصل با عنوان «پس از فتح المبین» حاوی مسائلی درباره موقعیت ضد انقلاب داخلی و نیز دشمن خارجی در برابر توانایی های خودی، در فاصله زمانی بین دو عملیات فتح المبین و بیت المقدس می باشد.

در فصل دوم، تحت عنوان «آزادسازی» به چگونگی آزادسازی خرمشهر پرداخته شده است. این فصل که طولانی ترین فصل کتاب می باشد، در واقع گزارشی است از عملیات بیت المقدس، از نخستین مراحل طراحی تا پایان کار. ضمن این گزارش، تجزیه و تحلیل هایی مربوط به سطوح مختلف جنگ، از سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان گرفته، تا اجرای مراحل مختلف عملیات، به همراه فشرده ای از روند حوادث، ارائه شده است. طی این فصل خواننده در جریان چگونگی انتخاب منطقه عملیاتی بیت المقدس قرار گرفته، با ویژگی ها و مشخصات این منطقه نیز آشنا می گردد. در ادامه فصل دوم مراحل چهار گانه نبرد بزرگ و نسبتاً طولانی بیت المقدس توضیح داده شده و خواننده از منظری مشرف بر صحنه، در فضای پر تب و تاب ناشی از افت و خیزهای مراحل مختلف این عملیات، قرار می گیرد.

فصل سوم کتاب، با عنوان «بازتاب پیروزی»، نتایج حاصله از پیروزی عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر را مورد بحث قرار داده است. در بخشی از این فصل، «تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران» و آثار آن توضیح داده می شود. در این فصل به مبحث «تغییر ماهیت جنگ» نیز

پرداخته شده و تشریح گردیده است که چگونگی این پیروزی باعث شد تا جنگ ایران و عراق، ماهیت جدیدی پیدا کند.

کتاب حاضر، در عین این که حاوی بررسی جنگ در دو دوره ی اشغال و آزادسازی خرمشهر می باشد، اما مسئله خرمشهر در آن یک مسئله محوری است به این ترتیب که فصل اول کتاب خواننده را از شروع جنگ تا آستانه عملیات خرمشهر همراهی می کند و در آستانه عملیات فتح خرمشهر تا حد مطلوبی و در جریان وقایع جنگ و تحولات اردوی خودی قرار می گیرد؛ تحولاتی که ضعف های منجر به سقوط خرمشهر را به قوت های منجر به باز پس گیری تبدیل نموده است. فصل سوم نیز، حاوی تأثیرات و بازتاب های فتح خرمشهر است. محور بودن «خرمشهر» در کتابی که می خواهد زمانی نسبتاً طولانی و پر حادثه از جنگ را در مجموعه ای فشرده ارائه کند، امری الزامی است، زیرا تا پایان دوره اشغال، خرمشهر، چه در نزد دشمن و چه در نزد خودی، مهمترین مسئله جنگ بوده است.

کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» در جایی به پایان می رسد که کتاب «خرمشهر تا فاو» شروع شده است. کتاب اخیر، تبعات پیروزی خرمشهر را به انتقال جنگ در خاک عراق (عملیات رمضان و...) متصل کرده است.

در این جا لازم است که برادر سردار سر لشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که هم با ارائه تحلیل ها و جمع بندی های دقیق و موشکافانه در مصاحبه اختصاصی مربوط به کتاب حاضر و هم با حمایت های متعدد و همه جانبه، از آغاز شروع کار مرکز تا کنون، نقش اساسی در تهیه این کتاب و سایر آثار مرکز داشته است، سپاس گزار می شود. و نیز ضروری است که از همکاری برادران، سردار

سرتیپ غلامعلی رشید، معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، که در زمینه های مختلف مرتبط با مضامین کتاب، این مرکز را یاری نموده و بهاءالدین شیخ الاسلامی، که ویرایش محتوایی کتاب را به عهده داشته، قدردانی شود. همچنین لازم است از همکاری مسئولان دفتر سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و نیز از زحمات راویان و مسئولان سابق مرکز، برادران هادی نخعی و غلامرضا ظریفیان شفیع شکر شود.

اما مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ لازم می داند که بیش از همه، از برادر محمد درودیان، راوی و کارشناس سابق مرکز، قدردانی نماید که با وجود پیوستن به سنگری دیگر، در تهیه کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» همانند کتاب «خرمشهر تا فاو»، نقش اصلی را ایفا کرده و با انگیزه ای قابل ستایش به استخراج، تنظیم و تدوین تحقیقاتی که توسط خود ایشان و دیگر راویان مرکز انجام شده بود، پرداخت و موفق به تألیف این دو کتاب شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دی ماه ۱۳۷۲

ص: ۱۸

انقلاب اسلامی، پس از یک سال و اندی که از پیروزی آن می گذشت، با توجه به ستیزه جویی و معارضه ذاتی با اهداف و منافع استکبار جهانی و نیز نفی هر گونه مصالحه و سازش، به نحوی گسترده و شدید تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار داشت. ادامه ی نگهداری گروگان های آمریکایی نیز بر خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می افزود. به ویژه این که سیاست خارجی آمریکا و موقعیت دمکرات های این کشور برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری، عمیقاً تحت تأثیر ماجرای گروگان گیری قرار داشت و عامل زمان برای کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

بدین ترتیب، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹، روند تحولات داخلی و خارجی وضعیتی جدید به خود گرفت. تشنج در مرز ایران و عراق به طور چشمگیری تشدید شد و در تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۹، تنها یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام، رئیس جمهور عراق، اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره ی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی خارج شود. (۱).

وی همچنین اظهار داشت:

ص: ۱۹

---

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«عراق آماده است با زور، تمام اختلافات خود با ایران را حل کند.»

یکی از مقامات کاخ سفید نیز در همین ایام گفت:

«آمریکا به بررسی عملیات احتمالی نظامی از قبیل محاصره دریایی و هوایی ایران و جنگ در بیابان پرداخته است.» (۱).

عملیات طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، بخشی از تلاش های آمریکا برای آزاد کردن گروگان ها بود که با شکست آمریکا و به ویژه کارتر همراه شد. برژینسکی، بعد از این واقعه اظهار داشت:

«آمریکا قادر است تمام کوشش های لازم را به عمل آورد و تمام وسائل لازم را نیز در اختیار دارد تا ایران را به قبول نظریات آمریکا وادار سازد.» (۲).

در همین ایام، عراق علاوه بر ادامه و تشدید درگیری مرزی با ایران، در برخی از شهرهای مرزی از جمله خرمشهر، توسط عوامل خود مبادرت به بمب گذاری و خرابکاری نمود. اوضاع جدید، دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد طوری که محافل سیاسی - نظامی جهان به ارائه تحلیل های مختلفی در این باره پرداختند. اشپیگل در این زمینه گفت:

«دلایل بسیاری وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، در یک جنگ مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و تعلیم یافته است. به همین دلیل دولت عراق سعی نمی کند که از عصبانیت قبلی بکاهد.» (۳).

هرالد تریبون نیز طی تحلیلی نوشت:

ص: ۲۰

---

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«... تحلیل گران آمریکایی معتقدند که در حال حاضر ارتش ایران قادر نیست از مرزهای کشور علیه هر گونه تهاجم مشخص دفاع نموده و در یک جنگ سخت و سنگین بیش از چند روز و شاید یک یا دو هفته دوام بیاورد.» (۱).

تأثیر جنگ بر اوضاع داخلی و تغییر موقعیت لیبرال ها نیز بخش دیگری از تحلیل های مرتبط با بحران و مناقشه ایران و عراق را شامل می شد. مجله الحوادث در این زمینه نوشت:

«بنی صدر می داند ارتش وی که اکنون فاقد تسهیلات مناسب است، قادر به رویارویی با ارتش عراق نمی باشد و از آن گذشته رهبران ارتش یا اعدام شده و یا فرار کرده اند و تکنسین ها کنار گذاشته شده اند، اما خوب می داند که اگر ارتش عراق بخواهد وارد ایران بشود، برای وی فرصتی خواهد بود تا نیروهای ملی و ارتش را به شکل مناسبتری به دور خود گرد آورد.» (۲).

آمریکا پس از عدم حصول نتیجه لازم و مطلوب از تشدید فشارهای داخلی و خارجی به جمهوری اسلامی، به ویژه پس از شکست عملیات طبس، کودتای نوژه را که از مدت ها قبل طرح ریزی شده بود به اجرا گذارد. بنا به اطلاعات واصله، آمریکایی ها پس از اجرای طبس، طرح کودتا و جنگ را بررسی کرده و بنا به دلایلی، کودتا را در اولویت قرار می دهند، لیکن یکی از عناصر کودتا در قسمتی از اعترافاتش می نویسد:

«بحث بود که بین جنگ و کودتا، ابتدا کدام یک شروع شود. در صورت شکست کودتا، جو حاکم بر ارتش و بی اعتمادی و غیره، زمینه خوبی جهت ایجاد جنگ فراهم می نمود.» (۳).

همزمان با کودتا، عراق در ۲۰ منطقه مرزی درگیری ایجاد کرد (۴) و اوضاع را به گونه ای متشنج نمود که نظرها از داخل به مسائل مرزی معطوف شود. ضمن این که بر اساس شواهد و قرائن، عراق و برخی دیگر از

ص: ۲۱

---

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

کشورهای منطقه، در کمک و حمایت از عناصر کودتای نقش فعال داشتند.

متعاقب شکست کودتا، صدام مجدداً برای آغاز جنگ اعلام آمادگی کرد. وی در یکی از سخنرانی‌های خود گفت:

«اینک برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج (فارس) که توسط شاه اشغال شده است، توانایی نظامی لازم را داریم. هرگز از زمان اشغال این سه جزیره، ساکت ننشسته ایم و پیوسته از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن سه جزیره مذکور، آمادگی داشته ایم.» (۱).

واگذاری نقش جدید به عراق، (۲) به منظور وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌ها و نظریات آمریکا، (۳) چنان که برژینسکی پیش از این مورد اشاره قرار داد و موجب گردید تا عراق بلافاصله پس از شکست کودتا، مقدمات لازم را با انتقال نیرو به مرز و گسترش درگیری در نوار مرزی، فراهم سازد.

### اهداف عراق از تهاجم سراسری

دولت عراق، براساس این باور، که توازن نظامی به نفع این کشور تغییر نموده است و تمامی عوامل از جمله اوضاع ایران، (۴) وضعیت منطقه و

ص: ۲۲

---

۱-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳-۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴-۱۳. طارق عزیز طی مقاله‌ای در مجله الوطن مورخ ۱۵ مه ۱۹۸۰ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، اوضاع داخلی ایران را چنین ارزیابی می‌کند: علائم برجسته اوضاع ایران که در سایه این حکمفرمایان می‌گذرد، چنین است: ۱- تشت نیروهای انتظامی. ۲- (تعدد) مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام از آنها به یکدیگر اتهاماتی نسبت می‌دهند. ۳- کشمکش‌هایی میان اقلیت‌ها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها. ۴- وجود هرج و مرج و نا امنی. ۵- توقف کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش اشخاص بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار. ۶- آشفته‌گی در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.

مناسبات بین المللی، به تحقق اهداف حاکمان بغداد کمک خواهد کرد، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - پس از آن که صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) لغو و تسلط کامل عراق بر آبراه اروند را اعلام کرد - تهاجم سراسری خود را از هوا، دریا و زمین، به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

استعداد زمینی عراق در آغاز تهاجم، بالغ بر ۴۸ یگان می شد که عبارت بود از ۱۲ لشکر (شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه) و همچنین ۱۵ تیپ مستقل (شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص)، به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می شد.

ماشین نظامی عراق با بهره مندی کامل از تجهیزاتی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

اهداف عراق در این تهاجم، با توجه به همسویی منافع این کشور با



آمریکا، در مورد مهار کردن و کنترل انقلاب اسلامی، و همچنین تمایلات توسعه طلبانه رژیم بعثی برای بهره برداری از خلأ ناشی از رژیم شاه، در سه سطح قابل تقسیم بندی است. (۱).

۱ - لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر.

۲ - تجزیه ایران با جدا کردن استان خوزستان.

۳ - براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

در این میان، به نظر می رسد لغو قرارداد الجزایر و تسلط کامل عراق بر رودخانه اروند، نازلترین بخش از اهداف رژیم عراق بود که در صورت تحقق آن، براندازی حکومت و تجزیه ایران نیز عملاً پیگیری می شد.

گرچه لغو قرارداد، بدون حمله سراسری نیز امکان پذیر نبود. قطعاً هدف عراق، همان طور که گفته شد، فراتر از موارد ذکر شده بود، لیکن حاکمان عراق چنین می پنداشتند که پس از تهاجم، دست کم قادر خواهند بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرده و بدین ترتیب، معضل راه یابی عراق به شمال خلیج فارس را حل نمایند.

ص: ۲۴

---

۱-۱۴. ادواردوود لاک یکی از کارشناسان برجسته مسائل دفاعی آمریکا و استاد دانشگاه جرج تاون واشنگتن، تنها ۴ روز پس از آغاز تجاوز عراق، طی تجزیه و تحلیلی از اهداف عراق از تجاوز به جمهوری اسلامی، که در روزنامه کریستین ساینس مانیتور درج شد، نوشت: «احتمالاً- عراق در جنگ با ایران سه هدف را در نظر داشت: اولین هدف عراقی ها تسلط بر شط العرب و کنترل این شاهراه آبی دهانه خلیج فارس است. هدف دوم عراقی ها استان خوزستان، و سومین هدفشان، سرنگونی رژیم (امام) خمینی است. وی در مورد مکانیزم تحقق اهداف عراق، به صورت مرحله ای می نویسد: پس از نیل اولین هدف، یعنی برقراری سلطه و برتری عراق بر شط العرب، جنگ را برای رسیدن به دومین هدف، یعنی خوزستان ادامه داده و آنگاه برای نیل به هدف سوم، پافشاری می کند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳۵۹ / ۷ / ۵ به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹ / ۷ / ۴).

استان خوزستان، (۱) از لحاظ ویژگی های استراتژیکی خاص خود، می توانست بخش مهمی از اهداف عراق در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. چرا که دشمن، در صورت تسلط بر استان خوزستان و تجزیه آن، علاوه بر این که می توانست در مسیر براندازی نظام گام اساسی بردارد، در صورت عدم موفقیت در ساقط کردن حکومت مرکزی، قادر بود با تجزیه استان خوزستان، تسلط خود بر شمال خلیج فارس را اعمال و کاملاً تثبیت نماید.

استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر، علاوه بر این که براساس «عملیات سریع، برق آسا و قاطع» طرح ریزی شده بود، (۲) عمدتاً معطوف به منطقه جنوبی کشور بود. لذا با توجه به اهداف یاد شده، فرماندهان نظامی عراق، نزدیک به دو سوم توان نظامی خود را برای عملیات در مناطق جنوبی کشور سازمان دهی کردند. به این ترتیب که منطقه جنوب، حد فاصل خرمشهر تا دهلران، به سپاه سوم عراق واگذار گردید. نهایتاً، با توجه به معابر وصولی منتهی به منطقه و موقعیت زمین، طرح اشغال خوزستان براساس اهداف از پیش تعیین شده، به صورت زیر در دستور کار قرار گرفت:

ص: ۲۵

---

۱- ۱۵. نظر به این که برای تشریح وقایع خرمشهر نیازی به بررسی اوضاع جبهه های میانی و شمالی غرب نبود لذا در این کتاب، مباحث مربوط به جبهه های یاد شده مورد اشاره قرار نگرفته است. در این زمینه به کتاب «گذری بر دو سال جنگ» از انتشارات دفتر سیاسی سپاه مراجعه کنید.

۲- ۱۶. بر همین اساس بود که علی رغم اشغال برخی از مناطق ایران، کارشناسان و تحلیل گران نظامی، صدام را در تحقق اهداف خود ناکام قلمداد کردند.

نظر به گستردگی منطقه و طولانی بودن فاصله بین مرز تا اهداف دشمن در این محور، لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند تا با استفاده از معابر وصولی منطقه، شامل دو معبر «فکه - دوسلک - پل نادری - دزفول» و «شهرانی - عین خوش - پل نادری - دزفول» و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) را کامل کنند.

بر این اساس، لشکر ۱۰ زرهی در محور شهرانی - عین خوش - امام زاده عباس به سمت پل نادری پیشروی کرد و سرانجام در پشت پل نادری و غرب رودخانه کرخه متوقف شد. لشکر ۱ مکانیزه در محور فکه - دوسلک به سمت شوش پیشروی کرد و توانست تا پشت رودخانه کرخه را زیر نفوذ خود قرار دهد.

در این محور، علاوه بر تیپ ۲ زرهی (از لشکر ۹۲ زرهی اهواز) که بنا به مأموریت سرزمینی در این منطقه استقرار داشت، نیروهای سپاه پاسداران شوش و دزفول، و نیز تیپ ۳۷ زرهی ارتش جمهوری اسلامی در برابر تهاجم دشمن صف آرای نمودند، لیکن پس از اشغال عین خوش توسط قوای دشمن، نیروهای خودی به شرق رودخانه کرخه عقب نشینی کردند.

دشمن طی کمتر از یک هفته به ساحل غربی رودخانه کرخه رسید. عدم الحاق کامل لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و وسعت و عمق زمین منطقه و نیز وجود موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه، موجب زمین گیر شدن دشمن در پشت این رودخانه گردید. (۱) البته پس از الحاق دو لشکر

ص: ۲۶

---

۱-۱۷. علاوه بر این، عدم موفقیت لشکر ۳ زرهی عراق برای عبور از رودخانه کارون و تصرف آبادان و خرمشهر و همچنین ناکامی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی در تصرف اهواز، نقش مهمی در توقف دشمن داشت.

مذکور، دشمن توانست کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داده و تأمین نماید.

### محور جزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق مأموریت داشت تا با عبور از معبر وصولی جزابه، با تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیشروی نماید. در واقع محور سوسنگرد - بستان - حمیدیه از یک سو و محو نشوه - طلائیه - جفیر از سوی دیگر، با هدف تصرف اهواز طراحی شده بود.

لشکر ۹ زرهی، با حرکت از العماره، از معبر وصولی جزابه عبور کرد و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه به سمت اهواز پیش رفت. بدین ترتیب که نخست برای تأمین جناح خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه، از سمت شمال کرخه به سوی تپه های الله اکبر در شمال بستان تک کرده و همزمان با عبور از رودخانه کرخه و با اتکا به جاده اصلی بستان - سوسنگرد - حمیدیه، حرکت اصلی خود را به سمت اهواز ادامه داد. این لشکر توانست ضمن اشراف و تسلط کامل بر منطقه، جناح چپ خود را با تصرف ارتفاعات الله اکبر، تأمین نماید. در برابر محور اصلی تهاجم دشمن به سمت اهواز، علی رغم غافلگیری کلی نیروهای خودی، مقاومت هایی در شهر بستان، پل سابله و سایر محورها صورت گرفت، لیکن به دلیل سنگینی تهاجم دشمن، نیروهای خودی، به تدریج برای استقرار در مواضع مناسبتر، عقب نشینی کردند. در نتیجه، دشمن با یک خیز بلند، خود را به دروازه حمیدیه رساند و شهر اهواز را در

معرض تهدید قرار داد. (۱) در این وضعیت ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید «غیور اصلی» از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قبضه آرپی جی ۷ در اختیار داشتند - شبانه، آماده یورش به دشمن شده، پس از خروج از شهر، در چند کیلومتری آن، در کنار جاده حمیدیه - اهواز به کمین دشمن نشستند. ساعت ۴ بامداد ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ شلیک هماهنگ به سوی تانک های عراقی آغاز شد. نیروهای عراقی که در طول این مسیر تا آن هنگام، با موانع و مقاومتی اساسی رو به رو نشده بودند، بلافاصله پس از تهاجم غافلگیرانه رزمندگان اسلام، با وحشت و نگرانی فراوان اقدام به عقب نشینی کردند. برخی از تانک های دشمن در زمین های مزروعی اطراف حمیدیه به گل نشسته و برخی منهدم شدند. بعد از این حادثه، دشمن چند بار اقدام به پیشروی در این محور کرد و سرانجام، در حوالی دیوارهای غربی شهر سوسنگرد، در غرب رود نیسان، زمین گیر شد.

### محور نشوه - جفیر - اهواز

مأموریت عملیات در این محور بر عهده لشکر ۵ مکانیزه ارتش عراق بود که باید ضمن پاکسازی منطقه، جاده اهواز - خرمشهر را قطع می کرد و پس از محاصره خرمشهر از قسمت شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را نیز کامل می نمود و بعد از آن نیز به لشکر ۹ زرهی - که قرار بود در محور چزابه، با هدف تصرف بستان و سوسنگرد، به سمت

ص: ۲۸

---

۱- ۱۸. متعاقب این وضعیت و اطلاع حضرت امام از احتمال سقوط قریب الوقوع اهواز، ایشان چنین فرمودند که: «مگر جوانان اهواز مرده اند؟» رسیدن این خبر به سپاه خوزستان موجب تحول و اقدامات شجاعانه جوانان رزمنده علیه دشمن و نهایتاً نجات اهواز از خطر سقوط گردید. (سند شماره ۷۸۵۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

اهواز حرکت کند - در شهر اهواز ملحق می شد.

لشکر ۵ ارتش عراق، با تصرف پاسگاه های طلائییه و کوشک، به سمت اهواز پیشروی کرد و در محور کوشک، تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه برادران سپاه، در برابر دشمن مقاومت نموده و برای مدت کوتاهی پاسگاه کوشک را آزاد کردند. سرانجام، لشکر ۵ مکانیزه عراق، در ۱۵ کیلومتری اهواز، در منطقه «نورد» با مقاومت مردمی مواجه شد که موجب توقف دشمن در آن منطقه گردید. از سوی دیگر، به علت عدم موفقیت لشکر ۹ زرهی عراق در تصرف سوسنگرد و حمیدیه، دشمن از پیشروی بیشتر به سمت اهواز عاجز ماند. لشکر ۵ مکانیزه نیز پس از این، با عبور از محور طلائییه، با یک فلش به سمت جاده اهواز - خرمشهر و با یک فلش به سمت جفیر حرکت کرد و پس از عبور از جفیر، در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد. بعدها با ملحق شدن لشکرهای ۹ زرهی و ۵ مکانیزه در منطقه هویزه، بین نیروهای بخش شمالی و بخش جنوبی دشمن در جبهه جنوب، الحاق حاصل شد.

### محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق، مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند. لشکر ۳ زرهی، به همین منظور با عبور از ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر، به سمت رودخانه کارون حرکت کرد و همزمان نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، پیشروی خود را آغاز نمود.

مقاومت در خرمشهر موجب شد تا حرکت لشکر ۳ با تأخیر و در نتیجه با شکست روبه رو شود. (۱) این لشکر، در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ از کارون عبور کرد

ص: ۲۹

---

۱- ۱۹. نظر به این که موضوع کتاب، «خرمشهر» و حوادث مربوط به آن می باشد و از آن جا که نحوه اشغال خرمشهر و مقاومت مدافعان آن فصل درخشان و برجسته ای در تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می باشد، لذا این موضوع، به صورت مفصل تری در ادامه کتاب، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

و پس از قطع جاده اهواز - آبادان، توانست آبادان را محاصره کرده و با عبور از رودخانه بهمن شیر، وارد کوی ذوالفقاری آبادان شود، لیکن به دلیل مقاومت مردمی در کوی ذوالفقاری، سرانجام مجبور به عقب نشینی شد و در شمال رودخانه بهمن شیر استقرار یافت.

## نبرد در خرمشهر

### مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر

خرمشهر، ماه ها قبل از آغاز رسمی تجاوز عراق، دستخوش بحران سیاسی - امنیتی شده بود. عراقی ها از مدت ها قبل اقدام به سازمان دهی نیروهای وابسته به خود در داخل خرمشهر نموده و با توزیع سلاح و مهمات و تشدید تبلیغات سیاسی - روانی، زمینه را برای بهره برداری از نیروهای موسوم به «خلق عرب» آماده کردند. (۱) درگیری های مرزی که در گذشته نیز کم و بیش رخ می داد، در شش ماهه ی اول سال ۱۳۵۹ شکل جدیدی به خود گرفت و در حجم و فواصل آن تغییرات محسوسی به وجود آمد و همین امر سبب اعزام بخشی از نیروهای سپاه به مرز خرمشهر شد.

در پی طرح ریزی تهاجم نظامی عراق به جمهوری اسلامی، لشکر تقویت شده ی ۳ زرهی عراق، پس از آن که تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز

ص: ۳۰

---

۱- ۲۰. برای مطالعه اوضاع خرمشهر بعد از پیروزی انقلاب، بحران های قومی و جنگ انفجارات قبل از هجوم سراسری عراق و حماسه مقاومت خرمشهر و چگونگی اشغال خرمشهر به کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی» از انتشارات مرکز مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مراجعه نمایید.

تحت امر آن قرار گرفت، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به دنبال ۱۰ روز درگیری در مرز خرمشهر و همزمان با حمله سراسری عراق، حمله خود به خرمشهر را آغاز کرد.

مأموریت تصرف و پاکسازی خرمشهر به گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص واگذار شده بود. این نیروها بر مبنای توجیحات فرماندهی سپاه سوم، مدافعان شهر را اندک و فاقد روحیه پنداشته و تصور می کردند که مأموریت پاکسازی را حداکثر طی چند ساعت و با موفقیت به پایان خواهند رساند. گردان هشتم نیروی مخصوص، در خط مقدم درگیری و به دنبال آن گردان نهم، پس از چند روز درگیری در منطقه مرزی، در تاریخ ۷/۷/۱۳۵۹ به پانصد متری پل نو رسیدند. اولین مقاومت های شدید رزمندگان اسلام در این منطقه، ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد ساخت. ایجاد موانع متعدد و به دنبال آن کندی در پیشروی، موجب شد تا دشمن گردان هشتم را مأمور تثبیت منطقه نموده و ادامه پیشروی در خرمشهر را به گردان نهم محول کند. علاوه بر این، به این منظور تصرف پل نو و تسهیل در پیشروی به سمت خرمشهر، گردان تانک الحسن، وابسته به تیپ ۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه عراق، به منطقه اعزام شد و به پیشروی به سمت پل نو و درگیری در حوالی «سوله ها» اقدام کرد. اما تلاش جدید نیز نتیجه مطلوبی در پی نداشت.

یکی از فرماندهان تیپ ۳۳، پس از عبور از پل نو می گوید:

«ما تصور کردیم که مقاومت ها از بین رفته و دیگر شهر در چنگال ماست و لذا این موقعیت را به لشکر گزارش کردیم که مأموریت ما به درستی پایان یافت.» (۱).

لشکر ۳ عراق، برای عبور از رودخانه کارون، در انتظار پیشروی

ص: ۳۱



تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و گردان تانک الحسن به سمت خرمشهر و تأمین جناح چپ لشکر بود. عدم موفقیت تیپ ۳۳ در انجام مأموریت خویش از یک سو و ضرورت پیشروی سریعتر به سمت خرمشهر از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را برای دشمن به وجود آورد. لذا فرماندهان تیپ ۳۳ در تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۵۹ قبل از طلوع آفتاب، به تشکیل جلسه مبادرت کردند. در این جلسه، عدم آشنایی با شهر، عدم برآورد صحیح از استعداد نیروهای موجود و همچنین مقاومت رزمندگان اسلام به عنوان عوامل مؤثر در عدم تحقق اهداف تیپ ۳۳ مورد اشاره قرار گرفت. مهمترین نتیجه این بررسی، بروز ابهام و تردید نسبت به موفقیت تیپ ۳۳ در اجرای مأموریت محوله بود. سرانجام پس از بررسی راه کارهای مناسب، بندر خرمشهر به عنوان محور پیشروی در دستور کار قرار گرفت. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«محور بندر (خرمشهر) به دلایل زیر انتخاب شد:

۱ - تأمین جناح راست یگان های خودی.

۲ - با توجه به منتهی شدن بند به مصب رود کارون، دسترسی به پل حتمی خواهد بود.

۳ - خودداری از ورود به مرکز شهر، چرا که این کار سختی ها و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

۴ - تأمین اصل غافلگیری.» (۱).

جمع بندی نیروهای مهاجم در اولین مرحله از تهاجم و مواجه شدن با مقاومت نیروهای خودی در مرز خرمشهر و در حد فاصل مرز تا پل نو و نیز در پل نو، نشان دهنده ی تغییر ذهنیت نیروهای دشمن است که در ابتدا، دست یابی به شهر را سهل پنداشته و مقاومت را بسیار ناچیز و اندک برآورد می کردند.

ص: ۳۲

بدین ترتیب، گردان هشتم، حمله خود را به سوی بندر خرمشهر آغاز کرد. عدم حضور مدافعین خرمشهر در بندر، موجب سهولت پیشروی نیروهای دشمن در ابتدای حمله در این محور گردید. فرماندهی لشکر ۳ - که در این زمان ضمن پیشروی در شمال سیل بند خرمشهر، در انتظار گشودن دروازه های شهر بود - با دریافت گزارش پیشروی در بندر ضمن استقبال از وضعیت به وجود آمده، دستور ادامه پیشروی در همین محور را صادر کرد. همچنین مقرر گردید که درگیری های محدودی در جاده شلمچه به سمت خرمشهر انجام شود تا نیروهای داخل بندر بتوانند به سهولت به حرکت خود ادامه دهند.

مدافعین خرمشهر نیز، بلافاصله پس از اطلاع از ابعاد و گسترش تحرکات جدید دشمن، بخشی از نیروهای خود را به داخل بندر اعزام و به حمله و مقاومت در برابر دشمن مبادرت کردند. در این هنگام، عملاً درگیری با نیروهای دشمن به تناسب محورهای تهاجم، در سه منطقه زیر متمرکز شده بود:

۱ - روی جاده شلمچه در شرق پل نو، در برابر گردان تانک الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص.

۲ - در داخل بندر خرمشهر، در برابر گردان هشتم تیپ ۳۳.

۳ - روی سیل بند خرمشهر، در شمال ساختمان های پیش ساخته واقع در شمال شهر، در برابر لشکر ۳.

فرمانده قوای دشمن که پس از مواجهه با مقاومت شدید رزمندگان اسلام، امید قبلی خود را به پیشروی در بندر خرمشهر را از دست رفته می دید، وضعیت خود را چنین گزارش کرد:

«در آغاز کار، مقاومت چندان شدید نبود. همچنین ستون ما در محور بندر، سعی در پیشروی داشت که به دلیل مقاومت بسیار شدید

نیروهای ایرانی، تنها در مسافت بسیار ناچیزی موفق به پیشروی شد.» (۱).

رزمندگان اسلام در بند خرمشهر، با حمله به نیروهای دشمن، موجب عقب نشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه ی این یورش دلیرانه، رعب و وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد. در این وضعیت، فرمانده نیروهای دشمن در خرمشهر، ضمن تقاضای کمک از لشکر ۳، عدم توانایی در اجرای مأموریت خود را اظهار نمود. لشکر ۳، ضمن قول مساعدت مبنی بر اعزام نیروی کمکی، بر لزوم حفظ موقعیت مذکور تأکید نمود و دستور پیشروی به داخل شهر را به نیرویی مرکب از گردان تانک الحسن و گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه و گردان ۱ از تیپ ۴۹ ابلاغ کرد.

بدین ترتیب، نیروهای تقویت شده دشمن، در حالی که در پیشاپیش آنها گردان تانک الحسن حرکت می کرد و پشت سر آن نیز گردان مکانیزه و به دنبال آنها نیروی پیاده در حرکت بود، موفق به ورود در مدخل شهر شدند. در همین زمان، نیروی دشمن ر داخل بندر نیز همچنان به تلاش برای پیشروی ادامه می داد.

ورود دشمن به دروازه خرمشهر، سبب تغییر محورهای مقاومت شد. طوری که بخشی از نیروها در کشتارگاه و بخشی دیگر در ساختمان های کوی طالقانی و بخشی نیز در راه آهن درگیر شدند. تصور دشمن تا این زمان، این بود که با ورود به دروازه خرمشهر، مقاومت مدافعان شهر در هم شکسته و شهر سقوط خواهد کرد. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«ما در این گمان بودیم که شهر به دست نیروهای عراقی سقوط کرده است، در حالی که عکس این قضیه به وقوع پیوست. به گونه ای که مدافعان به نیروهای ما اجازه دادند تا داخل شهر شوند، سپس آنها را به محاصره خود

ص: ۳۴

در آوردند و با تمامی سلاح های در دسترس خود، بیش از دو سوم تانک های گردان الحسن و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکانیزه را منهدم ساخته و ضمن کشتن تعدادی از نیروهای گردان پیاده، بعضی از آنان را نیز به اسارت خود درآوردند.» (۱).

این فرمانده عراقی، در توصیف وضعیت نیروهای مهاجم چنین می گوید:

«در ساعت ۱۶:۱۵ همان روز (۱۰ / ۷ / ۱۳۵۹) با چشمان خود مشاهده کردم که نیروهایی که به وسیله تانک و خودرو در محور اصلی شهر پیشروی کرده بودند، با وضعیتی تأسف بار و حزن انگیز و با روحیه ای بسیار متزلزل که به هیچ وجه قابل کنترل نبودند، شکست خورده و در حال عقب نشینی بودند... تلفات و ضایعات سنگین بود، طوری که گردان تانک الحسن، بیش از ۲۳ تانک خود را از دست داده بود؛ ۱۷ دستگاه خودرو از نوع اسکات ساخت چکسلواکی، متعلق به گردان مکانیزه نیز منهدم شد و ده ها نفر کشته و اسیر شده و باقی شکست خورده بودند...» (۲).

روز دهم مهر، برای مدافعین خرمشهر علی رغم سختی و دشواری فراوان، روز موفقی محسوب می شود. در این روز، جنگ تن و تانک در آستانه خرمشهر در گرفت. در میدان راه آهن، مدافعین شهر، چون صاعقه بر تانک های دشمن فرود آمده و با یرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف، آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشمن که با تقویت نیروهایش، در نظر داشت با یک خیز بلند، شهر را تصرف نماید، علی رغم تصرف کشتارگاه و ورود به میدان راه آهن، مجدداً متحمل شکست شد و اقدام به عقب نشینی کرد.

یکی از حماسه سازان و مدافعین غیور خرمشهری، در این مورد چنین اظهار داشت:

ص: ۳۵

---

۱- ۲۴. پیشین، ص ۴۰.

۲- ۲۵. مأخذ شماره ۱۱.

«روز ۱۰ مهر، روزی خونین برای خرمشهر بود، آن روز عراقی ها از کشتارگاه به داخل شهر آمدند و وقتی راه آهن را گرفتند، بچه ها یکی از حماسه های عظیم را در فلکه راه آهن به وجود آوردند.» (۱).

شدت و سرعت عمل رزمندگان اسلام، کنترل نیروهای شکست خورده و متوحش دشمن را از دست فرماندهان آنها خارج کرده بود. برخی از عناصر دشمن تا حوالی پل نو فرار کرده بودند. هر چند شهامت رزمندگان اسلام در تمام دوران مقاومت در خرمشهر ستودنی و غیر قابل توصیف بود، اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت. در این روز شکستی تلخ و ناگوار به نیروهای دشمن تحمیل و در جمع رزمندگان جشن و سروری معنوی حاکم شد.

در پی پیدایش وضعیت جدید، فرمانده قوای دشمن به منظور تقویت روحیه فرمانده و نیروهای تیپ ۳۳ و تسهیل در ادامه پیشروی به داخل شهر، به اقدامات زیر دست زد:

۱ - با توجه به انهدام تعداد زیادی از تانک های دو گردان «الحسن» و «۳ مکانیزه»، تانک های باقی مانده به استعداد یک گردان را تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد.

۲ - گردان ۳ تیپ ۱۵ مکانیزه را نیز برای بازسازی به سازمان اصلی خود در خارج از منطقه منتقل کرد.

۳ - چهار گردان کماندویی را از طریق فرماندهی نیروهای کماندویی خالد (کماندوهای لشکر ۲)، وارد منطقه کرد تا در محور بندر مستقر شوند.

۴ - گردان ۱ تیپ ۴۲۹ نیز مأمور به استقرار در سمت چپ بندر شد.

پس از سازمان دهی و استقرار نیروها در مواضع جدید، تلاش اصلی دشمن بر ممانعت از توقف به هر شکل ممکن، متمرکز شده بود.

ص: ۳۶

---

۱ - ۲۶. سند شماره ۵۵۲۲. پ. ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با برادر همایون سلطانی فر (از رزمندگان مقاومت خرمشهر).

بدین منظور دشمن مصمم بود پیشروی را هر چند در قالب خیزهای کوتاه، ادامه دهد. (۱) لذا، براساس طرح ریزی جدید، در سپیده دم ۱۳ / ۷ / ۱۳۵۹ تهاجم سنگینی را آغاز کرد و پس از تلاش فراوان، تنها موفق به ۵۰ متر پیشروی در داخل بندر شد و این بار نیز، تحمل ضایعات فراوان از یک سو و یورش رزمندگان اسلام به قرارگاه تیپ ۳۳ از سوی دیگر، دشمن را از پیشروی باز داشت.

با این وضعیت، دشمن مجدداً اقدام به تقویت نیروهای خود کرد. بدین ترتیب که گردان ۲ (۲) نیروی مخصوص تیپ ۳۱ و گردان ۲ از تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده را همراه با ۴ گروهان کماندویی دیگر، تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد. تعجیل لشکر ۳ برای اشغال شهر و پیوستگی این اقدام با عبور نیروهایش از رودخانه کارون و تصرف آبادان، موجب شد تا فرماندهان این لشکر، در پایان روز ۱۳ مهر با تشکیل یک جلسه فوری، بر ضرورت پیشروی سریع و اشغال شهر تأکید نمایند. یکی از فرماندهان دشمن، طرح مجدد اشغال شهر را که در همین جلسه مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفت، چنین تشریح می کند:

الف) استقرار گردان ۲ نیروی مخصوص تیپ ۳۱ در سمت چپ جاده اصلی و آمادگی برای پیشروی پس از صدور دستور.

ب) استقرار گردان ۲ تیپ ۲ در سمت راست جاده اصلی و گسترش و

ص: ۳۷

- 
- ۱- ۲۷. شاید بتوان یکی از دلایل عدم پیشروی دشمن با خیزهای بلند را، علاوه بر تأثیرات ناشی از مقاومت مدافعین خرمشهر، نگرانی و هراس دشمن از غافلگیری و دور خوردن نیروهایش ارزیابی کرد.
  - ۲- ۲۸. این گردان قبلاً مأموریت داشت که طی عملیاتی وارد اهواز شود، لیکن موفق نشد و پس از بازسازی استعداد خود، در مأموریت جدید، به خرمشهر اعزام گردید و تحت امر تیپ ۳۳ نیروی مخصوص قرار گرفت.

ج) استقرار گردان ۸ نیروی مخصوص در سمت راست گردان ۲ از تیپ ۲ و گسترش و آمادگی برای ادامه پیشروی.

د) استقرار گردان ۱ تیپ ۴۹ در سمت راست گردان ۸ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی و آمادگی برای ادامه پیشروی.

ه) استقرار یک گروهان از گردان ۹ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی در بندر و استقرار ۲ گروهان نیروی مخصوص و ۲ گروهان کماندویی در نزدیکی ورودی بندر، به عنوان احتیاط برای مواقع ضروری. علاوه بر اینها، کلیه توپ های لشکر ۳ در پشتیبانی این عملیات قرار گرفت. همچنین توافق شد که عملیات، در سپیده دم روز ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۹ آغاز گردد. (۱) حمله نیروهای عراقی برابر طرح فوق آغاز گردید، اما مقاومت رزمندگان بار دیگر دشمن را متوقف کرد، و عراقی ها به میزان بسیار محدودی نسبت به مواضع قبلی خود پیشروی کردند.

در پی این وضعیت، سرلشکر ستاد اسماعیل تابه النعیمی، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق، به منظور بررسی علل توقف مجدد یگان هایشان، قرارگاه اصلی تیپ ۳۳ را مورد بازدید قرار داد. همچنین، سرلشکر ستاد عبدالرحمن عبدالواحد (معروف به عبدالرحمن سیاوه) به عنوان مشاور یگان ها و به منظور ترسیم وضعیت و گزارش آن به قرارگاه سپاه، وارد منطقه شد.

مشکلات اصلی دشمن در این مرحله برای ورود به داخل خرمشهر، چند علت اساسی داشت:

۱ - عدم شناخت دقیق از اوضاع داخل شهر.

۲ - حضور رزمندگان اسلام در داخل شهر و مشکلات ناشی از

ص: ۳۸

مقاومت آنان و نیز هراس دشمن از جنگ شهری.

۳ - خالی شدن پشت سر یگان ها، در صورت ورود به داخل شهر و امکان دور خوردن و محاصره نیروها در داخل شهر و نیز احتمال تفرقه یگان ها از یکدیگر.

با توجه به مشکلات فوق و وضعیت موجود، سرلشکر عبدالرحمن پیشنهاد کرد نیروهایی از جیش الشعبی برای کنترل مناطق اشغالی در نظر گرفته شود و تیپ ۲۶ زرهی نیز تحت امر او قرار گیرد. این طرح پس از بررسی مجدد و تجدید نظر، به صورت زیر مورد تصویب قرار گرفت:

۱ - محور بندر: ستونی مرکب از کماندوها و ۲ گروهان نیروی مخصوص.

۲ - محور سمت چپ بندر: ستونی از گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده.

۳ - محور سمت راست جاده اصلی: گردان هشتم نیروی مخصوص از تیپ ۳۳.

۴ - محور مرکزی روی جاده اصلی: گردان ۲ از تیپ ۲ پیاده.

۵ - محور سمت چپ جاده اصلی واقع در سمت چپ گردان دوم از تیپ ۲: گردان ۲ نیروی مخصوص از تیپ ۳۱.

۶ - محور سمت چپ شهر: یک گردان از تیپ ۲۳ با پشتیبانی تیپ ۲۶ زرهی.

ویژگی اصلی این مرحله از تهاجم، استفاده دشمن از آتش پشتیبانی پر حجم، همزمان با آغاز حمله در ۱۶ / ۵ / ۱۳۵۹، بود. اجرای آتش سنگین، خسارات فراوانی را بر خرمشهر وارد کرد و ستون های عظیم دود حاصل از آتش سوزی های متعدد، آسمان شهر را سیاه نمودند.

طی این مرحله، نیروهای دشمن ضمن پیشروی در داخل بندر، به مرکز شهر نیز نزدیک شده و ساختمان های پیش ساخته را به تصرف



در آوردند؛ اما جاده خرمشهر - اهواز، همچنان در تصرف نیروهای خودی قرار داشت.

به دنبال پیشروی نیروهای عراقی در ساختمان‌های پیش ساخته، در شمال و در فاصله حدود یک کیلومتری پلیس راه خرمشهر، تدریجاً مقاومت در خرمشهر ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، چرا که ساختمان‌های پیش ساخته که در حد فاصل سیل بند خرمشهر و پلیس راه واقع شده بود، از یک سو مانع رسیدن نیروهای عراقی به پادگان دژ و اشغال آن و همچنین دست‌یابی عراقی‌ها به پلیس راه و جاده کمربندی خرمشهر بود و از سوی دیگر می‌توانست نیروهای عراقی (تیپ‌های ۶ و ۲۶ زرهی) که از شمال سیل بند خرمشهر به قصد عبور از رودخانه کارون در حال پیشروی بودند را مورد تهدید قرار داده و ضربه پذیر نماید.

در ابتدای امر، کمتر از ۱۰ نفر از مدافعین خرمشهر در ساختمان‌های پیش ساخته علیه دشمن مقاومت می‌کردند، (۱) ولی با آغاز پیشروی عراقی‌ها در این محور، نیروهای تکاور ارتش و افراد بومی خرمشهر به همراه سایر نیروها روانه منطقه شدند. فشار سنگین دشمن در این محور که از اهمیتش برای عراق ناشی می‌شد، موجب گردید تا مدافعین خرمشهر، سرانجام اقدام به عقب‌نشینی کرده و در حوالی پلیس راه خرمشهر استقرار یابند.

ص: ۴۰

---

۱- ۳۰. شهید جمشید برون که یکی از حماسه‌آفرینان مقاومت خرمشهر بود، در خصوص وضعیت نیروها در این محور و امکانات دفاعی آنها چنین می‌گوید: «شب، در آن هوای سرد پاییزی، بدن آدمی می‌لرزید ما، روی آسفالت طرف پلیس راه می‌خوابیدیم. یک گونی کثیف که بوی لجن می‌داد و آدم دلش نمی‌آمد به آن دست بزند را شبها، هنگام استراحت، می‌انداختیم روی خودمان. در جایی می‌خوابیدیم که هر لحظه امکان حمله عراقی‌ها به آنجا وجود داشت.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۵۶۵۳ / پ. ن).

دشمن، بین روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهر، پس از تقویت نیرو و سازمان دهی جدید، توانست به داخل شهر نفوذ کند، ولی مسجد جامع شهر به صورت پایگاه مقاومت و سازمان دهی نیروها، همچنان در اختیار رزمندگان اسلام بود. پل خرمشهر نیز به عنوان محل اتصال بخش های غربی و شرقی شهر جهت تأمین عقبه نیروهای خودی، در تسلط مدافعین شهر قرار داشت.

پیشروی دشمن با خیزهای کوتاه، با وجود تحمل خسارت و ضایعات سنگین، ادامه داشت و مدافعین شهر علی رغم تغییر مواضع، همچنان مقاومت می کردند.

دشمن نیز به دلیل عدم موفقیت قابل توجه و چشمگیر نیروهایش در سایر محورهای تهاجم در جبهه ی جنوب، و از طرفی نیاز حاکمان بغداد به دستاوردی که بتواند بر مبنای آن، تهاجم به جمهوری اسلامی را توجیه نماید، همچنان برای تصرف خرمشهر تعجیل داشت و اصرار می ورزید.

### **عبور از کارون و تشدید نبرد**

عراقی ها تا ۱۹ مهر، همچنان در مدخل خرمشهر و حوالی آن درگیر بودند. تا این زمان در برابر دشمن جبهه ای به امتداد بندر، میدان راه آهن تا کشتارگاه و پلیس راه و کمی بالاتر از آن، به وجود آمده بود. عقبه نیروهای خودی نیز با استفاده از پل خرمشهر، همچنان باز و کماکان تردد در آن صورت می گرفت. نیروهای دشمن، تدریجاً پیشروی نموده و با ایجاد درگیری در ساختمان های پیش ساخته، در واقع جناح راست تیپ های ۲۶ و ۶ زرهی را تأمین کردند تا پس از قطع جاده اهواز - خرمشهر، به سمت کارون پیشروی و با قطع جاده اهواز - آبادان، محاصره خرمشهر را از شمال کامل نمایند.

گرچه مقاومت در داخل خرمشهر، نیروهای عراقی را با تلفات زیادی و

کندی در پیشروی رو به رو ساخت، ولی در عین حال، عدم تقویت نیروهای خودی و نبودن آتش پشتیبانی و... موجب گردید که دشمن به هنگام عبور از رودخانه کارون، خود را از تهدید قوای جمهوری اسلامی در امان دانسته و با اطمینان کامل از رودخانه عبور کند (۱) رادیو بی بی سی در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹ به نقل از اطلاعیه فرماندهی ارتش عراق، خبر عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را با تردید منتشر ساخت. دیگر منابع خارجی، از جمله روزنامه واشنگتن پست نیز در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹، عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را دلیل ضعف این کشور در تصرف خرمشهر ذکر کردند:

«عراقی ها که پس از سه هفته محاصره خرمشهر، هنوز نتوانسته اند تمام قسمت های آن را در اختیار بگیرند، اکنون می کوشند با عبور از کارون، شهر را دور زده و آن را با قطع ارتباط، در محاصره بگیرند و همچنین آبادان را به محاصره اندازند.»

دشمن از این پس برای ورود به مرکز شهر، به تقویت نیرو مبادرت

ص: ۴۲

---

۱- ۳۱. یکی از فرماندهان ارتش عراق که در درگیری های خرمشهر حضور داشته، درباره علل سقوط خرمشهر چنین می نویسد: این امکان برای نیروهای ایرانی وجود داشت که در خرمشهر مقاومت کرده و مانع اشغال آن به وسیله واحدهای عراقی شوند. این، در صورتی بود که تقویت واحدهای عمل کننده در داخل شهر، هر چند وقت یک بار صورت می گرفت و عکس العمل خیلی کند و سست برابر پیشروی نیروهای عراقی که حدود ۲۶ روز به طول انجامید، روی نمی داد و اگر فرماندهی ایران در طول جنگ فقط هزار رزمنده در شهر مستقر می کرد، واحدهای عراقی تار و مار شده و بیشتر آنها به اسارت در می آمدند. من به خاطر حضورم در طول عملیات، این حرف را با اطمینان کامل می گویم.» (سند شماره ۱۰ / ۵۱۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی»، اطلاعات ستاد کل سپاه).

ورزید در حالی که برای ورود به شهر، خود را با مشکلات عدیده ای مواجه می دید. استقرار رزمندگان اسلام در محورهای مختلف، امکان غافلگیری یا محاصره توسط نیروی موجود دشمن - که به علت عدم آشنایی کافی با شهر، نیروی خود را از دست داده و متحمل تلفات زیادی گردیدند - را از بین برد. لذا دشمن به منظور تقویت بیشتر نیروهایش دو واحد جیش الشعبی از سپاه سوم ارتش عراق، برای استقرار در مواضع تصرف شده، در اختیار فرماندهی جبهه خرمشهر قرار گرفت و گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری نیز برای اجرای عملیات به منطقه اعزام شد.

علاوه بر موانع یاد شده که بر سر راه دشمن قرار داشت، پیمودن مسافت کشتارگاه (در ابتدای جاده شلمچه) تا ساختمان های بلند کوی طالقانی که میدان نسبتا وسیعی را در بر می گرفت و در اختیار مدافعین خرمشهر قرار داشت، برای دشمن نگران کننده بود.

### ورود به شهر

در ۲۱ مهر ۱۳۵۹، توان اصلی دشمن معطوف به تصرف ساختمان های کوی طالقانی گردید چرا که در صورت تصرف این ساختمان ها، این امکان برای آنها فراهم می شد که در ابتدای شهر، با برخورداری از یکی موقعیت مناسب، جاده کمربندی و منطقه پلیس راه را در کنترل خود قرار دهند.

یکی از فرماندهان ارتش عراق در مورد این اقدام و نتایج می گوید:

«بدین وسیله نیروهای ما می توانستند در ورودی شهر، برای خود جای پایی باز کرده و موقعیت خود را تثبیت کنند، به طوری که این محل، نقطه تحولی در روند عملیات به حساب می آمد (۱)».

ص: ۴۳

دشمن در نظر داشت که با تقویت نیرو به منظور حفظ مناطق اشغالی و آزاد شدن نیروهای تک و، خود را برای ورود به داخل خرمشهر مهیا کند. روز ۲۲ مهر، به عبارتی، روز سرنوشت ساز برای خرمشهر به شمار می رود، زیرا موقعیت دشمن، بیانگر سقوط قریب الوقوع شهر بود. دشمن با تسلط بر ساختمان های کوی طالقانی و استقرار در ابتدای خیابان چهل متری، مسافتی زیاد از خیابانی که به مرکز شهر ختم می شد را در تیررس خود داشت، نیروهای دشمن، امکان تحت کنترل درآوردن جاده کمربندی را نیز داشتند و علی رغم آنکه مقاومت در تمامی محورها، از جمله بندر و پلیس راه، همچنان ادامه داشت، ارتباط نیروهای مستقر در پلیس راه با توجه به حضور دشمن در ساختمان های بلند کوی طالقانی دشوار شده و حضور نیروهای خودی رو به کاهش گذارده بود.

با آغاز پیشروی نیروهای عراقی به داخل شهر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، از مقاومت بندر و پلیس راه کاسته شد و پادگان دژ نیز به طور کامل سقوط کرد. این، در واقع مقدمه کنترل کامل دشمن بر منطقه شمال پلیس راه و جاده کمربندی بود.

### **تغییر خرمشهر به خونین شهر**

نیروهای دشمن با پیشروی در عمق شهر و نفوذ در داخل خیابان فردوسی، به مسجد جامع نزدیک شدند. قلب شهر در معرض تهاجم و یورش دشمن قرار گرفت. تا کنون همه مسائل در مسجد جامع حل و فصل می شد. عقبه نیروها و محل تدارک، سازمان دهی، استراحت و مداوای مجروحین در مسجد جامع واقع شده بود. به عبارت دیگر، مسجد جامع با قدرتمندی، نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می کرد. از این پس،

مدافعین شهر برای مقاومت، با دشواری های بسیاری مواجه بودند. به نیروهای داخل شهر نه تنها افزوده نمی شد، بلکه تدریجا با شهادت و مجروح شدن نیروهای موجود، هر لحظه از تعداد آنها کاسته می شد. در این وضعیت، هر چند ادامه مقاومت بسیار دشوار بود، اما ترک شهر برای حماسه آفرینانش دشوارتر به نظر می رسید، به همین خاطر مقاومت قدم به قدم سلحشوران مسلمان ادامه یافت تا روز بیست و چهارم مهر ماه، که خرمشهر، شهر خون شد و «خونین شهر» نام گرفت (۱).

اخباری که از داخل به خارج شهر منتقل می شد، همگی حکایت از وضعیت بحرانی و سقوط قریب الوقوع شهر داشت.

فرماندهان دشمن، طی جلسه ای در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۵۹، تصرف هر چه سریعتر پل خرمشهر را ضروری دانسته و طی گزارشی به مقرر لشکر ۳، چنین اعلام کردند:

«با توجه به سقوط پادگان دژ به دست یگان های ما و با توجه به این که تدارکات نیروهای ایرانی از طریق پلی که خرمشهر را به آبادان متصل می کند

ص: ۴۵

---

۱- ۳۳. آلکس افنای، خبرنگار آسوشیتدپرس درباره آزادی خونین شهر می گوید: «مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سقوط شهر، ایران نام خرمشهر را به خونین شهر تغییر داد. بلافاصله پس از سقوط خرمشهر سرفرماندهی عراق برنامه ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت وحدت نبردی را که صورت گرفته بود احساس کردند، در شهر یک صد و پنجاه هزار نفری، به سختی می توان خانه ای را یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای اتاق های آن نباشد، و این شواهد، حاکی بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه، از این شهر دفاع کرده اند یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان اذعان کرد که ایرانی ها که اغلب آنها جوانان عضو سپاه پاسداران و فاقد تجربه هستند، تا پای جان برای دفاع از خرمشهر پایداری کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۱).

به شهر می رسد، تسلط بر پل مذکور و محاصره نیروها در داخل شهر باید از مهم ترین اهداف ما باشد.» (۱).

از این پس پیشروی دشمن در مرکز شهر به سمت قلب شهر، یعنی مسجد جامع و روی جاده کمربندی به سمت پل خرمشهر ادامه یافت. یکی از فرماندهان دشمن در این باره می گوید:

«دلیل اجرا و ادامه این طرح، همان طور که گفتم، ابتدا جلوگیری از رسیدن تدارکات به نیروهای ایرانی و نیز غافلگیر کردن آن ها بود، چون اکثر مقاومت های آنها در حوالی مسجد جامع انجام می گرفت.» (۲).

دشمن تاریخ ۲۹ مهر را به عنوان زمان اجرای طرح تعیین کرد و برای رعایت اصل غافلگیری، به یگان ها ابلاغ کرد که از بی سیم های خود استفاده نکنند.

با آغاز تهاجم دشمن و پیشروی آنها به سمت پل خرمشهر، درگیری به حوالی فرمانداری، رو به روی پل، کشیده شد. از این پس پل خرمشهر که عقبه تدارکاتی نیروهای خودی بود، مورد تهدید قرار گرفت. نیروهای دشمن از شروع اجرای مانور خود، با مقاومت شدید مدافعین مظلوم خرمشهر مواجه شده و موفق به تأمین اهداف خود نشدند. تحمل چنین وضعیتی برای فرماندهان دشمن بسیار دشوار بود، به همین علت، لشکر ۳ به منظور تحقق اهداف تعیین شده اش، برای نیروهای تحت امر خود ضرب العجل ۴۸ ساعته ای را معین کرد.

### سقوط خرمشهر

در دوم آبان ۱۳۵۹، دشمن با قوای بسیاری اقدام به پیشروی کرد و علی رغم خالی شدن مسجد جامع از مدافعین خرمشهر، عظمت و نقش بی نظیر این میعادگاه در مقاومت و دفاع طولانی خرمشهر مانع نزدیکی دشمن به

ص: ۴۶

---

۱- ۳۴. پیشین، ص ۲۳.

۲- ۳۵. مأخذ شماره ۱۶، ص ۲۳.

آن می گردید. پل خرمشهر نیز متعاقب وضعیت جدید، به طور کامل مسدود گردید. از این پس، نه تنها ورود به داخل شهر امکان پذیر نبود، بلکه راه خروج از شهر نیز مسدود شده بود. در این اوضاع، نیروها با استفاده از بلم و با عبور از زیر جداره های پل خرمشهر، تردد می کردند، با مسدود شدن پل، فرماندهی دشمن، روز دوم آبان را روز اشغال خرمشهر اعلام کرد و این در حالی بود که هنوز مقاومت نیروها ادامه داشت و دشمن نتوانسته بود بر تمامی شهر تسلط یابد. سقوط پل خرمشهر حتمی و قریب الوقوع بود. بر این اساس، دستور عقب نشینی به نیروهای خودی صادر شد و مجروحین برای انتقال به منطقه ی امن و دور از دسترس دشمن، به ساحل رودخانه کارون منتقل شدند.

بدین ترتیب، مدافعین خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جانفشانی خود، حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال غم انگیز و مظلومانه ای را رقم زدند و تاریخی پر افتخار و درخشان از خود بر جای نهادند.

دشمن بعضی که در ابتدا تصرف خرمشهر را بسیار ساده و در دسترس پنداشته و بر همین اساس تنها دو گردان از نیروی مخصوص را جهت اجرای مأموریت و تصرف خرمشهر اختصاص داده بود، عملاً مجبور شد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر، بیش از ۲ لشکر را به کار گیرد. بخشی از نیروهای دشمن که در طی ۳۴ روز جنگ، برای اجرای مأموریت به خرمشهر اعزام شدند، طبق اسناد و مدارک موجود به شرح زیر می باشد:

۱ - لشکر ۳ زرهی

۲ - گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص

۳ - گردان تانک الحسن وابسته به تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه

ص: ۴۷



۴ - گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه

۵ - گردان یکم از تیپ ۴۹

۴ - ۶ گردان کماندو از فرماندهی نیروهای کماندویی خالد از لشکر ۲

۷ - گردان یکم از تیپ ۴۲۹

۸ - گردان های دوم و سوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص

۹ - گردان های دوم و سوم تیپ ۲ پیاده از لشکر ۲

۱۰ - ۲ واحد از نیروهای جیش الشعبی

۱۱ - گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری

۱۲ - گردان یکم از تیپ ۲۳

## توقف سراسری دشمن

### اشاره

به دنبال تهاجم سراسری عراق، به تناسب درک انقلابی اقشار مختلف مردم از ابعاد تهاجم و نتایج ذلت بار آن، مقاومت مردمی، به ویژه در شهرهای مرزی ایران شکل گرفت. نیروهای نظامی، علی رغم ضعف ها و کاستی های موجود، با اندکی امکاناتی که در اختیار داشتند، به مقاومت پرداختند.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، تنها چند روز پس از تهاجم سراسری عراق، دو سکوی نفتی العمیه و البکر را مورد تهاجم قرار داد و منهدم کرد. بدین ترتیب، صادرات نفتی عراق از خلیج فارس با معضل اساسی روبه رو شد.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، بلافاصله پس از آغاز جنگ، با به پرواز درآوردن ۱۴۰ فروند هواپیما، مراکز حساس و استراتژیک عراق را مورد تهاجم قرار داد.

تهاجم سراسری عراق پس از گذشت یک هفته، با رکود چشمگیری

مواجه شد. در بیشتر مناطق، نیروهای عراقی موفق به تصرف اهداف و اجرای کامل مأموریت خود نشده بودند. مدافعان شجاع خرمشهر نیز همچنان خرمشهر را در اختیار داشتند و در حفظ آن پافشاری می کردند. لذا صدام بلافاصله پس از جمع بندی اوضاع جنگ، در تاریخ ۷ / ۷ / ۱۳۵۹ طی سخنانی خطاب ملت عراق اعلام کرد: «عراق با مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره پردازد.»

تفسیرهایی که کارشناسان و تحلیل گران نظامی تنها یک هفته پس از شروع جنگ ارائه کردند، علی رغم آن که عراق در اکثر محورهای هجوم در حال پیشروی بود، گویای شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی بود (۱). اعلام آتش بس یک جانبه از سوی صدام نیز مبین همین موضوع بود.

در عین حال، عدم تناسب توانایی عراق با اهداف زمان بندی شده جنگ، یکی دیگر از عواملی است که در ناکامی اهداف عراق (۲) نقش تعیین کننده ای داشته است؛ در نتیجه، عراق علی رغم بهره گیری از استراتژی پر تحرک و محدودی که همراه با سرعت و قاطعیت و غافلگیری بود، نتوانست به اهداف خود نائل شود، و برای همین ناخواسته به استقرار در مواضع دفاعی نامناسبی مجبور شد. عواملی که در زمین گیر شدن و

ص: ۴۹

---

۱-۳۶. رادیو لندن، به نقل از روزنامه گاردین در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۵۹، گفت: «نیروهای مسلح عراق هفته خوبی را پشت سر نگذاشتند. عراق، نه به پیروزی های قابل توجهی دست یافته و نه به پیروزی های سطحی.»

۲-۳۷. روزنامه انقلاب اسلامی، به نقل از رادیو آلمان در این زمینه می نویسد: «عراق در جنگ بی حاصل فعلی که هدف آن سرنگونی رژیم (امام) خمینی بود، به هیچ وجه به نتیجه نرسیده است. این جنگ بر عکس تصور عراق، وضع ایران را به شدت تحکیم بخشیده است.» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۴ / ۷ / ۱۳۵۹).

## فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران

دستگاه‌های اطلاعاتی عراق با مساعدت کشورهای مرتجع منطقه، آمریکا و غرب، اطلاعات وسیعی از اوضاع داخلی ایران جمع آوری کرده بودند. یکی از فرماندهان دشمن درباره اخبار و اطلاعات رسیده به عراق می نویسد:

«به عراق اطلاعات بسیار دقیقی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و مشکلات داخلی و درگیری های سیاسی گروه های مخالف داده شده بود. همچنین عراق به دقیقترین جزئیات وضعیت نظامی (حجم نیروهای نظامی) و از هم گسیختگی بدنه ارتش در اثر انفصال از خدمت هزاران نظامی، اعم از افسر و درجه دار، دست یافته بود و از عدم انضباط و آشفتگی در داخل یگان های نظامی اطلاع کامل داشت. همچنین عربستان سعودی از آغاز پیروزی انقلاب ایران، رژیم عراق را از توان نظامی ایران قدم به قدم آگاه ساخته بود. سعودی ها این اطلاعات را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا گرفته بودند، چرا که تعداد بسیاری از مزدوران و اعضای ساواک را در اختیار داشتند و همچنین در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران، اطلاعاتی از طریق بعضی از سفارت خانه های خارجی و از طریق افراد سیاسی و نظامی که به عراق فرار کرده بودند، به دست آمده بود. بدین شکل، رهبران عراق وضعیت نظامی ایران و تحولات آن را پیگیری می کردند.» (۱).

در این میان، تنها مسئله ای که مورد توجه فرماندهان عراق قرار نگرفت، روحیه و توانی بود که از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده بود. (۲) در حقیقت، مبنای تصمیم گیری حاکمان عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی، ارزیابی دستگاه اطلاعاتی عراق و

ص: ۵۰

---

۱- ۳۸. واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران «تحلیل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸.  
۲- ۳۹. رادیو لندن، به نقل از تایمز مالی در تاریخ ۱۳۵۹ / ۷ / ۹ گفت: «آنچه را که رهبران عراق از نظر دور داشتند، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و جمع شدنشان به دور مظاهر انقلابشان بود که هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی به سر می بردند.»

اطلاعات واصله به آن کشور بود، بدون این که میزان مقاومت مردمی و تبعات عدم دست یابی به اهداف تعیین شده مورد توجه آنها قرار گرفته باشد.

یکی از فرماندهان عراقی ضمن تجزیه و تحلیل عدم موفقیت ارتش عراق، با تأکید بر عدم دسترسی آنها به اطلاعات صحیح، در مورد مقاومت مردمی چنین می گوید:

«اگر فرماندهی می خواست تصمیمی مبنی بر حمله به ایران بگیرد، لازم بود که اطلاعات خیلی دقیقی به واحدهای حمله کننده رسیده باشد، اطلاعات داده شده از مقاومت های احتمالی، درست نبود. (۱).

فرمانده یکی از یگان های دشمن مأمور در خرمشهر نیز در این باره می گوید:

«اطلاعاتی که به تیپ ما داده شد، اطلاعاتی شفاف و سریع بود و خلاصه ی آن، این بود که در شهر (خرمشهر) نیروی اندکی با روحیه ای بسیار ضعیف وجود دارد و اجرای مأموریت فقط چند ساعت به طول خواهد انجامید» (۲).

در هر صورت، عراق با این تهاجم خود، بهای سنگینی را برای نادیده انگاشتن روحیه انقلابی ملت مسلمان ایران پرداخت کرد.

### **عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی**

توان نظامی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی به دلیل مقاومت انقلابی

ص: ۵۱

---

۱- ۴۰. پیشین، ص ۲۶.

۲- ۴۱. مأخذ شماره ۱۱، ص ۳۶.

مردم، موقعیت زمین و عمق خاک جمهوری اسلامی و سایر موانع طبیعی، با اهداف مورد نظر دشمن مطابقت نداشت. لذا ماشین جنگی عراق از نخستین هفته های آغاز جنگ در سرزمین وسیع خوزستان پراکنده شد و از این رو، توان لازم را برای ادامه مؤثر تهاجم از دست داد.

ارتش عراق که تمرکز قوای خود را از دست داده و با کمبود نیروی احتیاط رو به رو بود، نتوانست جبهه جنوب را تقویت نماید و لشکر ۳، هرگز توانایی و فرصت لازم را برای عبور از رودخانه بهمن شیر به دست نیاورد و این پراکندگی قوا، کمبود نیرو، و گرفتاری در جبهه ای گسترده - که مشکل عمومی و فراگیر قوای دشمن محسوب می شد - مانع هر گونه پیشروی مؤثر شد و آنها را با فرو بردن در لاک دفاعی، به احداث استحکامات و تحکیم مواضع دفاعی خود وادار کرد.

به دنبال درخواست آتش بس از سوی صدام (۱) و عدم انعطاف جمهوری اسلامی، دشمن بین دو راه حل مخیر گشت:

۱ - عقب نشینی از مواضع و ادعاهای اولیه، به ویژه لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر:

با توجه به تمهیدات گسترده سیاسی - نظامی که عراق به اجرای آن

ص: ۵۲

---

۱- ۴۲. یکی از فرماندهان عراقی در این باره گفت: «صدام، وقتی درخواست آتش بس را در روز ۲۸ / ۹ / ۱۹۸۰ (۶ / ۷ / ۱۳۵۹) ابراز نمود، کاملاً متقاعد شده بود که ارتش عراق توانایی انجام وظیفه را ندارد» (واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران، «تحلیل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸) روزنامه تایمز مالی نیز در تاریخ ۲۶ / ۷ / ۱۳۵۹ در این مورد نوشت: «جنگ ایران و عراق، چه از نقطه نظر تاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی به بن بست رسیده است، به همین دلیل، عراق به هر دری می زند تا بلکه کشوری واسطه آتش بس بین دو طرف مخاصمه شود.»

مبادرت کرد، عقب نشینی از مناطقی که در پیشروی های اولیه به عنوان اهرم فشار در تصرف خود داشت، در واقع برای صدام به منزله خودکشی تلقی می شد و دور از منطق و غیر قابل قبول به نظر می رسید.

۲ - حفظ وضع موجود، به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره سیاسی:

رژیم عراق چنین ارزیابی می کرد که جمهوری اسلامی علی رغم مقاومت در برابر تهاجمات عراق، فاقد توان لازم برای آزادسازی مناطق اشغالی می باشد و تحکیم و تثبیت آن در آینده، جمهوری اسلامی را به دادن امتیاز (لغو قرارداد ۱۹۷۵) وادار کند.

عراق راه دوم را برگزید و بدین ترتیب با استقرار نیروهای مهاجم در مواضع پدافندی ناقص، دشمن مرتکب دوامین اشتباه استراتژیکی خود شد و با توجه به فرا رسیدن فصل بارندگی و سرما، این نیروها بدون این که در مواضع مناسبی استقرار یابند یا ضربه اساسی به نیروها و ظرفیت نظامی جمهوری اسلامی بزنند، زمان و فرصت مطلوبی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند تا به موازات حل مشکلات در داخل، مهیای آزاد سازی مناطق اشغالی شود. (۱).

ص: ۵۳

---

۱- ۴۳. مجله اشپیگل چاپ آلمان، در مورد شکست عراق و کسب زمان برای آمادگی بیشتر و بهتر رزمندگان اسلام، می نویسد: «جنگ، آن طور که صدام امیدوار بود، نه باعث سقوط رژیم ایران شد و نه طغیان اعراب خوزستان به جانبداری از بغداد علیه حکومت ایران را سبب گردید، نیروهای عراق ماه هاست که در مناطق مرزی عملیاتی، بدون هدف مشغولند... بی برنامه بودن عراقی ها، فرصت لازم را در اختیار ایرانی ها گذاشت تا بر اوضاع درهم و برهم زمان انقلاب مسلط شده و تدارکات لازم را به جبهه ها برسانند...».

عراق علی رغم شکست اهداف نظامی و عدم موفقیت در وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش آتش بس تحمیلی، بنا به دلایل زیر اقدام به تحکیم مواضع در مناطق اشغالی کرد:

۱ - اوضاع بی ثبات داخلی کشور و افزایش تلاش گروه های ضد انقلاب در معارضه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی.

۲ - ارزیابی توانایی نظامی ایران و مشاهده عدم تحرک اساسی از طرف نیروهای مسلح.

۳ - مناسبات جهانی، که علی رغم شکست استراتژی نظامی عراق در حمله به جمهوری اسلامی، تقریباً به طور یکپارچه از این کشور حمایت (نظامی و سیاسی) می کردند.

بنابراین، یکی از علل عمده حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی را باید تجزیه و تحلیل آنها از اوضاع داخلی کشور دانست. در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«رهبری عراق نظریات خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلاف شدید بین سیاستمداران ایران (یعنی جریان بنی صدر از یک طرف و جریان اصیل اسلامی از طرف دیگر) بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می کرد که تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن نیروهای عراقی در سایه این پراکندگی داخلی، برای ایران دشوار خواهد بود.» (۱).

همچنین ویلیام اف هیکمن از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در این باره می گوید:

«در مرحله دوم (جنگ) که اول ماه نوامبر تا، تابستان ۱۹۸۱ (آبان ۱۳۶۰

ص: ۵۴

تا، تابستان ۱۳۶۱) را در بر می گیرد، از سویی جنگ در بن بست قرار داشت و در طول آن، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش های ایران برای تنظیم امور کارهای جبهه ها، به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران ناکام ماند.»

پیدایش چنین وضعیتی، یعنی ناتوانی عراق برای تحمیل خواسته های خود و عدم توانایی جمهوری اسلامی در باز پس گیری مناطق اشغالی، به لحاظ مشکلات سیاسی در داخل، جنگ را با بن بست جدی رو به رو ساخت و بدین علت، تصمیم گیری عراق در این وضعیت، به تداوم استقرار در مناطق اشغالی منجر شد.

## بررسی وضعیت سیاسی - نظامی کشور

### اشاره

جمهوری اسلامی ایران، به دلیل اوضاع خاص سیاسی - نظامی خاکم بر کشور در آستانه تهاجم عراق، به هیچ وجه از آمادگی و قابلیت لازم برای رویارویی و در هم کوبیدن ماشین نظامی دشمن برخوردار نبود. در عین حال، درک مردم از ماهیت تجاوز دشمن و تبعات آن بر سرنوشت انقلاب و کشور، موجب شد تا مقاومت نیروهای مردمی، دشمن را از تحقق کامل اهداف سیاسی و نظامی اش باز دارد. در این مرحله، علی رغم فراز و نشیب های بسیاری که وجود داشت در هر صورت دشمن به امید دست یابی به امتیازات مورد نظر، یا تحمیل صلح به جمهوری اسلامی، در مواضع پدافندی ناقص مستقر شد و به تحکیم مواضع خود مبادرت ورزید.

نظر به اوضاع بی ثبات سیاسی و وضعیت خاص جبهه های نبرد، سؤال اساسی این است که جمهوری اسلامی، در حد فاصل تهاجم دشمن تا شکل گیری روند آزاد سازی مناطق اشغالی، در چه وضعیتی قرار داشت؟



به عبارت دیگر، اوضاع سیاسی - نظامی کشور از چه مشخصه و ویژگی هایی برخوردار بود و به دنبال آن، تلقی و باور دشمن از این اوضاع چه بود؟ این اوضاع چه تأثیری بر مواضع و عملکرد آنها در تداوم حضورشان در مناطق اشغالی داشت؟ برای پاسخ به سؤالات ذکر شده، بررسی اوضاع و روند تحولات سیاسی - نظامی کشور در حد فاصل زمین گیر شدن دشمن تا آغاز آزاد سازی مناطق اشغالی - که نزدیک به یک سال و اندی به طول انجامید - ضروری است.

## وضعیت سیاسی

اوضاع سیاسی کشور و تحولات آن، اساساً معطوف به تلاش های سازمان دهی شده داخلی یا حمایت های خارجی به منظور حذف نیروهای انقلابی و جابه جایی در قدرت سیاسی کشور بود. بدین شکل که روند تحولات انقلاب طی سال ۱۳۵۸، به ویژه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، ضمن افشای ماهیت سیاست های آمریکا در داخل کشور و منطقه، ماهیت جریان های وابسته به آمریکا را نیز آشکار ساخت. بخشی از نتایج این تحول شگرف و عمیق، تضعیف بیش از پیش نیروهای مخالف انقلاب اسلامی بود.

بدین ترتیب کلیه عناصر و جریان هایی که بقا و حیات سیاسی خود را در صحنه داخل کشور در معرض تهدید تلقی می کردند، کوشش مضاعفی را در معارضة هماهنگ و سازمان یافته با نیروهای انقلابی آغاز کردند. ماهیت این جریان ها و اهداف سیاسی - نظامی ای که دنبال می کردند، به گونه ای غیر قابل انکار، منجر به همسویی آنها با تلاش و سیاست های آمریکا در داخل ایران شد.

در روند تحولات داخل کشور، انتخاب بنی صدر به مقام ریاست

جمهوری، نقطه عطفی در شکل‌گیری حوادث بعدی و انسجام و سازمان‌دهی عناصر و جریان‌های معارض با انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹ به ویژه حوادث و رخداد‌های نیمه اول این سال، (۱) تنش سیاسی در داخل کشور نیز تشدید شد.

با آغاز تجاوز دشمن و پیدایش وضعیت جدید در کشور، اوضاع داخلی تا اندازه‌ای بهبود یافت و کلیه نظرها به مقابله با دشمن معطوف شد. لیکن اهداف سیاسی بنی‌صدر و تلاش‌های وی برای بهره‌گیری از اوضاع بحرانی به منظور حذف نیروهای انقلابی، موجب گردید که پس از زمین‌گیر شدن دشمن، مجدداً درگیری‌های داخلی تشدید شده و در شکل و ابعاد جدیدی ظهور نماید.

بنی‌صدر تا پیش از این درصدد حذف نیروهای انقلابی بود که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، تحت عنوان نیروهای خط امام متشکل شده بودند. لیکن تحولات جنگ و موقعیت جدید نیروهای خط امام در داخل کشور و جبهه‌های نبرد، موقعیت را برای بنی‌صدر و تحقق اهداف سیاسی او دشوار کرد. در وضعیت جدید، بنی‌صدر بهبود موقعیت سیاسی - نظامی خود را وابسته به خاتمه جنگ و حصول صلح می‌دانست و در این زمینه نیز مورد حمایت کشورهای غربی قرار داشت. وی همچنین با بهره‌گیری از اهرم‌های مختلف، سعی می‌کرد که حمایت مردم را نیز به عنوان یک عامل تعیین‌کننده به همراه داشته باشد. علی‌رغم تلاش‌های وی در سازمان‌دهی ارتش و اجرای عملیات نظامی به منظور کسب پیروزی سیاسی - نظامی، این اقدامات با شکست و ناکامی همراه شد. به عبارت دیگر، خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره سیاسی، ضمن این که تنها

ص: ۵۷

راه حلی بود که وی در پیش رو داشت، می توانست در صورت تحقق، تا اندازه ای به ارتقاء موقعیت رو به تنزل سیاسی - نظامی او منجر شود. لیکن ناکامی وی، برنامه دیگری را پیش روی نیروهای شناخته شده مخالف بنی صدر قرار داد. در این روند، حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران، نشانه ی سر فصل جدیدی از تلاش های ضد انقلاب در داخل کشور محسوب می شد. به عبارت دیگر، این حادثه منجر به وقوع حوادث و رخدادهایی شد که سرانجام منتهی به درگیری مسلحانه در داخل کشور و در نهایت شکست و هزیمت ضد انقلاب و حذف آنها از صحنه سیاسی شد.

## وضعیت نظامی

تغییر و اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی - نظامی کشور، پس از پیروزی انقلاب و بازتاب طبیعی آن، موجب گردید تا در کنار بی ثباتی سیاسی، وضعیت نامساعدی برای نیروهای نظامی مستولی شود. ایجاد تردید و ابهام در مورد فلسفه وجودی ارتش و تلاش هایی که در خصوص تعلیق خریدهای نظامی صورت گرفت و به ویژه، عناصر ضد انقلاب با سر دادن شعار انحلال ارتش، موقعیت نیروهای نظامی را به شدت تضعیف کرد.

به موازات این نابسامانی ها در عین حال، ضرورت برخورد با حرکت های ضد انقلاب در داخل کشور و برخی از مناطق به ویژه گنبد، کردستان، خوزستان، بلوچستان و غیره، محسوس بود. بنابراین، تدریجا هسته اصلی نیروهای سپاه، با ویژگی انقلابی، شکل گرفت و در اردیبهشت ۱۳۵۸ در پی تصویب شورای انقلاب، رسمیت یافت. نیروهای انقلابی سپاه، با مأموریت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، در صحنه های مختلف کشور حضور یافته و به مبارزه با ضد انقلاب پرداختند.

در این روند، امام خمینی با دور اندیشی و درک ضرورت حفظ ارتش،

ضمن حمایت های همه جانبه از این نیرو، نمایندگان ویژه ای را به منظور بررسی وضع ارتش و اصلاح آن اعزام نمودند. در کنار این اقدام، نظر به برخورد احتمالی آمریکا با ایران و دورنمای ستیز با استکبار جهانی که از جوهره انقلاب اسلامی ناشی می شد، رهبر کبیر انقلاب، علاوه بر تقویت و حمایت همه جانبه از سپاه، در آذر فرمودند:

«هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. هر چه تظاهرات دارید بر ضد آمریکا بکنید. قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستان تعلیم دهید... مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد.» (۱).

بیانات امام به شکل گیری بسیج و تعلیم و آموزش نظامی مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. حضرت آیت الله خامنه ای نماینده وقت حضرت امام در سپاه، طی مصاحبه ای چنین اظهار نمودند:

«آموزش نظامی همگانی به برادران و خواهران، در مراکزی که سپاه پاسداران معین خواهد نمود و آن را از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی به مردم ابلاغ خواهد کرد، عملی خواهد شد.» (۲).

بدین ترتیب، ساختار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در آستانه تهاجم عراق، بدین شکل بود که از یک سو، ارتش به عنوان نیروی کلاسیک و منظم کشور، همچنان درگیر مسائل داخلی خود به ویژه تأثیرات روحی - روانی ناشی از کودتای نوژه در تیر ۱۳۵۹ (تنها چهل روز قبل از آغاز تهاجم رسمی عراق) قرار داشت و از سوی دیگر، نیروهای انقلابی سپاه و نیروهای مردمی بسیج بودند که با توجه به استعداد و امکانات موجود خود و عدم برخورداری از موقعیت های مناسب، تا تقبل پذیرش مسئولیت دفاع همه جانبه از کشور، فاصله زیادی داشتند.

ص: ۵۹

---

۱- ۴۶. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۰ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی)، سخنان ۶ / ۹ / ۱۳۵۸، ص ۲۳۹.

۲- ۴۷. روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۶ / ۱۳۷۲، ویژه نامه بیست هزارمین شماره انتشار.

در عین حال، ترکیب نیروی دفاع کشور از نیروهای کلاسیک و نیروهای انقلابی و مردمی، در برخی از بحران‌ها، به ویژه در کردستان، بازدهی نسبتاً خوبی را از خود نشان داد. لیکن، اوضاع ناشی از تلاش‌های مزورانه بنی صدر، مانع از همکاری همه جانبه این نیروها بود، ضمن این که در رده‌های مختلف ارتش، عناصر مومن و معتقد در بسیاری از مواقع، حمایت‌های مناسبی را در تسلیح و آموزش نیروهای انقلابی و مردمی به عمل می‌آوردند. در عین حال، تهاجم همه جانبه دشمن در ۳۱ شهریور و هرگونه ضعف و کاستی که در نیروهای مسلح کشور وجود داشت، در مقابل پیدایش وضعیت جدید، تا حدودی جبران شود. طی این روند، به دلیل فقدان کارآیی سیستم کلاسیک نظامی کشور و نیز فقدان فرماندهی متمرکز و توانا در به کارگیری نیروها، مقاومت اساسی در برابر متجاوزین، بیشتر در شهرها و با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت. در سایر مناطق، تلاش عمده‌ای که منتهی به توقف دشمن بشود، صورت نپذیرفت.

گذر از این دوران پر تلاطم و بحرانی، با اتکا به مقاومت نیروهای مردمی صورت گرفت و سرانجام دشمن ضمن این که دیگر توانایی لازم را برای پیشروی نداشت، به امید دست‌یابی به صلح، در مناطق اشغالی مستقر گردید. به مدت یک ماه و اندی پس از زمین‌گیر شدن دشمن، دو طرف درگیری تحریک‌قابل توجهی از خود نشان نداد و تنها آتش توپخانه و حملات هوایی محدود، آتش جنگ را شعله‌ور نگاه می‌داشت و در بعضی مواقع، عراق سعی می‌کرد که موقعیت خود را گسترش داده و مناطق متصرفه را تأمین نماید. در این روند، ارتش جمهوری اسلامی به تدریج اقدام به تحرکاتی کرد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۹، در محور دزفول، ارتش جمهوری اسلامی با اجرای یک عملیات کلاسیک، تلاش کرد تا دشمن را از کل منطقه غرب رودخانه کرخه عقب براند و با بهره برداری از موفقیت، ضمن تعاقب دشمن به سمت فکه و العماره پیشروی کرده، عراقی ها را تا مرز تعقیب کند، لیکن نتایج مطلوب از این عملیات حاصل نشد.

در فاصله بین ماه های مهر تا دی ۱۳۵۹، یعنی قریب به سه ماه، جمهوری اسلامی هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورد و رکود کاملی بر جبهه حاکم گردید. در این مدت، درگیری های سیاسی در داخل کشور نیز به طور نامطلوبی تشدید شده بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران با طراحی دومین عملیات کلاسیک خود، آن را در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹، از محور هویزه، تحت عنوان «عملیات نصر» به اجرا درآورد. این عملیات با شرکت نیروهای ارتش، نیروهای مردمی و سپاه، با هدف شکست دشمن در جنوب اهواز، آزادی خرمشهر و پدافند در ساحل شط العرب انجام شد. گرچه در مرحله اول عملیات، نیرو و تجهیزات قابل توجهی از دشمن منهدم و غنایمی نیز به دست آمد، لیکن با پاتک دشمن، نیروهای خودی عقب رانده شدند و از نظر تجهیزات و نیرو متحمل تلفاتی گردیدند.

سومین عملیات در تاریخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹ تنها ۵ روز پس از عملیات هویزه، از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «عملیات توکل»، روی جاده ماهشهر - آبادان، به منظور شکستن حصر آبادان طراحی و انجام شد. اما این عملیات نیز سرانجام مطلوبی نداشت و جاده، همچنان در دست عراقی ها باقی ماند.

عدم حصول نتیجه موفقیت آمیز در اقدامات نظامی که طی این مدت انجام گرفت، برای دشمن این باور را به همراه داشت که جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای طراحی و اجرای عملیات اساسی می باشد.

در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«ما تصور می کردیم که نیروهای ایرانی از اجرای یک عملیات دقیق و برنامه ریزی شده در سطحی گسترده، ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملاً اصرار داشتیم... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۱۹۸۱ / ۱ / ۵ (۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹) در هویزه به دست آوردیم.» (۱).

پیدایش این وضعیت و عدم موفقیت در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از سرزمین های اشغالی، زمزمه هایی مبنی بر صلح با دشمن را نیز به همراه داشت. با توجه به مجموع اوضاع و احوالی که وجود داشت، به نظر نمی رسید که تحول عمده ای در جنگ صورت پذیرفته و منتهی به شکسته شدن بن بست جنگ و تغییر موازنه به سود جمهوری اسلامی شود.

در چنین موقعیتی و حدود دو ماه پس از آخرین عملیات ناموفق ارتش در هویزه، نیروهای سپاه در محور سوسنگرد، عملیات محدودی را با نام مبارک حضرت مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا کردند. طی این عملیات، موفقیت قابل توجهی حاصل شد که بیش از نتایج مادی آن، عواقب و نتایج روحی و معنوی آن مورد نظر می باشد. در این عملیات، نیروهای تک ور قریب به ۲۰۰ نفر سپاهی و بسیجی بوده و برابر هماهنگی های پیشین، مقرر گردید که توپخانه ارتش به مدت ۱۰ دقیقه اجرای آتش تهیه نماید. عملیات در ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز شد غافلگیری دشمن و در نتیجه، پیشروی سریع نیروها، منجر به انهدام بخشی از نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن و کشته شدن قریب ۱۰۰ نفر و نیز اسارت ۶۸ نفر از آنان گردید. گرچه پس از عملیات نیروهای تک ور برابر طرح قبلی به مواضع خود بازگشتند، ولی آنچه که در این عملیات و در آن وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و جبهه ها اهمیت داشت، پیدایش باور و اعتقاد برای شکستن بن بست سیاسی و نظامی جنگ بود.

ص: ۶۲

خلاقیت و ابتکار نیروهای مردمی، به طرح تاکتیک جدیدی از پیکار و جنگ با دشمن منجر گردید. در واقع، نتایج این عملیات بیانگر آن بود که حل معضلات انقلاب تنها با ابزار انقلابی و خارج از روش های مرسوم امکان پذیر است.

بدین ترتیب، مرحله جدیدی آغاز گردید که طی آن عمدتاً نیروهای مردمی و سپاه با استفاده از روش و تاکتیک های مبتنی بر روحیه انقلابی و با امکانات محدود، مجموعه عملیات های جدیدی را سازمان دهی و تدارک دیدند. بر این اساس پس از عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹، تا عملیات شکسته شدن حصر آبادان در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ طی ۷ ماه، چندین عملیات محدود و موفق و اغلب در مناطق عملیاتی خوزستان، انجام گرفت.

### آزادسازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن

از زمان تجاوز و سرانجام زمین گیر شدن دشمن در مناطق اشغالی، تا آغاز تهاجم گسترده رزمندگان اسلام که به آزاد سازی مناطق اشغالی منتهی شد، یک سال و نیم طول کشید. طی این مدت، اساساً تداوم حضور نیروهای اشغالگر در مناطق اشغالی بر این فرض قرار داشت که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای انهدام و بیرون راندن آنها از مناطق متصرفه می باشند. ضمن این که طی این مدت، تحرک چشمگیری که منجر به آزادسازی این مناطق بشود، صورت نگرفت و همین امر در شکل گیری ذهنیت دشمن مؤثر بود. در این زمینه، سردار سرتیپ غلامعلی رشید، مسئول معاونت اطلاعات، و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، طی توضیحاتی اظهار داشت:

«دشمن، یک سال در خاک ما به سر می برد بدون این که ما حرکت آفندی



گسترده و موفق‌تری علیه او انجام دهیم. این مسئله، دشمن را به این نتیجه رساند که ما فاقد توان آفندی بوده و قادر نیستیم که زمین‌های اشغالی را از دشمن باز پس بگیریم.» (۱).

علاوه بر مسئله فوق، امیدواری دشمن به تحولاتی که در جبهه داخلی صورت می‌گرفت، (۲) منجر به این باور و تلقی شده بود که تأثیرات ناشی از بی‌ثباتی داخلی، به هیچ وجه امکان سازمان‌دهی مناسب نظامی را برای جمهوری اسلامی، فراهم نخواهد کرد. ضمن این که عراقی‌ها تمایل به همکاری با گروه‌های ضد انقلاب داخلی را رسماً اعلام داشتند. در آذر ۱۳۶۰، نیویورک تایمز نوشت:

«صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، پیشنهاد کرده است که در کوشش برای سرنگونی آیت‌الله خمینی، همکاری بدون قید و شرطی را با هر یک از گروه‌های ایرانی مخالف رژیم، آغاز کند.»

بنابراین، تحولاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد، از یک سو باورها و امیدهای دشمن را که اساساً با تکیه بر آنها بر تداوم حضور در مناطق اشغالی تأکید داشت، درهم ریخت و از سوی دیگر، وضعیتی را به وجود آورد که دشمن می‌بایست در مورد تداوم حضور در مناطق اشغالی و یا عقب‌نشینی از این مواضع، تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کرد.

نکته اساسی که در این مبحث باید بدان پرداخت، این است که جمهوری اسلامی چگونه و تحت چه شرایطی، وضعیت حاکم بر جبهه‌های نبرد را دگرگون ساخت و چگونه با بیرون‌راندن دشمن از مناطق اشغالی، توازن سیاسی - نظامی را به سود خود به چرخش درآورد. لازمه روشن شدن این موضوع، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده در روند

ص: ۶۴

---

۱- ۴۹. سند شماره ۳۱۴۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و سند شماره ۳۱۴۰۰ / پ. ن مصاحبه اختصاصی با سردار سرتیپ غلامعلی رشید.

۲- ۵۰. تلاش‌های جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر.

آزاد سازی مناطق اشغالی می باشد که به پاره ای از موارد آن اشاره می شود:

### تغییر وضعیت داخلی کشور

پیش از این، در تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و نظامی کشور، مفصلاً به این موضوع اشاره شده است. (۱).

### تحول روحی و معنوی در مردم

فضای ناشی از تشنج و منازعات سیاسی در جامعه امکان توجه و پرداختن به امور معنوی را ضعیف و کم رنگ کرده بود لذا با پیدایش اوضاع جدید و به موازات حذف منافقین و لیبرال ها از صحنه سیاسی کشور و متقابلاً اقداماتی که منافقین با ترور مسئولان نظام و مردم آغاز کردند، زمینه حضور مجدد مردم در صحنه ی سیاسی کشور فراهم شد.

آغاز روند تأمین ثبات سیاسی در کشور و معنویت برخاسته از اوضاع جدید، در عمل امکان افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ را فراهم ساخت و فرهنگ معنوی موجود در جبهه های جنگ و پیروزی های نظامی، بر گسترش دامنه ی تحولات روحی در مردم افزود. بر همین اساس و در پی تأثیرات حضور فراگیر مردم و کسب پیروزی های نظامی، امام خمینی به منشأ این تحول اشاره و از آن به عنوان «فتح الفتوح» یاد کردند:

«آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند، می باشد. این است «فتح الفتوح» (۲).

ص: ۶۵

---

۱- ۵۱. رجوع کنید به صفحه ۴۷.  
۲- ۵۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی) سخنان ۸ / ۹ / ۱۳۶۰.

«در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا کنیم که بچه های کوچک و جوان های نیمسال و زن ها، پیرزن ها، عروس ها و دامادها همه با هم در جبهه حاضرند و صحنه جنگ صحنه ای است که ملت در آن حاضر هستند.» (۱).

### گسترش سازمان رزم سپاه

تأثیرات ناشی از تحول روحی در مردم به افزایش حضور آنها در جبهه های جنگ انجامید و وضعیت جدیدی را در میدان های رزم به وجود آورد. پیش از این، در زمان فرماندهی بنی صدر بر قوای مسلح، سپاه پاسداران از تجهیزات و امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و مورد بی مهری بسیار قرار داشت، لیکن با تغییر اوضاع، سپاه پاسداران توانست خود را افزایش داده و ظرفیت به کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را ایجاد کرده و از این عامل اساسی در جهت پیشبرد اهداف نظامی استفاده کند، به نحوی که ظرف مدت کوتاهی، سپاه توانست چهار تیپ سازمانی تشکیل دهد که هر کدام دارای ۸ تا ۱۲ گردان عملیاتی بودند.

### همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

در پی حذف بنی صدر، مقدمات همکاری جدی نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) فراهم شد و عملیات ثامن الائمه که در نتیجه این همکاری و با تلاش شهیدان کلاهدوز و نامجو طراحی شد، پس از تصویب رئیس شورای عالی دفاع به اجرا درآمد. در پی نتایج حاصله از این عملیات، همکاری این دو سازمان (ارتش و سپاه) به همراه ترکیب جدیدی از تلفیق نیروها و اتخاذ استراتژی عملیاتی و تاکتیک های رزمی نوین، آغاز شد. همکاری های متقابل سپاه و ارتش در جوی سرشار از تفاهم، به رفع بسیاری از توهمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید.

ص: ۶۶

شهادت فرماندهان بلند پایه سپاه و ارتش، (۱) علی رغم سنگینی سایه فقدان آنان بر سپاه و ارتش، موجب پیوند عمیق معنوی در میان نیروهای مسلح گردید.

همچنین، با اتخاذ استراتژی هجوم و با استعانت از روحیه شهادت طلبی نیروهای انقلابی و توان سازمان دهی مردمی آنها، روند جدید از شتاب بیشتری برخوردار گردید. در این مرحله، خلاقیت و ابتکار عمل مبتنی بر واقعیات موجود، در کنار تخصص و تجهیزات ارتش جمهوری اسلامی، تأثیر ویژه ای در تغییر سریع وضعیت صحنه های جنگ داشته است.

### ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد

فضای بسیار مناسبی که در این برهه از انقلاب اسلامی و در پی تحول روحی - معنوی مردم حاصل شد، به گسترش ابتکار و خلاقیت در صحنه های جنگ منجر گردید. در واقع، تا پیش از این، همه نوع امکانات و تجهیزات لازم در صحنه جنگ وجود داشت، لیکن هیچ کدام عاملی جهت حصول موفقیت در بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی نگردید ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه ها حاکم شد که یکی از دستاوردهای بزرگ آن را باید تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی دانست.

سردار سرلشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران در این باره می گوید:

ص: ۶۷

---

۱-۵۴. به هنگام بازگشت فرماندهان ارشد نظامی ارتش و سپاه از منطقه عملیاتی ثامن الائمه، بر اثر سانحه هوایی که در تاریخ ۱۳۶۰ / ۷ / ۸ رخ داد، کلیه سرنشینان از جمله: سرلشکر فلاحی، سرتیپ فکور، سرتیپ نامجو و برادران کلاهدوز و جهان آرا به شهادت رسیدند.

«یکی از اشکال ظهور و حضور نیروهای مردمی و سپاه که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، مسئله ابتکار و تاکتیک های جدید است. حضور نیروی مردمی در جنگ، پاسخی بود که در صحنه و عمل، به ناتوانی روش های کلاسیکی که تا کنون به نتیجه نرسیده بودند، داده شد. اولین اقدام آنها، با ابتکاراتشان صورت گرفت.» (۱).

همان طور که در مباحث پیشین اشاره شد، عملیات امام مهدی (عج) که در اسفند ۱۳۵۹ طراحی و اجرا شد، به عنوان سرآغاز مرحله جدیدی از تاکتیک های ابتکاری نیروهای مردمی به شمار می رود. بعدها این ابتکارات در مقیاس وسیعتری مورد بهره برداری قرار گرفت، چنان که به هنگام طراحی عملیات «بیت المقدس»، با عنایت به تفکر کلاسیک نظامی، مسئله عبور از رودخانه کارون، با شک و تردید نگریسته می شد.

در همین زمینه سردار سرلشکر محسن رضایی می گوید:

«اتفاقاً همین مسئله (ابتکار و خلاقیت) در خرمشهر خیلی بارز شد. برای این که همه به حمله از روی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر معتقد بودند. می گفتیم چرا، گفته می شد که عرف کلاسیک این گونه دیکته می کند. اصلاً قانون جنگ این است، شما مگر می توانید این همه تجهیزات زرهی و سایر امکانات را از روی رودخانه عبور بدهید! این امکان پذیر نیست. پل ها را هواپیما مورد هدف قرار می دهد و... اما فرماندهی، این مسئله را قبول نکرده و همچنان معتقد به عبور از رودخانه بود. چرا فرماندهی این گونه فکر می کرد؟ روشن است، چرا که «فرماندهی متأثر از یک روحیه و تحرک مردمی» بود و به این خاطر یک ایده مردمی را ارائه می کرد و گرنه از نظر کلاسیک، حصول این نتیجه امکان پذیر نبود. این جا، در حقیقت عبور از رودخانه یک ابداع و خلاقیت مردمی بود و پیروزی ما در عملیات نیز درست به همین مسئله مربوط بود.» (۲).

ص: ۶۸

---

۱- ۵۵. سند شماره ۳۱۴۰۲ / پ. ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح با فرمانده محترم کل سپاه، فروردین ۱۳۷۱.

۲- ۵۶. پیشین.

دشمن از روند شکل گیری تحولات جدید - که اساسا بر حضور مردم در صحنه متکی بود و به حذف جبهه ضد انقلاب از صحنه سیاسی کشور انجامید - درک صحیحی نداشته و همین مسئله موجب شد تا عراق، علی رغم اطلاع از عملیات ثامن الائمه، به لحاظ باور و ذهنیت غلط گذشته در مورد توانایی بالقوه رزمندگان اسلام از نظر تاکتیک، غافلگیر شده و به ناچار به اسارت نیروها و انهدام تجهیزاتش تن دهد. این عملیات را می توان اولین و بزرگترین ضربه روانی به دشمن، پس از آغاز مرحله جدید جنگ، به شمار آورد.

در این مبحث، به طور اجمال به سلسله عملیاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی کشور شد، اشاره می شود:

### عملیات ثامن الائمه

تحرك اصلی رزمندگان در این مقطع، عمدتاً معطوف به دو عملیات گردید که هر دو، در محور آبادان طراحی و اجرا شد.

«عملیات ولایت فقیه» از مدت ها پیش طراحی و بلافاصله پس از حذف بنی صدر، با رمز «فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا»، در ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه آبادان و از محور دارخوین به اجرا درآمد.

طراحی و پیشنهاد شکستن حصر آبادان، با تأکید حضرت امام که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود»، از مدت ها پیش مورد نظر طراحان جنگ و فرماندهان سپاه بود، لیکن کارشکنی بنی صدر مانع از تحقق آن می گردید. پس از حذف بنی صدر، زمینه عملی شدن این طرح با نام «عملیات ثامن الائمه» به وجود آمد و در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ اجرا شد. بدین ترتیب اولین همکاری سپاه و ارتش در این عملیات و در مقیاس وسیع، به منصفه ظهور رسیده و تحقق یافت.

انهدام و پاکسازی شرق رودخانه کارون از نیروهای دشمن و شکستن محاصره آبادان، بخشی از نتایج و دستاوردهای عملیات ثامن الائمه به شمار می رود. تداوم محاصره آبادان، برای دشمن از ارزش سیاسی بالایی برخوردار بود و از مقاصد عمده رژیم عراق برای به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی محسوب می شد. با این عملیات، دشمن علاوه بر این که یک امتیاز با ارزش سیاسی را از دست داد، از نظر روحی و روانی و

همچنین نیروی انسانی و تجهیزات متحمل خسارات بسیاری شد.

حضور ناقص دشمن در شرق رودخانه کارون، همان طور که اشاره شد، عمدتاً ناشی از باورهای ذهنی غلط دشمن در مورد توانایی رزمندگان از یک سو، و رجحان اهداف سیاسی بر اهداف نظامی، از سوی دیگر بود. اطلاعاتی که پس از عملیات «فرماندهی کل قوا» از اسرای دشمن به دست آمد، حاکی از آن بود که تعدادی از فرماندهان عراقی نیز استقرار در شرق رودخانه کارون را از لحاظ نظامی، غیر اصولی ارزیابی کرده بودند. لیکن فرماندهی کل ارتش عراق، با توجه به اهداف سیاسی رژیم عراق، بر تداوم حضور نیروهایش در شرق رودخانه کارون تأکید داشت.

نتایج حاصله از دو عملیات «فرماندهی کل قوا» و «ثامن الائمہ (ع)»، باورهای غلط دشمن درباره توان رزمندگان اسلام را در هم ریخت و امنیت دشمن را که مدت ها بدون دغدغه اساسی در قسمت بزرگی از مناطق اشغالی مستقر شده بود، سلب کرد، ضمن این که موجب نمایان شدن هر چه بیشتر آسیب پذیری دشمن نیز گردید. علاوه بر این، اعتماد رزمندگان اسلام به اتخاذ تاکتیک های ابتکاری در جنگ و همچنین شکل گیری همکاری ارتش و سپاه و باور و اعتقاد نیروهای نظامی کلاسیک به نیروهای انقلابی، بخشی از نتایج آن بود که تحقق یافت.

بر این اساس، برادران سپاه و ارتش به منظور اتخاذ استراتژی عملیاتی جلساتی به صورت جداگانه تشکیل دادند و حاصل آن جلسات در نشست های مشترک مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در جمع بندی این جلسات، ۱۲ طرح عملیاتی، به عنوان طرح های کربلای ۱ تا کربلای ۱۲ تدوین و به شورای عالی دفاع ارائه شد و ضمن آن بر موارد ذیل تأکید گردید:

- بهره گیری از همه امکانات و ابتکارات در جنگ (اصل تمرکز قوا)



- انهدام نیروهای دشمن و بیرون راندن آنها از میهن اسلامی

- صرفه جویی در قوا و آزادسازی نیروهای خودی

- آماده شدن برای حمله های تعیین کننده و نهایی

طرح های عملیاتی مورد نظر، به گونه ای طراحی شده بود که بر اساس اصل صرفه جویی، در قوا، بلافاصله پس از هر عملیات، خط پدافندی خودی احتیاج به نیروی کمتری برای تأمین داشته باشد.

### عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس، دو ماه پس از عملیات ثامن الائمه طراحی شد و در تاریخ ۸ / ۹ / ۱۳۶۰ به اجرا درآمد. ویژگی های مهم این عملیات عبارت بودند از:

۱ - افزایش وسعت منطقه عملیات: اعتماد به نفس رزمندگان و درک صحیح از نقاط ضعف و ناتوانی دشمن، همراه با افزایش ظرفیت به کارگیری تمامی امکانات موجود، که به انتخاب منطقه عملیاتی طریق القدس با وسعتی بیش از دو برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه انجامید.

۲ - گسترش اهداف عملیاتی: رسیدن به مرزهای بین المللی، قطع کردن ارتباط بخش شمالی دشمن با بخش جنوبی آن (در منطقه اشغالی جنوب)، آزادسازی شهر مرزی بستان، انهدام دشمن و پاکسازی مناطق، آزادسازی نیروهای خودی و... بخشی از اهداف و نتایج عملیات را تشکیل می داد. افزایش سطح اهداف عملیاتی، نشان دهنده ظرافت، دقت برنامه ریزی در تدبیر و طراحی عملیات و همچنین حاکی از افزایش توان عملیاتی رزمندگان اسلام بود.

۳ - افزایش ظرفیت سازمان دهی نیروهای مردمی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به طور مشخص در عملیات طریق القدس و به دنبال

ص: ۷۲

افزایش جذب نیروهای مردمی، سازمان رزم خود را گسترش داد. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران، گسترش سازمان رزم سپاه را نتیجه تغییر وضعیت و فضای کار دانسته، می گوید:

«به خوبی توانستیم با تجدید نظر و سازمان دهی نیروهایمان، بخش وسیعی از نیروهای مردمی که عامل مؤثری در این عملیات بودند را وارد صحنه کرده و تجارب با ارزشی به دست آوریم.» (۱).

به عبارت دیگر، عملیات طریق القدس، تجلی گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر آلوده و خائن، به منصفه ظهور رسید.

۲- اتخاذ تاکتیک ویژه: طراحی عبور از رمل، به عنوان محور شمالی عملیات، یکی از ویژگی های عملیات و ناشی از خلاقیت و ابتکار متأثر از گسترش حضور نیروهای مردمی در جنگ بود که موجب دور خوردن دشمن و تضمین کننده پیروزی عملیات گردید. این طرح به قدری دور از انتظار دشمن بود که حتی اسرای دشمن همواره تأکید داشتند که رزمندگان اسلام به صورت «هلی برد»، در این محور وارد عمل شدند - چرا که رمل به طور طبیعی مانعی اساسی و غیر قابل عبور است - و این در حالی بود که رزمندگان جهت رسیدن به اهداف مورد نظر، هیچ استفاده ای از هلی کوپتر نکرده بودند.

«افرایم کارش» یکی از کارشناسان برجسته نظامی، در ارزیابی عملیات طریق القدس ضمن تأکید بر شکل گیری تاکتیک جدید رزمندگان اسلام، می نویسد:

«عملیات طریق القدس، نتایج مهم عملیاتی در برداشت. با این تلاش وسیع ایرانی ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و مهارت های فرماندهی و کنترلشان تا حدود زیادی افزایش یافت در واقع،

ص: ۷۳

این عملیات بیانگر لیاقت ایرانی‌ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف در سطح وسیع بود. ثانیاً، پاتک بستان، ایران را قادر ساخت که برای اولین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک‌های موج انسانی (۱) را که بعدها تاکتیک حاکم بر جبهه‌های جنگ شد، به مرحله آزمایش بگذارد. (۲).

### آثار عملیات طریق القدس

دشمن اگر چه شکست نیروهایش در عملیات ثامن الائمه را ناشی از «نحوه استقرار ناقص نیروها» و محدود بودن عقبه آنها به دو پل روی رودخانه کارون، عنوان کرد، لیکن در عملیات طریق القدس، نظر به این که از لحاظ نظامی توجیهی برای شکست خود نداشت، مجبور به پذیرش واقعیات جدید گردید.

بنابراین، از یک سو شکل‌گیری تاکتیک جدید عملیاتی و از سوی دیگر تغییر ذهنیت غلط دشمن و باور کردن توانایی رزمی رزمندگان از عواملی بود که تأثیرات خود را در صحنه‌های نبردهای آتی، باقی گذاشت. دشمن، از این پس با شک و تردید به ادامه حضور خود در مناطق اشغالی می‌نگریست، زیرا استقرار ناقص نیروهای عراقی آنان را در برابر توانایی جدید رزمندگان و حمله‌های احتمالی آنان، در معرض انهدام و آسیب‌پذیری جدی قرار داده بود. به اعتماد صاحب نظران جنگ، حمله دشمن به پل سابله پس از گذشت چند روز از عملیات طریق القدس

ص: ۷۴

---

۱- ۵۸. نظر به این که غربی‌ها، از درک حضور نیروی مردمی در سطح وسیع و روحیه شهادت‌طلبی آنها عاجز بوده‌اند، بر این حضور گسترده مردم در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، عنوان «تاکتیک‌های امواج انسانی» نهادند.

۲- ۵۹. نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷ (۱۳۶۶).

و سپس عقب نشینی آنها از شمال رودخانه نیسان، اولین تحول در باور و نگرش دشمن بود، چرا که از این پس نیروهای عراقی برای ادامه حضور در مناطق اشغالی، نیاز به تصمیم گیری تازه ای داشتند.

از این پس «تهاجم» و «ابتکار عمل» در صحنه نبرد، در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. «تداوم عملیات» و «سرعت عمل» در اجرا، مهمترین عامل در مختل کردن سیستم تصمیم گیری دشمن بود. از نظر دشمن، صحنه داخل کشور که یکی از مبانی و فرضیات اساسی عراق در ارزیابی ضعف های جمهوری اسلامی محسوب می شد، دگرگون شده و جبهه های جنگ نیز شاهد حماسه آفرینی رزمندگان و بیرون راندن متجاوزین بود. دشمن از این پس نیاز به «زمان» و «حفظ وضع موجود»، برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد ادامه استقرار در مناطق اشغالی یا فرار و عقب نشینی داشت، لذا اقدامات مشروحه زیر را انجام داد:

۱ - حمایت از نیروهای ضد انقلاب داخلی: جبهه متحد ضد انقلاب که در حال تلاشی و هزیمت بود، در تحلیل های خود، ادامه پیروزی های رزمندگان اسلام را به منزله تثبیت جمهوری اسلامی محسوب می کرد. از سوی دیگر، دشمن نیز واگذاری مناطق اشغالی را قبل از کسب امتیاز سیاسی، نوعی شکست فاحش سیاسی - نظامی برای خود می دانست، در نتیجه بقا و حیات «ضد انقلاب داخلی» و «نیروهای متجاوز» از سوی رزمندگان اسلام، در معرض تهدید قرار گرفته بود. بر این اساس، پیوند میان ضد انقلاب و رژیم عراق، از وجه اشتراک بنیادی ترین برخوردار شده بود. لذا تجدید نظر در مورد بهره برداری از اهرم ضد انقلاب داخلی به نحوی جدی تر، از همین زمان آغاز شد و بعدها با ورود سرکرده و فراری منافقین به بغداد، شکل جدیدی به خود گرفت.

۲ - تلاش برای ایجاد تأخیر و تعویق در عملیات آتی رزمندگان اسلام: با تجاربی که

دشمن از دو عملیات «ثامن الائمه» و «طریق القدس» اندوخته بود، زمان اجرای عملیات آتی رزمندگان اسلام را در نزدیک «۲۲ بهمن» پیش بینی کرده و با توجه به تجمع رزمندگان اسلام در منطقه شوش، در مورد اجرای عملیات در این محور حساس شده بود. یکی از فرماندهان دشمن، در مورد نگرانی آنها از تجمع رزمندگان اسلام در محور شوش - دزفول، گفت:

«تجمع نیروهای ایرانی در محور شوش، ذهن فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را به طور عمده ای به خود مشغول کرده بود، چرا که شکست فاحش عراق در شرق کارون و بستان، هنوز در مقابل چشم هایشان جلوه گر بود و از این خوف داشتند که چنین شکست هایی مجدداً تکرار شود.» (۱).

دشمن، براساس درک جدید از تحرکات رزمندگان اسلام، تهاجم به تنگه چزابه را با اهداف ذیل انجام داد:

- انهدام نیروهای اسلام

- برهم زدن سازمان دهی نیروها

- تأخیر در اجرای عملیات آتی رزمندگان

- تقویت روحیه نیروهای خود که در اثر عملیات رزمندگان اسلام، تضعیف شده بود. برادر غلامعلی رشید، فرمانده عملیات طریق القدس که پس از عملیات همچنان در منطقه حضور داشت، در مورد تحرکات دشمن، اظهار داشت:

«ما نسبت به تهاجم دشمن در تنگه چزابه، قدری ابهام داشتیم، به این معنی که وقتی دشمن توان پیشروی به سمت بستان را دارد، چرا توقف می کند.»

بحث و بررسی های متعددی در زمینه اهداف احتمالی دشمن انجام گرفت. فرمانده کل سپاه طی تحلیلی در همین زمینه، هدف دشمن را

ص: ۷۶

ایجاد تأخیر در عملیات بعدی (فتح المبین) دانسته و بر فعالیت بی وقفه در این منطقه، تأکید کرد. بدین ترتیب، پس از آشکار شدن اهداف دشمن در حمله به تنگه چزابه، بار دیگر در جبهه خودی، ضرورت اجرای عملیات فتح المبین مطرح شد.

۳- ارائه پیشنهاد صلح: نظر به این که طرح های صلحی که پس از تهاجم به زمین گیر شدن دشمن به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد، هیچ کدام متضمن حقوق واقعی جمهوری اسلامی نبود و اغلب ضمن شباهت های عمده با هم، آتش بس را بر عقب نشینی دشمن از مناطق اشغالی مقدر داشته و تعیین متجاوز را نادیده می گرفتند، از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر هیئت های صلح، طرح جدیدی برای ارائه ندارند، ضرورتی برای مذاکره و ورود آنها به ایران وجود ندارد. به موضع گیری و نیز اظهارات رئیس جمهور شهید رجایی مبنی بر این که «من سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می کنم»، عملاً تلاش های صلحی که با هدف به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی انجام می شد عقیم و متوقف گردید.

با پیدایش موقعیت جدید، بر نگرانی دشمن نیز افزوده شد، لذا در پیشنهاد های جدید خود که به صورت مخفیانه ارائه می کرد، در خصوص عقب نشینی با شرط حذف تعیین متجاوز، موافقت کرد. در این مورد نشریه واشنگتن پست به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا در تاریخ ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰ نوشت:

«عراق، مخفیانه پیشنهاد کرده است که نیروهای خود را از ایران خارج ساخته و غرامت مالی نیز بپردازد، به شرط آن که ایران حاضر به اعطا امتیازاتی، از جمله لغو درخواست خود جهت تشکیل هیئتی به منظور تعیین مسئول شروع جنگ باشد.»

تعجیل و شتال در طراحی و اجرای عملیات فتح المبین، اساسا مبتنی بر این تحلیل انجام گرفت که فرصت لازم برای «تصمیم گیری» و «تجدید سازمان» و همچنین «تقویت پدافندی» از دشمن گرفته شود، لذا نیروها پس از بازسازی فراخوانی شده، بر اساس مأموریت های جدید توجیه و سازمان دهی شدند.

افزایش حضور نیروهای مردمی، گسترش همکاری ارتش و سپاه، تجارت مناسب نظامی بر پایه ی تاکتیک های جدید و... موجب گردید تا عملیات فتح المبین در تاریخ ۲ / ۱ / ۱۳۶۱ آغاز شود. دشمن که پیش از این برای ایجاد تأخیر در اجرای عملیات تلاش های گوناگونی را انجام داده بود، در برابر وسعت تهاجم رزمندگان تسلیم شده، تن به شکست داد و با فرار از صحنه نبرد، بخشی از نیروهای خود را از مهلکه نجات داد.

تعداد اسرای دشمن و غنائمی که به دست آمد، نشان دهنده ی میزان موفقیت عملیات، استیصال و انهدام دشمن و برتری نظامی جمهوری اسلامی بود. در این میان «ویلیام اف. هیکمن»، از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگر، می گوید:

«پیروزی های ایران، نشان دهنده ی تجدید قوای نیروهای مسلح، نیروی انسانی بیشتر و هماهنگی بهتری بین ارتش و سپاه پاسداران انقلاب بود.»

«افزایش کارش» یکی دیگر از کارشناسان نظامی، با نگاهی عمیق به عملیات فتح المبین، اقدامات بعدی دشمن یعنی عقب نشینی و فرار به پشت مرزهایش را متأثر از همین عملیات دانسته و می نویسد:

«عملیات فتح المبین، خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تا کنون

نصیب عراق نمود. این تهاجم، به عقب نشینی عراق در سرتاسر خط جبهه، در طول مرز ایران و عراق و نابودی سه لشکر عراق منجر شد.» (۱).

### نتایج داخلی سه عملیات بزرگ

به موازات کسب پیروزی نظامی در جبهه های نبرد که از نیمه دوم سال ۱۳۶۰ آغاز شد و با عملیات فتح المبین به اوج رسید، موقعیت سیاسی - نظامی کشور در سال ۱۳۶۱، در وضعیت نوینی قرار گرفت. تدریجا موج گسترده ترور از سوی منافقین فروکش کرده و متقابلا تلاش هائی به منظور انهدام بقایای ضد انقلاب در داخل کشور طرح ریزی و اجرا شد که نقش مهمی در شکست قطعی منافقین در این مرحله داشت.

تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای برقراری امنیت شهری در تهران، سبب شکسته شدن جو رعبی گردید که منافقین با انجام ترورهای متعدد، قصد ایجاد آن را داشتند. اقدام یاد شده، عملکرد ضد انقلاب را در داخل با بن بست جدی مواجه ساخت، ضمن این که با اجرای طرح جمع آوری اطلاعات مردمی، خانه های تیمی منافقین نیز در معرض شناسایی قرار گرفت. علاوه بر این، اجرای عملیات روی خانه های تیمی که طی چند نوبت در اسفند سال ۱۳۶۰ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۱ انجام گرفت، به کشته شدن برخی از کادرهای اصلی منافقین، از جمله موسی خیابانی (نفر دوم سازمان) به همراه اشرف ربیعی (همسر رجوی و از اعضای مؤثر سازمان) منتهی شد. بدین ترتیب، سازمان که در توجیه نیروهایش، جمهوری اسلامی را ناتوان و فاقد سیستم اطلاعاتی و توانایی عملیاتی ارزیابی می کرد، در مواجهه با روند وسیع عملیات روی خانه های تیمی در تهران و سایر شهرستان ها غافلگیر شده و بلافاصله اقدام به خروج کادرهای خود از کشور کرد.

ص: ۷۹



هزیمت و شکست جبهه متحد ضد انقلاب در داخل کشور، امیدهای آمریکا در مورد جا به جایی قدرت در داخل کشور و اجرای عملیات براندازی را با ناکامی و شکست همراه ساخت. در این حال پیروزی های رو به گسترش نظامی - سیاسی نیز منجر به افزایش نگرانی آمریکا و غرب از دورنمای روند تحولات گردید. بنابراین، آمریکایی ها با استفاده از زمینه های متعدد در داخل کشور، مجدداً جبهه جدیدی را که از صبغه ملی - مذهبی برخوردار بود، گشودند. رهبری و هدایت جبهه جدید به شریعتمداری واگذار گردید. رادیوهای بیگانه به منظور موجه جلوه دادن جلوه دادن جبهه جدید ضد انقلاب، تعداد طرفداران شریعتمداری را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر ذکر کردند.

پس از کشف و خنثی شدن کودتا، مشخص گردید که جریان مزبور فاقد هر گونه پایگاه مردمی بوده است و بدین ترتیب، مجدداً خط آمریکا در داخل کشور با شکست و بن بست مواجه شد.

با شکست توطئه های مختلف، ضد انقلاب خارج نشین یک جمع بندی تحت عنوان «اپوزیسیون از نفس افتاده»، ارائه کرد که به نحوی مبین اضمحلال و هزیمت آنها در چنین اوضاعی است:

«در موقعیت کنونی، هیچ نشانه ای از نرمش یا انعطاف در برابر مخالفان، از سوی حکومت به چشم نمی خورد. رژیم تا حد زیادی در سرکوب مخالفان فعال خود موفق می شود و مقاومت های مسلحانه پراکنده و بی هدف را مهار می کند. در عمل می بینیم که شبکه تروریستی مجاهدین خلق و دیگر گروه های مارکسیست - تروریست، تقریباً منهدم شده است و هر روز ضرباتی مرگبارتر و نابودکننده تر بر آنان وارد می شود. در چنین شرایطی، مخالفان و مبارزان با رژیم جمهوری اسلامی، ناگزیر باید در روش های مبارزه و راه های مناسب برای برانداختن چنین رژیمی تجدید نظر کنند.

فراموش نکنیم که بسیاری از اقدامات اپوزیسیون در این سه سال اخیر، نه تنها خللی در ارکان حکومت پدید نیاورده، که به آن فرصت داده تا سنگرهای خود را مستحکم نماید. در یک نتیجه گیری واقع بینانه در می یابیم که وسایل و امکانات اپوزیسیون خارج از کشور و تاکتیک هایی که آنان برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی برگزیده اند...، اکنون کاملاً بی اثر شده است. به هر حال، نخستین گام دریافتن و پیمودن این راه ها، پذیرش ناتوانی و ناکارایی ترکیب کنونی اپوزیسیون است. این حقیقی است که در هر حال، هر روز آشکارتر و ملموس تر جلوه می کند، چه بهتر که چشم بر آن نبندیم.» (۱).

## پس از فتح المبین

### اشاره

عملیات فتح المبین که از آغاز تا پایان، یک هفته طول کشید، (۲) همراه با دستاوردها و نتایج فراوان و چشمگیر، موقعیت برتر سیاسی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشت. مروری بر رخدادها و وقایع سیاسی داخلی و منطقه ای، وضعیت و موقعیت دشمن پس از عملیات فتح المبین و انعکاس پیروزی رزمندگان اسلام تا آغاز عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱ در رسانه های خارجی تصویر مناسبتری از اوضاع عمومی در آستانه عملیات بزرگ رزمندگان اسلام را ترسیم خواهد کرد.

### استیصال دشمن

نیروهای دشمن پس از یک سال و اندی استقرار در مواضع دفاعی، در برابر تحقق «استراتژی بزرگ نظامی جمهوری اسلامی» که در مناطق مختلف

ص: ۸۱

---

۱- ۶۲. نشریه «ایران آزاد» شماره ۱۰۵، ۱۳۶۱ (منتشره در خارج از کشور).

۲- ۶۳. عملیات فتح المبین، ۱ / ۲ / ۱۳۶۱ آغاز شد و ۹ / ۱ / ۱۳۶۱، با پاکسازی منطقه به اتمام رسید.

به مرحله اجرا گذارده می شد، «سازمان و کنترل فرماندهی» خود را از دست دادند، در نتیجه، علی رغم داشتن نیرو، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی، به علت استیصال روحی قادر به بهره گیری از استعداد موجود خود نبودند. در این میان، ضعف روحی و درماندگی نیروهای دشمن به گونه ای افزایش یافته بود که آنها حتی در مواقع پاتک، بلافاصله پس از مواجهه با عکس العمل رزمندگان اسلام، به فرار و عقب نشینی و یا تسلیم مبادرت می کردند.

از مشکلات دیگر دشمن در این مرحله از جنگ، نداشتن نیروی احتیاط بود. دشمن به خاطر انتخاب اهداف وسیع و نیز تعیین مأموریت برای کلیه یگان های خود، پس از ناکامی و شکست، می بایست تمامی توان و استعداد خود را در مواضع پدافندی به صورت ناکافی گسترش دهد. این امر، موجب گردید که دشمن، فاقد نیروی احتیاط کارآمد بوده و در مواقع ضروری عکس العمل مناسبی را در برابر حملات رزمندگان اسلام از خود بروز ندهد.

سردار غلامعلی رشید، در این باره می گوید:

«وضعیت دشمن به گونه ای بود که تقریباً مکانی را که تصرف داشت، به دلیل حیاتی بودن آن، بخشی از نیروهایش را در آن منطقه مستقر کرده بود. در نتیجه، وقتی ما، فرضاً در منطقه عملیاتی ثامن الائمه با دشمن می جنگیدیم، یقین داشتیم که لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه در آن منطقه با ما نخواهد جنگید.»

سازمان رزم دشمن، متعاقب سلسله عملیات رزمندگان اسلام، از هم گسیخت، تا آنجا که در عملیات ثامن الائمه، لشکر ۳ زرهی و یگان های تحت امر آن، که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان، در منطقه استقرار داشتند، در معرض تهاجم و انهدام قرار گرفتند. در عملیات

طریق القدس، باقی مانده لشکر ۹ زرهی از بین رفت و همچنین تیپ ۲۶ زرهی و چندین یگان دیگر منهدم شدند. در عملیات فتح المبین، علاوه بر لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه، نیروهای موجود در منطقه، به همراه سایر نیروهایی که دشمن از سایر مناطق جمع کرده و به منطقه اعزام نموده بود، منهدم شدند. در مجموع، تا قبل از عملیات بیت المقدس، انهدام وسیعی از نیروها و تجهیزات دشمن صورت گرفت و تعداد بسیاری از نیروهایش اسیر شدند و امکانات زیادی به غنیمت گرفته شد.

بنابراین، دشمن در آستانه عملیات بیت المقدس در معرض از هم گسیختگی کامل قرار داشت. این مسئله، علاوه بر این که موجبات نگرانی حاکمان بغداد را فراهم کرده بود، از دید حامیان منطقه ای و جهانی عراق نیز پنهان نبود و سبب تشویق خاطر آنها شده بود.

ضعف و استیصال دشمن و روند رو به تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی، در رسانه های خارجی نیز منعکس شد. به عنوان مثال، رابرت فیکس خبرنگار روزنامه تایمز در بیروت نوشت:

«تنها نتیجه گیری ممکن از وقایع اخیر، که عراق نیز شدیداً از آن بیم دارد، این است که با توجه به عدم توازن در نیروهای دو طرف، شاید ایران در آینده نزدیک در جنگ پیروز شود... اکنون صدام بر حاکمیت شط العرب اصرار نمی ورزد و احتمالاً حاضر است که در صورت آغاز مذاکره با ایران، نیروهایش را در چند مرحله از خاک ایران بیرون بکشد.»

تقاضای برقراری صلح (!) که رژیم بعث از مدت ها قبل برای نجات خود ابراز کرده بود، با شروع عملیات فتح المبین و بروز آثار پیروزی رزمندگان، مجدداً مطرح شد (۱). متعاقب آن، برای نجات صدام و توقف

ص: ۸۳

---

۱- ۶۴. خبرگزاری رویتر به نقل از خبرگزاری عراق، خبر زیر را در تاریخ ۷ / ۱ / ۱۳۶۱ مخابره کرد: «صدام حسین، امروز خواستار آتش بس و حل و فصل مناقشه با ایران، از راه های صلح آمیز که حقوق عادلانه تاریخی و قانونی را تضمین نماید، شد.

جنگ، تلاش های وسیعی از سوی کمیته منتخب کنفرانس کشورهای غیر متعهد، کمیته حسن نیت کنفرانس اسلامی، کمیته کنفرانس اسلامی جهان اسلام و نیز تنی چند از شخصیت های سیاسی - مذهبی جهان اسلام صورت گرفت.

### **بازتاب پیروزی های ایران در رسانه های خارجی**

فقدان برخورداری ایران از امکانات و تجهیزات نظامی پیشرفته و همچنین ناتوانی نیروهای نظامی ایران، از مسائل عمده ای بود که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران امور نظامی، همواره در بررسی جنگ ایران و عراق و مقایسه وضعیت دو کشور مورد اشاره و تأکید قرار می دادند. براساس این تحلیل ها، طبعاً نه تنها برای حاکمان عراق امکان درکی درست از تحولاتی که منتهی به پیدایش وضعیت جدید در مرحله آزادسازی شده بود، وجود نداشت، بلکه غفلت رسانه های خارجی و کارشناسان نظامی آنها را نیز موجب گردید، اما با وجود این، سلسله عملیات رزمندگان اسلام توانست به طور قطع، باور و ذهنیت عراقی ها و کارشناسان رسانه های خارجی را مورد سؤال قرار دهد. زیرا صحنه عمل و نتایج حاصل از تحرکات نظامی رزمندگان اسلام، گویاتر از همه چیز خودنمایی می کرد. رادیو بی بی سی، به دنبال آزادسازی کامل منطقه عملیاتی فتح المبین چنین گفت:

«نظر متخصصان امور اطلاعاتی غرب روشن است که ایران در درگیری های اخیر با عراق (فتح المبین)، دست برنده را دارد. متخصصان نظامی در غرب

این عملیات را پیروزی بزرگ ایران می دانند. نیروهای مسلح ایران، نفرات بیشتری در اختیار داشته و از روحیه بسیار خوبی برخوردارند.»

رادیو بی بی سی، طی دو روز متوالی با تأکید بر پیروزی رزمندگان اسلام، نتایج و ابعاد رو به گسترش آن را در منطقه مورد اشاره و تأیید قرار می دهد.

«چشم انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام، می تواند ملاحظات صرفاً نظامی را بر تمامی منطقه ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است.» (۱).

نگرانی در مورد تأثیرات ناشی از پیروزی های رو به گسترش ایران در منطقه، به ویژه در صورت سقوط رژیم صدام و تأثیرات فزاینده آن بر تهدید منافع آمریکا و غرب، مهمترین مسئله ای است که در رسانه ها به آن اشاره می شد و محور تلاش های دیپلماتیک کشورهای منطقه، آمریکا و غرب محسوب می شدند؛ لذا، علاوه بر حمایت سیاسی - تبلیغاتی از رژیم صدام، تدابیری برای کمک به این کشور اتخاذ شد که از جمله آنها، اعزام نیرو از مصر و اردن برای یاری رساندن به صدام بود.

به موازات این اقدامات، تلاش برای بازگرداندن مصر به جهان عرب و ایجاد تشکل عربی در حمایت از صدام به همراه آمادگی برای رویارویی با تحولات غیر منتظره در عراق و منطقه، در دستور کار حامیان عراق قرار گرفت. ابوغزاله وزیر دفاع مصر، از آمریکا درخواست کرد تا برای خنثی کردن نتایج احتمالی پیروزی های اخیر ایران در جبهه جنگ با عراق، اقدامات لازم را به عمل آورد. (۲) حیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز اظهار داشت:

«اوضاع خاورمیانه به مرحله بسیار جدی و خطرناکی رسیده است.»

ص: ۸۵

---

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۶. هفته نامه اکتبر، چاپ قاهره.

به موازات روند تغییر و تحولات جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج فارس، مناسبات اعراب و اسرائیل اشغالگر نیز با اتخاذ سیاست های تهاجمی رژیم صهیونیستی، وارد مرحله جدیدی شد؛ بدین شکل که برابر تعهدات پیشین رژیم نامشروع اسرائیل می بایست در ادامه قرار داد کمپ دیوید و در پاداش به سفر سادات خائن به فلسطین اشغالی، زمین های مصر در صحرای سینا که به اشغال رژیم اسرائیل در آمده بود، تدریجا به مصر واگذار شود. برابر این قرارداد، در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۲ (۵ / ۲ / ۱۳۶۱)، زمان اجرای مرحله سوم خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از صحرای سینا فرا می رسید.

نظر به این که قرارداد کمپ دیوید، در پایان دهه ۱۹۷۰ و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن موجود در منطقه امضا شده بود، این طور به نظر می رسید که رژیم صهیونیستی در حالی که به اجرای مرحله سوم خروج، موظف بود، با عنایت به تحولات موجود در منطقه همچنان به اجرای طرح های توسعه طلبانه خویش چشم دوخته و مترصد بهانه مناسب بوده است. در همین راستا، اوضاع منطقه نیز با توجه به پیروزی های ایران که عمیقا آمریکا و غرب و نیز کشورهای عرب منطقه را نگران ساخته و ایران را در کانون توجهات قرار داده بود، توانست مورد بهره برداری رژیم غاصب اسرائیل قرار بگیرد. البته در این ضمن صهیونیست ها با نگرانی تحولات انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را دنبال نموده و همواره از فروپاشی دیوار شرقی اعراب - که همانند قلعه ای، رژیم صهیونیستی را در مرکز خود قرار داده بود - بیم داشتند. بر این اساس، از آغاز سال جدید میلادی، اظهارات و تحرکاتی از سوی مقامات رژیم اشغالگر صورت

گرفت که جای احساس خطر و نگرانی داشت. تا آنجا که یاسر عرفات در ارزیابی خود اظهار داشت:

«قبل از تحویل صحرای سینا، حمله اسرائیل به جنوب لبنان آغاز خواهد شد.» متن سخنرانی آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در مؤسسه بررسی های استراتژیک وابسته به دانشگاه تل آویو، تحت عنوان «مشکلات استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰» که البته به شکل سخنرانی ایراد نشد و بعدها در روزنامه صهیونیستی المعاریو به چاپ رسید، حاوی برنامه و تفکر رژیم صهیونیستی طی دهه ۸۰ (۱۹۸۰ - ۱۹۹۰) می باشد. در این مقاله آمده است:

«منافع استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰، چنین اقتضا می کند که این کشور از رویارویی های تقلیدی درآمده و به جغرافیای جدیدی دست یابد. از آن به بعد، جهان نباید اقدامات و اعمال اسرائیل را که تحت عنوان حفظ امنیت و آرامش اسرائیل انجام خواهد گرفت، شوخی بیندارد.»

در یک ارزیابی کلی، همان طور که اشاره شد، رژیم صهیونیستی روند تحولات در دهه ۸۰ را به زیان خود ارزیابی می کرد. (۱) چرا که از یک سو رژیم سلطنتی ایران به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل، با پیروزی انقلاب اسلامی سرنگون شد و از سوی دیگر، انقلابی جدید، مبارزه با اسرائیل را به عنوان شعار استراتژیک و محوری خود تعیین کرده بود. طبعاً تأثیرات ناشی از این پیروزی، در صحنه سیاسی منطقه، به ویژه لبنان، از دید صهیونیست ها پنهان نبود. به این خاطر نگرانی اسرائیل و اقدامات احتمالی این کشور به ویژه در صحنه لبنان، قابل پیش بینی بود. به نظر می رسد که بخشی از اهداف اسرائیل برای تهاجم به لبنان، موارد زیر باشد:

- انهدام پایگاه های نظامی و سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین تا

ص: ۸۷



حد امکان، تضعیف و کاستن از قدرت فلسطینی ها در جنوب لبنان.

- انهدام پایگاه های موشکی سوریه در داخل سرزمین لبنان و به دنبال آن تضعیف ارتش سوریه که نزدیک به چهل هزار نفر از سربازانش در لبنان استقرار داشتند.

بدین وسیله، رژیم صهیونیستی امیدوار بود که بخشی از امنیت خود در مرزهای شمالی را با انهدام پایگاه های سیاسی - نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان و تضعیف نقش سوریه در این کشور تأمین نماید.

ص: ۸۸

پس از عملیات ثامن الائمه و به هنگام «تبيين استراتژی هجوم»، برای نخستین بار بحث های گسترده (۱) و قابل توجهی بین طراحان نظامی جنگ در مورد انتخاب منطقه عملیاتی و اولویت بندی آنها صورت گرفت. محتوای مباحث و آنچه که در صحنه عمل طی مراحل آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت، همگی دلالت بر آن دارند که چند عامل اساسی در بررسی های عملیاتی و انتخاب مناطق مختلف برای عملیات نقش داشته اند، از جمله:

۱ - نحوه استقرار و استعداد دشمن و وسعت منطقه

۲ - ارزش سوق الجیشی منطقه

۳ - توان و استعداد نیروهای خودی

۴ - ابتکار و خلاقیت نظامی

ص: ۸۹

---

۱- ۶۸. این مباحث، منجر به دو طرح عملیاتی براساس معیارهای متفاوتی شد که سرانجام در جلسات مشترک بین نیروها و حسن نظر فرماندهان سپاه و ارتش، طرح نهایی به تصویب رسید.

طراحان نظامی، در تجزیه و تحلیل کلی از نحوه استقرار دشمن در منطقه جنوب، چنین ارزیابی می کردند که ارتش عراق بر دو منطقه اساسی در جنوب چنگ انداخته است که آزادسازی آنها به فروپاشی مواضع دفاعی دشمن منتهی خواهد شد. این دو منطقه عبارت بود از: «جفیر» (در جنوب غربی اهواز) و «چنانه» (در جنوب غربی دزفول) بدین صورت که «جفیر» مرکز قوای دشمن محسوب شده و تمام جاده های مواصلاتی و عقبه قوای عراقی به این منطقه منتهی می گردید و «چنانه» نیز مرکزیت دشمن در منطقه عمومی عملیات فتح المبین را شامل می شد.

بنابراین اگر چه دو منطقه یاد شده دارای ارزش حیاتی بودند و ضرورتاً می بایست مورد تهاجم رزمندگان اسلام قرار می گرفتند، لیکن محدودیت توان در مقایسه با وسعت منطقه عملیاتی ثامن الائمه، مانع انتخاب این منطقه شد. منطقه عملیاتی ثامن الائمه که اولین تجربه نظامی رزمندگان اسلام بود، بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت نداشت. استعداد دشمن را نیرویی کمتر از یک لشکر که در شرق رودخانه کارون مستقر بود، تشکیل می داد. ضمن این که نیروهای دشمن به دلیل وجود عارضه رودخانه کارون دچار محدودیت در مانور بودند، در صورتی که مناطق عملیاتی فتح المبین و بیت المقدس، در حدود ۲۵ برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه وسعت داشتند. با این وصف به طور طبیعی می بایست در انتخاب منطقه عملیاتی معیارهایی نظیر وسعت منطقه، استعداد دشمن، استعداد خودی و توان طرح ریزی و فرماندهی عملیات را در نظر گرفت. به همین منظور، جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه تشکیل شد و برای انتخاب منطقه عملیاتی تبادل نظر به عمل آمد. برادر غلامعلی رشید در این زمینه اظهار داشت:

«بعد از کسب پیروزی در عملیات ثامن الائمه، بحثی جدی بین فرماندهان

ارتش و سپاه به وجود آمد که آیا عملیات بعدی در منطقه غرب کارون و خرمشهر باشد یا جای دیگر. بعضی از فرماندهان ما که خیلی کلاسیک فکر می کردند و انعطافی نداشتند، اظهار می کردند عملیات در این منطقه صورت بگیرد و ما باید از اهواز حمله کرده و به سمت خرمشهر برویم و آن منطقه را آزاد کنیم. وقتی برادران سپاه بحث عملیات طریق القدس را مطرح کردند، برخی از برادران ارتشی می گفتند که چگونه ممکن است دشمن را که در ۲۵ کیلومتری غرب اهواز موضع گرفته و تا هویزه آرایش دارد، در این جناح طولانی رها کرده و به عمق منطقه تا مرزها پیشروی کنیم، چه تضمینی وجود دارد که این ریسک را بپذیریم که دشمن به ما حمله نکرده و مجدداً با پیشروی به سمت اهواز تمام یگان هایی که در منطقه غرب اهواز و سوسنگرد حضور دارند، محاصره نکند. برادران سپاه، استدلال می کردند که ما باید با تمام توانمان بی وقفه با دشمن بجنگیم. ما الان قادر نیستیم در این زمین بزرگ (منطقه غرب کارون) وارد بشویم، دشمن هم جرأت نمی کند که در شرایطی که ابتکار عمل آفندی در اختیار ماست، به این سادگی از مواضع پدافندی خودش که مانند دژهای بسیار قوی و مستحکمی است، خارج شده و به ما حمله کند.»

پس از اتمام عملیات طریق القدس، مجدداً منطقه عملیاتی غرب کارون مورد توجه واقع شد، لیکن بنا به دلایلی از اجرای عملیات در منطقه مورد نظر خودداری شد و نظرها به منطقه عمومی فتح المبین - که زمین آن دارای عوارض طبیعی و ناهمواری بود - معطوف گشت. این تصمیم، با قابلیت های نیروی پیاده که بخش اعظم توان رزمندگان اسلام را تشکیل می داد، هماهنگی و تطابق داشت.

اجرای سلسله عملیات آفندی علیه دشمن که شامل «ثامن الائمة» در منطقه شرق رودخانه کارون، «طریق القدس» در غرب منطقه اهواز و

«فتح المبين» در منطقه عمومی شوش در غرب جاده اندیمشک - اهواز می شد، نتایج مهمی به بار آورد. این نتایج که عملاً زمینه انتخاب منطقه عملیاتی غرب کارون را برای آزادسازی خرمشهر فراهم کرد، عبارت است از:

۱ - انهدام بخش قابل توجهی از نیروی زمینی دشمن.

۲ - آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در جنوب کشور.

۳ - آزادسازی نیروهای پدافندی خودی در مناطق اشغالی.

۴ - افزایش توانایی طرح ریزی و عملیاتی رزمندگان اسلام.

بر این اساس، انتخاب منطقه عمومی غرب رودخانه کارون برای آزادسازی خرمشهر و مراکز مهم و حیاتی آن، طی یک روند تکاملی صورت پذیرفت. در این مرحله، دشمن تدریجاً منهدم شده و به ویژه از نظر روحی در وضعیتی به شدت بحرانی قرار داشت، اما در مقابل، رزمندگان اسلام ضمن برخورداری از هماهنگی فوق العاده ای در طراحی و فرماندهی، دارای روحیه ای بالا و معنویتی چشمگیر بودند.

### **زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن**

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که به ترتیب، از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه و شط العرب منتهی می شود. در واقع، گذشته از وجود علائم اعتباری مرزی که از کوشک تا طلائیه و از آن جا تا شلمچه ترسیم شده است، زمین منطقه به خاطر برخورداری از موانع طبیعی از چهار جهت، زمینی به هم پیوسته و مستطیل شکل می باشد، که به لحاظ اهمیت حیاتی آن برای دو کشور ایران و عراق، همواره از ارزش

استراتژیکی برخوردار بوده است.

این مهم، موجب گردید تا پدافند منطقه عمیقا مورد توجه فرماندهان نظامی عراق قرار بگیرد. زیرا پدافند از این منطقه برای دشمن، در مقایسه با سایر مناطق اشغالی از اهمیت بیشتری برخوردار بود و علاوه بر این که ادامه اشغال خرمشهر، دشمن را از یک موضع قوی در روند مذاکرات صلح برخوردار می کرد، متقابلا از دست دادن خرمشهر نیز در واقع به مثابه شکسته شدن تنها سد دفاعی بصره، دومین شهر مهم عراق پس از بغداد و در معرض تهدید جدی قرار گرفتن آن شهر بود و لذا این دو مسئله با یکدیگر آن پیوند خورده بودند.

با عنایت به وضعیت ذکر شده، دشمن مصمم بود که با چنگ و دندان و به هر شکل ممکن منطقه را در اشغال خود نگه دارد، بدین سبب برای احداث استحکامات دفاعی به ویژه در شهر خرمشهر، با استفاده از تجارب حاصله از جنگ اقدام به سرمایه گذاری اساسی نمود.

آرایش دشمن در منطقه، تحت دو عنوان «آرایش عمومی در کل منطقه» و «تدابیر پدافندی ویژه در داخل خرمشهر» قابل بررسی می باشد. آرایش عمومی دشمن، به شکل هلال و متکی به عوارض طبیعی منطقه بود، بدین ترتیب که از شمال و شرق به رودخانه کرخه کور (۱) و هور الهویزه محدود می شد. اقدامات مهندسی بسیار گسترده ای که دشمن در جنوب رودخانه کرخه کور، پس از عملیات فتح المبین، انجام داد (۲) نشان دهنده ی

ص: ۹۳

---

۱- ۶۹. این رودخانه بعدها در میان رزمندگان اسلام به کرخه نور مشهور گردید.  
۲- ۷۰. فعالیت مهندسی دشمن با بیش از ۵۰ دستگاه لودر و بلدوزر شکل گسترده ای داشت. احداث خاکریزهای چند جداره و نصب سیم های خاردار، میدان های مین متعدد، از جمله این فعالیت ها می باشد. به عنوان نمونه، در نزدیکی هویزه اقدام به احداث هفت ردیف سیم خاردار با هفت میدان مین نمود. تخریب پادگان حمید نیز در همین راستا صورت گرفت.

این است که عملیات رزمندگان اسلام علیه خود را صرفاً در همین منطقه و از شمال به جنوب پیش بینی می کرد زیرا در این محور، علاوه بر عامل مهمی چون جاده اهواز - خرمشهر، داشتن عقبه ای چون شهر اهواز از امتیازاتی بود که رزمندگان اسلام در سایر محورها فاقد آن بودند. منطقه جفیر نیز که به مثابه مرکزیت قوای دشمن در غرب کارون بود، به علت فاصله اندک تا خط پدافندی کرخه کور، به سهولت می توانست با یک خیز بلند در دسترس رزمندگان اسلام قرار گیرد. بدین علت، دشمن برای حفظ آن نیز تدابیر پدافندی خاصی را اتخاذ کرده بود. عواملی نظیر وجود منطقه آبگرفته در جنوب غربی اهواز، که از رودخانه کرخه منشعب شده و به رودخانه می ریخت، تحلیل دشمن از عدم توانایی رزمندگان اسلام برای عبور از کارون و محدودیت نیروهای پیاده برای عملیات در عمق و نیز عمق منطقه، از رودخانه کارون تا جاده اهواز - خرمشهر و از آنجا تا مرز بین المللی، همگی موجب غفلت دشمن از منطقه کارون گردید، تا جایی که دشمن - که جناح خود را به رودخانه کارون داده بود - تنها به احداث مواضع پدافندی اقدام کرد تا در صورت لزوم با استقرار نیرو در آن مواضع، از خود دفاع نماید.

اما در جنوب که مواضع دشمن به شهر خرمشهر و بخشی از رودخانه های کارون و اروند محدود می شد، نظر به ارزش حیاتی و استراتژیک خرمشهر برای دشمن، اقدامات مهندسی ویژه ای در این منطقه طراحی و اجرا شد. (شهید) معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه نصر، در این زمینه اظهار داشت:

«عراق برای پدافند خرمشهر، یک طرح شبیه طرحی که اسرائیل برای کانال سوئز داده بود، ایجاد کرد، بدین شکل که مقابل خرمشهر را از طرف رودخانه، کاملاً از لحاظ پدافندی تقویت کرد تا از عبور رزمندگان اسلام

از آن رود به داخل خرمشهر ممانعت به عمل آورد.»

دشمن پس از عملیات فتح المبین، بلافاصله تخریب مناطق مسکونی خرمشهر را به طور جدی آغاز کرد، به گونه ای که صدای انفجارهای مهیب به طور مکرر در شرق رودخانه کارون شنیده می شد. احداث استحکامات در داخل شهر و نحوه تخریب و مین گذاری آن، عمدتاً به منظور ممانعت از ورود نیروهای اسلام به داخل شهر از شمال و شرق، به طور جدی دنبال شد. همچنین، برای مقابله با هلی برد نیروهای اسلام و اجتناب از جنگ شهری، دشمن تلاش های مهندسی ویژه ای انجام داد. بنابراین، ارتش عراق در نظر داشت با ایجاد استحکامات و میدان های دید و تیر عالی و میدان های مین و سایر موانع، خرمشهر را به درستی مستحکم و غیر قابل نفوذی تبدیل نموده و به هر نحوه ممکن از باز پس گیری آن جلوگیری کند.

استعداد نیروهای دشمن در منطقه، تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه

- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود

- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر. تیپ های ۴۸،۲۲ و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند.

- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر.

کلیه این نیروها، بعد از عملیات تحت کنترل عملیاتی لشکر ۳ قرار داشتند، ضمن این که تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره نیز در احتیاط این نیروها بود.

براساس اسناد و مدارک قرارگاه مرکزی کربلا، برآورد کلی استعداد دشمن در این منطقه، قبل از عملیات بیت المقدس به شرح زیر بود:

ص: ۹۵



- نیروی پیاده: ۳۶۰۰۰ نفر

- نیروی زرهی: ۴۱ گردان تانک (۱۴۳۵ دستگاه تانک)

- نیروی مکانیزه: ۳۸ گردان (۱۳۳۰ دستگاه نفربر)

- توپخانه: ۵۳۰ قبضه توپ.

کیفیت و استعداد دشمن در منطقه، مشخص کننده دو نکته می باشد: یکی محدودیت دشمن از بعد نیروی انسانی و دیگر اتکای دشمن در پدافند و مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام به نیروی زرهی و مکانیزه، علاوه بر اتکا به استحکامات. چرا که عمق و عرض زمین منطقه و فقدان ناهمواری و ارتفاعات، موقعیت مناسبی را برای مانور زرهی و مکانیزه دشمن فراهم کرده بود. در هر صورت، دشمن با توجه به درک و تحلیلی که از سمت هجوم رزمندگان اسلام داشت و نیز استحکامات و مواضع پدافندی که احداث کرده بود، به حفظ و تأمین مناطق تحت تصرف خود امیدوار بود.

دشمن با وجود برخورداری از امتیاز زمین هموار و وسیع و نیز استحکامات و مواضع برتر در برابر رزمندگان اسلام، در عین حال با دشواری ها و محدودیت های مختلفی رو به رو بود، از جمله:

- دفاع از سرزمین وسیع و عریض

- کمبود نیروی انسانی برای پدافند از منطقه

- وجود موانع طبیعی و مصنوعی در درون منطقه برای مانور.

تمرکز قوای دشمن، متناسب با نقاط استراتژیک و حیاتی منطقه در خرمشهر و جفیر، عمدتاً متوجه عمق و جنوب منطقه بود. در عین حال دشمن به موازات تلاش برای حفظ خرمشهر، در تدبیر کلی خود عملاً حفظ بصره را نیز مدنظر داشت. محور نشوه - جفیر و شلمچه - تنومه، علاوه بر تأمین عقبه نیروهای دشمن در منطقه به عنوان محورهای پاتک

ص: ۹۶

دشمن نیز تلقی می شد. از این رو، به هنگام طراحی مانور عملیات بیت المقدس، علاوه بر تجزیه و تحلیل کلی از دشمن و استعدادش در منطقه، محورهای احتمالی پاتک دشمن نیز مورد توجه قرار گرفت.

### **ویژگی ها و تفاوت های مناطق عملیاتی بیت المقدس و فتح المبین**

منطقه عملیاتی بیت المقدس در روند آزادسازی مناطق اشغالی، در واقع آخرین منطقه ای بود که کماکان در اشغال دشمن قرار داشت. همچنین در جریان تکاملی جنگ، رزمندگان اسلام در اوج قله پیروزی و به کارگیری تجارب حاصله از سایر عملیات ها قرار داشتند. دشمن نیز، متقابلا نسبت به تاکتیک جدید رزمندگان اسلام هوشیار شده و تدریجا تغییراتی را در خطوط دفاعی، نحوه استقرار نیرو در خط و به کارگیری نیروی احتیاط، ایجاد کرده بود.

منطقه عملیاتی بیت المقدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتح المبین، از ویژگی ها و تفاوت های آشکاری برخوردار بود که عبارتند از:

۱ - فقدان عارضه و ناهمواری در زمین منطقه: عوارض طبیعی موجود در منطقه عملیاتی فتح المبین موجب گردید تا قوای نظامی ایران - که اساسا با اتکا بر نیروی پیاده عمل می کردند - با استفاده از این عوارض، از قدرت مانور بیشتری در برابر دشمن برخوردار باشند. در صورتی که فقدان عوارض طبیعی در منطقه عملیاتی بیت المقدس، مشکلات فزاینده ای را فرا روی رزمندگان اسلام قرار می داد و متقابلا دشمن برای مانور زرهی زا برتری قابل توجهی نسبت به منطقه عملیاتی فتح المبین برخوردار بود.

۲ - افزایش وسعت منطقه: منطقه عملیاتی بیت المقدس از نظر وسعت، تقریبا سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود. بنابراین، افزایش نیروی عملیاتی، سازمان دهی مناسب و همچنین دقت و ظرافت در طرح ریزی و

فرماندهی و هدایت عملیات ضرورت داشت. البته دشمن نیز از لحاظ کمبود نیروی انسانی با معضلات بسیاری دست به گریبان بود.

۳- بهره گیری دشمن از موانع طبیعی در ایجاد استحکامات: منطقه عملیاتی فتح المبین و نحوه استقرار دشمن در آن، امکان تهدید و دستیابی به عقبه دشمن را برای نیروهای خودی فراهم می کرد که این مسئله در فروپاشی خط مقدم دشمن نقش ویژه ای داشت. در صورتی که استحکامات دشمن در منطقه عملیاتی بیت المقدس با اتکا به موانع طبیعی همچون رودخانه های کرخه کور در شمال، کارون در شرق و اروند در جنوب و هورالهویزه در غرب، عملاً رزمندگان اسلام را برای رخنه به مواضع دشمن، در وضعیت دشواری قرار می داد.

۴- سرعت عمل رزمندگان اسلام در کسب آمادگی لازم: فاصله ی زمان اجرای عملیات طریق القدس تا عملیات فتح المبین دو ماه و نیم بود (۱)، در حالی که زمان آمادگی رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس به ۴۰ روز تقلیل یافت و این موضوع یکی از عوامل مؤثر در غافلگیری دشمن محسوب می شد.

۵- عملیات عبور از رودخانه: طراحی عملیات عبور از رودخانه کارون (۲) علاوه بر این که یکی از ویژگی های عملیات بیت المقدس به شمار می آید، در واقع از تفاوت های بارز رزمندگان اسلام با نیروهای دشمن و توان کیفی فوق العاده آنان در این مرحله حکایت می کند. ضمن این که، «عملیات

ص: ۹۸

---

۱- ۷۱. قابل ذکر است که تهاجم دشمن به تنگه چزابه در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ موجب تأخیر در اجرای عملیات فتح المبین گردید، این عملیات قرار بود در اسفند ۱۳۶۰ اجرا شود.

۲- ۷۲. موضوع عبور از رودخانه کارون، از لحاظ ویژگی ها و تأثیرات آن در پیروزی عملیات، در مبحث «طرح ریزی عملیات» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سر پل گیری» در عمق ۱۴ تا ۲۵ و عرض ۳۵ کیلومتری همزمان با توسعه سر پل که در طراحی عملیات منظور شده، از تفاوت های ویژه ی این عملیات محسوب می شود.

## طرح ریزی عملیات

### اشاره

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در تاریخ ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۱ جلسه مشترکی با حضور فرماندهان سپاه و ارتش تشکیل شد و به کلیه یگان ها ابلاغ گردید که طی دو هفته، «بازسازی یگان ها» و «طرح ریزی عملیات» را انجام داده و نتیجه را اعلام نمایند. همچنین فرمانده کل سپاه مقرر کرد که تا روز دوشنبه ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱ اقدامات زیر انجام شود:

- ۱ - مشخص کردن مانور کلی عملیات
- ۲ - مشخص کردن محل های سر پل
- ۳ - تعیین و استقرار قرارگاه های لشکری و تعیین محل های تیپ ها و برقراری سیستم ارتباط «قرارگاه مرکزی کربلا» با قرارگاه های تابعه تا رده لشکر
- ۴ - حل مشکلات و نارسایی های مهندسی قرارگاه ها از طریق قرارگاه مرکزی کربلا
- ۵ - مشخص کردن نحوه اعزام نیرو و نیروهای احتیاط
- ۶ - تکمیل کردن سازمان ستاد قرارگاه های لشکری و همکاری با قرارگاه های ارتش.

متعاقب در کی که از ضرورت تعجیل در عملیات وجود داشت، تلاش برای آمادگی، شتاب چشمگیری به خود گرفت، چرا که هر گونه تعلل با فرا رسیدن فصل گرما در منطقه جنوب و هوشیاری دشمن در مورد عملیات همراه بود و می توانست لطمه های جبران ناپذیری را به

دنبال داشته باشد. ضمن این که آشفستگی روانی نیروهای دشمن، به دنبال ضربات ناشی از عملیات فتح المبین، وی را در موقعیت بحرانی قرار داده بود و انجام هر چه سریعتر عملیات در این وضعیت ضریب موفقیت عملیات را افزایش می داد.

## مأموریت و اهداف

به دنبال بحث ها و بررسی های فراوانی که صورت گرفت، سرانجام قرارگاه مرکزی کربلا، مأموریت و اهداف عملیات را به شرح زیر اعلام کرد:

مأموریت:

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مأموریت دارند که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.

اهداف:

۱ - انهدام نیروی دشمن، حداقل با استعدادی بیش از ۲ لشکر

۲ - آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید

۳ - آزاد سازی حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اسلامی با بیرون راندن نیروهای دشمن.

منظور:

۱ - خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه

ص: ۱۰۰

۲- ترمیم مرز بین المللی کشور اسلامی و رفع اشغال کشور

۳- آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از زیر برد توپخانه.

علاوه بر اهداف فوق، اهداف دیگری نیز مورد توجه طراحان عملیات بود که در صورت تأمین آن، دست یابی جمهوری اسلامی به موضع برتر در برابر دشمن و احقاق حقوق حقه کشور جمهوری اسلامی تسهیل می شد.

### طرح مانور

### اشاره

در بررسی های اولیه طرح مانور، عوامل زیر، نقش تعیین کننده ای داشتند:

- اهداف بسیار مهم در عمق منطقه

- ضرورت سرعت عمل در دست یابی به اهداف

- آرایش نیروها و استقرار قوای دشمن

- تلقی دشمن از دست حرکت رزمندگان اسلام.

گروه های طرح ریزی برادران ارتش و سپاه، به طور جداگانه طی بررسی های عملیاتی، به ارائه راهبردهای مورد نظر پرداختند و در جلسات مشترک، به طرح مسائل عملیات مبادرت ورزیدند. به طور کلی، دو راه کار برای عملیات بیت المقدس (۱) پیشنهاد شد و در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که اجمالا به آن اشاره می شود:

ص: ۱۰۱

---

۱- ۷۳. براساس سلسله طرح های عملیاتی که پس از شکسته شدن حصر آبادان در دستور کار قرار گرفت، عملیات مورد نظر به عنوان کربلای ۳ نامگذاری شد، لیکن با توجه به اوضاع سیاسی منطقه و سایر عوامل در زمان اجرای عملیات، نام بیت المقدس برای آن نهاده شد.

از جمله محاسن این راه کار پیشنهادی، استفاده از شبکه های جاده ای که در منطقه وجود داشت، بود، ضمن این که موجب تأمین جناح منطقه عملیاتی نیز می شد. پیشنهاد مزبور که براساس تفکر کلاسیک برادران ارتش ارائه شده بود، معایبی نیز به همراه داشت، از جمله این که دشمن براساس این تلقی که سمت تک حرکت رزمندگان از شمال و بااتکا به جاده اهواز - خرمشهر می باشد، استحکاماتی را در منطقه ایجاد کرده بود و به طور طبیعی عبور از سد دشمن، بدون تلفات سنگین ممکن نبود، ضمن این که با فرض عبور از خط مستحکم دشمن، دست یابی به هدف اصلی عملیات یعنی آزادسازی خرمشهر، بدون انجام مراحل عملیاتی متعدد که نیاز به زمان طولانی داشت، میسر نمی شد.

### عبور از رودخانه کارون

از جمله معایب این راه کار، پیچیدگی های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل بود. همچنین ضرورت سر پل گیری و گسترش سر پل به به طور همزمان نیز دشواری های عبور از رودخانه کارون را افزایش می داد. کاهش فاصله تا دست یابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف مقاومت نیروهای عراقی در این منطقه، از محاسن پیشنهاد دوم محسوب می شود. پیشنهاد نخست دقیقاً براساس تفکر کلاسیک و اصول جنگ طراحی شده بود (۱) طبعاً راه کار اول با تحلیل دشمن از حرکت آتی

ص: ۱۰۲

---

۱- ۷۴. برادر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی بالاتفاق می گفتند نمی شود از رودخانه کارون عبور کرد و باید تلاش اصلی از روی جاده اهواز - خرمشهر باشد.».

رزمندگان تطابق بیشتری داشت، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون، علی رغم معایبی که ذکر گردید، به دلیل آن که مبتنی بر خلاقیت و ابداع نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با تفکر کلاسیک دشمن نیز فاصله بسیار داشت، ضریب «غافلگیری» دشمن در تاکتیک را به شدت افزایش می داد.

رزمندگان اسلام، در واقع با عملیات عبور از رودخانه برخلاف آرایش دشمن، وارد زمین منطقه اشغالی شده و از پهلو به دشمن حمله می کردند. این اقدام به عنوان وارد ساختن شوک و ایجاد تردید و تزلزل روحی در نیروهای عراقی ارزیابی می شد و عکس العمل دشمن را به شدت ضعیف می کرد.

بر این اساس، به منظور تحقق اهداف مورد نظر، با عنایت به توان موجود و درکی که از واکنش احتمالی دشمن وجود داشت، طرح ریزی عملیات با اتکا به دو موضوع بسیار جدی و اساسی صورت گرفت:

۱ - نحوه ی عبور از رودخانه کارون، سر پل گیری و تأمین و توسعه آن

۲ - مرحله بندی عملیات

طراحان نظامی جنگ، در تعیین سازمان قرارگاه ها و مرحله بندی عملیات، عمدتاً به این مسئله توجه داشتند که به هنگام تهاجم و تأمین اهداف کلی عملیات، علاوه بر سرعت عمل در دست یابی به اهداف، به طور ویژه باید از جابه جایی و تمرکز دشمن نیز ممانعت به عمل آید. بدین ترتیب، سه قرارگاه اصلی به شرح زیر در نظر گرفته شد:

۱ - قرارگاه قدس در بخش شمالی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کرخه.

ص: ۱۰۳



۲- قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر.

۳- قرارگاه نصر در بخش جنوبی منطقه عملیات با مأموریت عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر.

همچنین در جمع بندی جلسه، بر دنبال کردن مانوری که منجر به رسیدن به نقاط استراتژیک یا آزادسازی خرمشهر و تأمین نیروها بشود، تأکید شد.

ضرورت مرحله بندی عملیات نیز موجب گردید تا مراحل عملیات به شکل زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- عبور از رودخانه کارون توسط قرارگاه های نصر و فتح و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر.

۲- شکستن خاکریز اول توسط قرارگاه قدس بدون در نظر گرفتن هدفی جز درگیری و توجه دادن قرارگاه های فتح و نصر به طرف غرب و جنوب برای تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر.

۳- حرکت قرارگاه های فتح و نصر به طرف ساحل اروند، پس از تصرف هدف ها.

براساس طرح مذکور، قرارگاه قدس عمدتاً دشمن را مشغول درگیری می کند تا قرارگاه های فتح و نصر تلاش اصلی برای سرپل گیری و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر را به اجرا درآورند. طی بحثهایی که در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه صورت گرفت، مرحله بندی عملیات براساس فرض های مختلف مبتنی بر سه حالت کلی، مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از:

۱- نخست قرارگاه قدس وارد عمل شود و پس از آن که دشمن متوجه تلاش محور شمالی عملیات شد، با توجه به حساسیتی که به این

ص: ۱۰۴

محور دارد و آن را تلاش اصلی تلقی می کند، قرارگاه های فتح و نصر وارد عمل شوند.

۲- فرض دوم عکس فرض اول بود، بدین صورت که ابتدا قرارگاه های فتح و نصر وارد عمل شوند و سپس قرارگاه قدس عمل نماید.

۳- در فرض سوم، همزمانی عملیات هر سه قرارگاه قدس، فتح و نصر مورد نظر بود.

سرانجام طی بحثهایی که صورت گرفت، به منظور تجزیه دشمن و جلوگیری از جابه جایی و ممانعت از تمرکز قوای دشمن، مقرر گردید که هر سه قرارگاه همزمان تهاجم خود را آغاز نمایند.

### سازمان رزم و مأموریت قرارگاه ها

برای فرماندهی و اجرای عملیات بیت المقدس با عنایت به تجارب پیشین، قرارگاه ها به صورت مشترک سازمان دهی شد. قرارگاه مرکزی کربلا هدایت عملیات را عهده دار شد. قرارگاه های تحت امر قرارگاه مرکزی و یگان های تحت امر هر یک عبارت بود از:

قرارگاه قدس در محور شمالی عملیات، متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک لشکر و یک تیپ مستقل از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه قدس ۱: تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۳۱ عاشورا از سپاه.

قرارگاه قدس ۲: تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۲۱ امام رضا (ع).

قرارگاه قدس ۳: تیپ ۳ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ نور از سپاه.

ص: ۱۰۵

قرارگاه قدس ۴: تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار از ارتش، با تیپ ۴۱ ثارالله از سپاه.

قرارگاه فتح در محور میانی عملیات، متشکل از سه تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۲: تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه فتح.

قرارگاه فتح ۳: تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۸ نجف اشرف از سپاه.

قرارگاه فتح ۴: تیپ ۳۷ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از ارتش، با تیپ ۲۵ کربلا از سپاه.

قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه نصر ۱: تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۷ ولیعصر (عج) از سپاه.

قرارگاه نصر ۲: تیپ ۲ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) از سپاه.

قرارگاه نصر ۳: تیپ ۳ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۴۶ فجر از سپاه.

قرارگاه نصر ۴: تیپ ۴ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه نصر.

قرارگاه نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهده از ارتش، با تیپ ۲۲ بدر از سپاه.

در مجموع استعداد نیروها به شرح زیر بود:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یازده تیپ مستقل پیاده (۱) و یک لشکر زرهی (۲).

ص: ۱۰۷

۱-۷۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد فاصل عملیات فتح المبین تا بیت المقدس در تلاش برای گسترش سازمان رزم، چند تیپ جدید تشکیل داده و سازمان دهی کرد تا توان جذب نیروی مردمی خود را افزایش دهد. در عملیات بیت المقدس هر یک از تیپ های سپاه ۷ تا ۱۲ گردان نیرو داشتند و هر چند تا این زمان به لشکر تغییر نام نیافته بودند، ولی هر یک استعداد و توانی در حد یک لشکر داشتند. لازم به ذکر است که در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس تیپ های المهدی و امام سجاد از سپاه پاسداران و تیپ ۳ لشکر ۷۷ ارتش به یگان های عمل کننده افزوده شدند.

۲-۷۶. برادر فتح الله جعفری فرمانده وقت یگان زرهی سپاه پاسداران درباره چگونگی شکل گیری این یگان و شرکت آن در عملیات بیت المقدس نوشت: زمان شکل گیری یگان زرهی سپاه را می توان بعد از عملیات شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه) و در آستانه اجرای عملیات طریق القدس ذکر کرد. پس از عملیات ثامن الائمه بنا به دستور مسئول وقت عملیات سپاه (برادر سید رحیم صفوی) با تانک ها و نفربرهایی که در این عملیات از دشمن به غنیمت گرفته شده بود (۱۰ دستگاه تانک و ۳۵ دستگاه نفر بر) و با همکاری ۲۰۰ تن از برادران پاسدار، یک گردان مستقل مکانیزه با مسئولیت اینجانب (فتح الله جعفری) تشکیل گردید. این گردان در عملیات طریق القدس شرکت کرد و پس از این عملیات همگام با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران، با نظر برادر غلامعلی رشید و شهید بزرگوار سرلشکر حسن باقری با گسترش سازمان به تیپ ۳۰ زرهی تبدیل گردید و در عملیات فتح المبین شرکت نمود. با توجه به غنایم بسیاری که یگان های سپاه در عملیات فتح المبین به دست آوردند، مجموع دستگاه های زرهی غنیمتی سپاه به بیش از ۵۰۰ تانک و نفر بر رسید و تعداد ۱۰۰ نفر بر بی ام پی (۱) هم از ارتش تحویل گرفته شد و با اقداماتی که در زمینه آموزش نیرو و خدمه ی تجهیزات زرهی صورت گرفت و همچنین تعمیرگاه زرهی که ایجاد شد، این یگان به حد لشکر رسید و در مجموع ۴۰۰ تانک و نفر بر برای عملیات فتح خرمشهر (بیت المقدس) آماده و سازماندهی شد. لشکر ۳۰ زرهی سپاه در قالب چهار گروه رزمی و یک یگان پشتیبانی کلی قرارگاه کربلا، فعالانه در عملیات بیت المقدس شرکت کرد و تا پایان عملیات سازمان خود را گسترش داد و تعداد دیگری دستگاه های زرهی به غنیمت گرفت. این یگان در جریان عملیات ۳۰۰ شهید تقدیم کرد که از جمله ی آنها جانشین یگان (شهید مجیدی) و چند فرمانده گروهان (شهید غرضی، شهید حسین نژاد، شهید چراغی و...) بودند. فرماندهان محورهای عملیاتی را در این عملیات برادران شهید امانی، لاوی، جعفرزاده و حری به عهده داشتند. (سند شماره ۴۱۴۷۶۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: زرهی سپاه و نحوه ی شکل گیری آن).

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با دو لشکر زرهی، یک لشکر پیاده و چهار تیپ مستقل.

آمار نیروهای شرکت کننده، بر حسب گردان، به شرح زیر می باشد:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده که تا آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان رسید و همچنین ۱۲ گردان زرهی و مکانیزه (جمعا ۱۱۲ گردان)

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۲۱ گردان پیاده (جمعا نزدیک به ۴۵ گردان).

بنابراین، استعداد نیروهای جمهوری اسلامی در این عملیات جمعا ۱۵۷ گردان پیاده، مکانیزه و زرهی بود.

### **بررسی مانور قرارگاه ها**

قرارگاه قدس مأموریت داشت تا با حمله به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه نور و تصرف پل مناسب در جنوب این رودخانه، دشمن را درگیر نگاه دارد تا دو قرارگاه فتح و نصر فارغ از توجه و تمرکز نیروهای دشمن، به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس همچنین بایدی از آمادگی لازم برخوردار باشد تا پس از دریافت دستور،

ص: ۱۰۸

تهاجم را ادامه داده و خط عمومی جفیر - پادگان حمید را تأمین و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم کند.

قرارگاه قدس به منظور تأمین اهداف تعیین شده. نیروهای تحت امر خود را به پنج محور کلی قدس ۱، قدس ۲، قدس ۳، قدس ۴ و قدس ۵ تقسیم کرد.

چنین پیش بینی می شد که قرارگاه در اجرای مأموریت خود دچار معضلات و مشکلاتی شود که بخشی از آن اساساً به خاطر استحکامات قابل توجه دشمن و نیز موقعیت طبیعی منطقه و موانع موجود بود. دشمن با توجه به نکاتی که ذکر شد، استحکامات بسیاری را در پشت رودخانه کرخه کور تدارک دیده بود، و همچنین در تمام محورها رده دوم و سوم، حتی در بعضی محورها، چهار رده خاکریز احداث نموده و تا سه رده آن نیز نیرو مستقر کرده بود. در واقع یک خط مقدم و دو رده نیروی احتیاط داشت. در حد فاصل خط مقدم تا رده دوم و رده سوم با توجه به موقعیت زمین، کانال تعبیه شده بود. در مقابل خط مقدم علاوه بر نصب سیم خاردار به اشکال مختلف ضربداری و حلقوی، از مین های ضد تانک، ضد خودرو و ضد نفر نیز استفاده شده بود.

وجود نقاط حساس تاکتیکی در منطقه، مانند: هویزه، حمیدیه و جفیر، موجب شده بود تا منطقه علاوه بر استحکامات قابل توجه، از تجمع و تمرکز نیرو نیز برخوردار گردد (لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی ارتش عراق در این منطقه گسترش داشتند).

معضل دوم قرارگاه قدس، محدودیت معابر وصولی در منطقه مأموریت این قرارگاه بود. همان طور که ذکر شد، وجود رودخانه کرخه و استحکامات ایجاد شده، مانع رخنه و نفوذ به مواضع دشمن بود.

از سوی دیگر، قرارگاه قدس امیدوار بود که در پی عبور قرارگاه های

فتح و نصر از رودخانه کارون و تهدید عقبه ی لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی، از فشارهای دشمن در این منطقه کاسته شود و در تأمین مأموریت و اهداف قرارگاه قدس تسهیلاتی فراهم گردد.

قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات مأموریت داشت که با عبور از رودخانه کارون، سرپلی تصرف کند و در همان خیز اول تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی نماید و در مراحل بعدی به منظور تأمین مرز، تک را ادامه دهد.

یگان های تحت امر قرارگاه فتح برای تأمین اهداف تعیین شده، به چهار محور کلی فتح ۱، فتح ۲، فتح ۳، فتح ۴ تقسیم شده بودند.

مأموریت این قرارگاه از لحاظ اهداف مورد نظر، نقش تعیین کننده ای را در موفقیت عملیات بیت المقدس ایفا می کرد، زیرا براساس طرح مانور، تلاش اصلی عملیات پس از عبور از رودخانه کارون (۱) و گسترش سرپل آغاز می شد و قرارگاه فتح عهده دار این مأموریت خطیر بود. مشکلات قرارگاه فتح بر خلاف قرارگاه قدس، استحکامات دشمن نبود، چرا که دشمن در مورد عبور از رودخانه کارون جز به عنوان یکی تلاش فرعی، تصور دیگری نداشت.

دشمن علی رغم حساسیت به منطقه قرارگاه فتح، هیچ عکس العمل قابل توجهی از خود نشان نداد و تنها به احداث برخی استحکامات جدید اقدام نمود و تا زمان شروع عملیات، این مواضع جدید را اشغال نکرد. گستردگی این منطقه، نیرو و نیز وضعیت حاشیه رودخانه کارون، مانع از حضور جدی و فعال دشمن در حاشیه ساحل رودخانه می گردید

ص: ۱۱۰

---

۱- ۷۷. بحث عبور از رودخانه کارون با توجه به حساسیت و ویژگی خاص خود، به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

که این مسئله خود به عنوان عاملی مثبت در امر سرپل گیری تلقی می شد. البته این نگرانی همچنان وجود داشت که دشمن تدریجا با افزایش هوشیاری در کناره های ساحل کارون به استقرار نیروی گشت و تأمین اقدام نماید.

وجود آبگرفتگی در جناح شمالی قرارگاه فتح، به طور طبیعی جناح راست قرارگاه را تأمین می کرد. همچنین وجود زمین و فضای گسترده در برابر قرارگاه فتح سرپل گیری را تسهیل می کرد و در توسعه آن و پیشروی در عمق بسیار مؤثر بود.

قرارگاه فتح در این عملیات با مشکلات و معضلاتی نیز روبه رو بود که در جای خود می توانست موانعی را در تحقق و تأمین اهداف این قرارگاه به وجود آورد. برخی از این مشکلات عبارت بود از:

۱ - فقدان هر گونه عارضه در حد فاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر، برای هماهنگی نیرو در پیشروی و همچنین برای پدافند مناسب در صورت اجرای پاتک از سوی دشمن.

۲ - تأمین جاده اهواز - خرمشهر همزمان با سرپل گیری که علی رغم فاصله ی ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری رودخانه کارون تا جاده، از حساسیت ویژه ای برخوردار بود. محدودیت زمان عبور با توجه به تابش ماه و روشن شدن هوا به صورتی بود که هر گونه تعلل در پیشروی به علت نبودن مواضع پدافندی، نیروها را قبل از رسیدن به عارضه جاده در معرض تهاجم دشمن قرار می داد.

۳ - عدم امکان عبور وسائل سنگین در مراحل اولیه عملیات برای احداث خاکریز.

۴ - پاتک سنگین دشمن، با توجه به تمرکز نیروهای احتیاط دشمن در شمال خرمشهر و تهدیدی که دشمن طبعا بلافاصله پس از روشن شدن



هوا در روز اول عملیات از این جناح احساس خواهد کرد.

قرارگاه فتح، امید داشت که با توجه به غافلگیری دشمن نسبت به تاکتیک عملیات عبور و حساسیتی که در مورد جبهه شمالی نشان می داد، پس از برداشتن خیز اول در تصرف جاده اهواز - خرمشهر و تثبیت آن، اهداف خود را تأمین کند.

قرارگاه نصر در جبهه جنوبی مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده، سر پل را تأمین کند و بنا به دستور با ادامه پیشروی، ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد. یگان های تحت امر این قرارگاه برای تأمین اهداف واگذاری، به پنج محور کلی نصر ۱، نصر ۲، نصر ۳، نصر ۴ و نصر ۵ تقسیم شده بودند.

قرارگاه نصر نیز همانند قرارگاه فتح می بایست از رودخانه عبور می کرد، لذا علاوه بر مشکلات عمومی و ضرورت انجام هماهنگی های لازم برای عبور، به دلیل داشتن مأموریت تأمین خرمشهر و حساسیت دشمن در این منطقه، با مشکلات ویژه ای روبه رو بود. این قرارگاه بر خلاف قرارگاه فتح که یگان های با کیفیت بالاتری را تحت امر خود داشت، برای تأمین خرمشهر از نیروی کیفی و مناسبی برخوردار نبود.

قرارگاه نصر در این مأموریت امید داشت که با توجه به پیشروی قرارگاه فتح و تصرف جاده، مشکلات خاصی را در جناح شمالی خود نداشته باشد و برای رخنه به داخل خرمشهر نیز وجود نیروهای بومی در یگان های مأمور به این قرارگاه، می توانست اهداف مورد نظر را بهتر تأمین نماید.

در مجموع، همان گونه که اشاره گردید، در طراحی مانور، عبور از رودخانه عامل تعیین کننده در پیروزی عملیات محسوب می شد و به همین دلیل در ادامه بحث به بررسی دقیق تر این موضوع می پردازیم.

در مرحله جدید جنگ مشکل اصلی دشمن، غافلگیری در برابر تاکتیک های ابتکاری رزمندگان اسلام بود. دشمن برابر تفکرات کلاسیک خود، اساساً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را فاقد توانایی برای اجرای عملیات ارزیابی می کرد. طرح ریزی عبور از رودخانه کارون، علاوه بر اینکه به کلی در تفکرات کلاسیک دشمن و ارزیابی ای که از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی داشت، نمی گنجید، بلکه برای رزمندگان اسلام که از دو ترکیب متفاوت برخوردار بودند نیز پذیرش عبور از رودخانه کارون قدری دشوار بود. لذا طی جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه، بحث های فراوانی در این زمینه صورت گرفت. برخی از برادران ارتشی همان طور که پیش از این ذکر شد، به تک از جبهه شمالی با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و با عقبه ی اهواز، اعتقاد داشتند. در بحث مربوط به عبور، اساساً برخی بر این عقیده بودند که با توجه به مشکلات عبور و ضرورت همزمانی با پیشروی به عمق و نیز معضلات ناشی از هوشیاری دشمن و کمبود پل و غیره، ضروری است که ابتدا سر پل کوچکی تصرف شده، سپس در مرحله بعد گسترش یابد. دلائلی که برای این نظریه مطرح می شد عمدتاً حول محورهای زیر بود:

۱ - پیچیدگی و مشکلات عبور از رودخانه در مقایسه با سایر عملیات ها.

۲ - فقدان آموزش و تجربه یگان های عبور کننده برای عبور از رودخانه.

۳ - محدودیت زمینه امکانات عبور، به ویژه پل های شناور.

۴ - محدودیت در امکانات مهندسی با سرعت عمل لازم برای

۵ - احتمال هوشیاری دشمن و عقب رانده نیروها.

یکی از فرماندهان سپاه ضمن اشاره به وجود دو نظر در مباحث عبور، چنین می گوید:

«عده ای از برادران گروه طرح ریزی در نظریات خود می گفتند که ابتدا سر پل کوچکی بگیریم و بعد از توسعه سر پل به سمت جاده اهواز - خرمشهر پیشروی شود. برخی معتقد بودند که سرپل باید بزرگی بوده و بلافاصله پس از عبور در همان مرحله تصرف سر پل، پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر ادامه یابد. از محاسنی که برای این ذکر می شد، وجود فضای مانور کافی برای عبور لشکرها بود که موجب می شد تا مراحل بعدی با قدرت کافی انجام پذیرد، ضمن این که این خوف نیز وجود داشت که اگر سر پل کوچک باشد، دشمن با بخش عمده ای از قوایی که در محور شمالی (لشکر ۵ عراق) داشت به همراه نیروهای احتیاط مربوطه، منطقه سر پل را مورد تهاجم قرار دهد. در این صورت امکان عبور مجدد نیز وجود نداشت و عملاً عملیات با شکست مواجه می شد.»

طی بحث های بسیاری که در این زمینه صورت گرفت، سرانجام در میان فرماندهان در مورد سر پل گیری و گسترش آن وحدت نظر حاصل شد که جمع بندی آن چنین اعلام گردید:

«نتیجه ای که گرفتیم این بود که اگر بخواهیم از رودخانه عبور کنیم باید خود را تا جاده و راه آهن جلو بکشیم تا به اهداف زیر برسیم:

۱ - دشمن متوجه شده و به گسترده گی حمله پی برد.

۲ - دشمن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کنیم.»

پس از تبادل نظر و تفاهم در مورد عبور از رودخانه کارون، رکن ۳ قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در جنوب، طی

تجزیه و تحلیلی ضمن ارجح دانستن سر پل بزرگ، عبور از رودخانه کارون و ویژگی های آن را چنین توصیف کرد:

«عبور ما از رودخانه کارون تلفیقی از یکی «عبور تعجیلی» و یک «عبور با فرصت» است که البته بیشتر جنبه تعجیلی دارد. مشخصات آن عبارتند از: سرعت، غافلگیری، حداقل توقف هنگام رسیدن به ساحل نزدیک رودخانه، حداقل تمرکز نیرو، عدم نیاز به پاک کردن ساحل نزدیک از وجود دشمن، پدافند ضعیف دشمن در ساحل رودخانه، بالا بودن توان رزمی یگان خودی چه از نظر روحیه و چه از نظر استعداد برای درهم شکستن موقعیت پدافندی دشمن در آن سوی رودخانه، طرح ریزی مشروح و به پای کار آوردن تجهیزات عبور از قبل در حد مقدوراتی که فعلا موجود است و همچنین یکی عبور با فرصت، به دلیل این که رودخانه مانع بزرگی محسوب شده و عملیات آفندی ما در این خط آغاز می شود.»

تعیین ابعاد سر پل و وجود فضای کافی برای عبور دو قرارگاه با برخورداری از قابلیت و امکان مانور مناسب برای نیروهای تک ور، بحث عمده ای بود که به دنبال توافق بر همزمانی عبور و گسترش سر پل، مورد بررسی قرار گرفت.

حد شمالی سر پل، ایستگاه آهو - که به عنوان تنها عارضه در این محور محسوب می شد و در حدود کیلومتر ۶۰ جاده اهواز - خرمشهر، واقع بود - در نظر گرفته شد. عمق سر پل ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر و عرض آن ۴۰ کیلومتر منظور شد که در مجموع مساحت سر پل مورد نظر بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر مربع می شد.

«رعایت غافلگیری» و «سرعت عمل در توسعه سر پل»، موضوعی بود که پیوسته به هنگام طرح ریزی مانور عملیات عبور از رودخانه، مورد تأکید قرار می گرفت. براساس شواهد و قرائن موجود، با اقداماتی که از

سوی دشمن انجام می گرفت، این احتمال وجود داشت که در صورت هوشیاری نیروهای عراقی موضوع عبور از رودخانه منتفی شده و یا به شکست بینجامد. دشمن در غرب کارون (محور میانی) اقدام به احداث یک خط ممتد در فاصله ۷ کیلومتری رودخانه کارون کرده بود. این اقدام ضمن این که به عنوان نشانه هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک ارزیابی می شد، می توانست موجب بروز مشکلاتی به هنگام عبور و پیشروی نیروهای خودی شود. لذا در طرح مانور ضمن اصرار بر رعایت غافلگیری، بر تسریع و تعجیل در اجرای عملیات نیز تأکید شده بود.

ضرورت همزمانی عبور، گرفتن سر پل و توسعه آن و نیز پیوستگی آنها با یکدیگر، موجب گردیده بود که در مورد سرعت عمل در عبور و توسعه سر پل توجه خاصی صورت بگیرد. بر این اساس، قسمت هایی از رودخانه که عرض کمتری داشت و از ساحل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر دارای فاصله کمتری بود، به عنوان محل نصب پل انتخاب گردید. همچنین در زمینه سرعت عمل برای پیشروی در عمق بر این موضوع نیز تأکید گردید که نیروهای تک ور، هر چه سریع تر و با حداکثر توان خود، به عارضه جاده خرمشهر - اهواز رسیده و آن را تأمین نمایند تا بدین وسیله گذرگاهها از تیررس دشمن مصون بماند و امکان نصب پل های شناور و انتقال سریعتر و بیشتر نیرو و امکانات به آن سوی رودخانه فراهم شود. بنابراین، سه پل برای نصب در محل های مناسب پیش بینی گردید و برای زمان بندی عبور نیروها با توجه به عمق منطقه، روشن شدن هوا و رعایت اصل غافلگیری، مقرر گردید که نفرات پیاده از ساعت ۶ بعد از ظهر حرکت کرده و با تاریک شدن هوا، خودروهای سبک به وسیله شناورها از رودخانه عبور نمایند تا با پیشروی نیروهای پیاده و تأمین منطقه سر پل، شرایط برای نصب پل و عبور خودروهای سنگین مهیا شود.

طرح مانور عملیات، علی رغم دشواری و پیچیدگی هایی که به لحاظ عبور از رودخانه کارون داشت، از ویژگی های برجسته و بارزی برخوردار بود که عبارت بودند از:

۱ - غافلگیری در تاکتیک: همان طور که در مباحث پیش اشاره شد، دشمن براساس تفکر کلاسیک و درکی که از توان رزمندگان اسلام داشت، عبور از رودخانه را به عنوان تلاش اصلی قوای خودی پیش بینی نمی کرد و همچنین به غافلگیر شدن قوای دشمن در هنگام عملیات کمک شایانی می کرد.

۲ - تهاجم به جناح دشمن: اطلاعات صحیح و جامع رزمندگان اسلام از چگونگی آرایش دشمن و نقاط ضعف و قوت آن باعث شد که نقطه ضعف دشمن به خوبی شناخته شود و بر همین اساس تاکتیک ویژه عملیات تعیین گردد. عبور از رودخانه کارون هجوم به جناح دشمن بود و به همین خاطر آسیب پذیری او را تشدید می کرد.

۳ - برآورد صحیح از توان و استعداد دشمن: به دنبال تجارب گذشته، در این مرحله طراحان نظامی جنگ از ضعف های فیزیکی و روحی دشمن آگاه بودند و همین امر از دلایل عمده پافشاری بر عبور از رودخانه کارون محسوب می شد. برادر محسن رضایی در این باره می گوید:

«یکی از عوامل وادار کننده ما به عبور از رودخانه و کسب دل و جرأت لازمه، داشتن شناخت و اطلاع کافی از دشمن و این که نیروی احتیاط او بیشتر از یک لشکر نیست و آن نیرویی که برای جاده اهواز - خرمشهر با ما خواهد جنگید همین یک لشکر است.»

۴ - در نظر گرفتن واقعیات و پذیرش خطر احتمالی: طرح مانور عملیات با

در نظر گرفتن واقعیات و با علم به کلیه محدودیت ها، تهیه شده بود. فرماندهی عملیات، پس از مواجهه با راه کارهای مختلف و استماع کلیه نظریات، خطر کردن احتمالی برای موفقیت عملیات را پذیرفته و تصمیم نهایی را اتخاذ کرد.

## پشتیبانی عملیات

### مهندسی رزمی

منطقه عملیات بیت المقدس از لحاظ موقعیت طبیعی و همچنین پیش بینی احداث پل روی رودخانه کارون، نیاز به کار مهندسی گسترده و ویژه ای در مقایسه با عملیات فتح المبین داشت. جهاد سازندگی که از ابتدای جنگ مجاهدت و تلاش های وسیعی را انجام داده بود، در این عملیات نیز حضور گسترده و چشمگیری داشت و محور اصلی در اقدامات مهندسی را به عهده گرفته بود، ضمن این که مهندسی سپاه و ارتش نیز، به ویژه در زمینه عبور و نصب پل، فعالانه مشارکت داشتند.

ترکیب جهاد سازندگی، ارتش و سپاه در امر مهندسی و ضرورت هماهنگی آنها با فرماندهی قرارگاه های سه گانه، ترکیب جدیدی از سازمان مهندسی را ایجاد کرده بود که به شرح زیر، تحت امر قرارگاه ها فعالیت می کردند:

نام قرارگاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد:، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش:، جمع:

نام قرارگاه: قرارگاه فتح، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۴۵، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۸، جمع: ۸۵ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه نصر، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۷، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۱۸، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۳، جمع: ۴۸ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه قدس، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۳، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۴، جمع: ۵۹ دستگاه

جمع کل: ۱۹۲ دستگاه

ص: ۱۱۸

نیروی هوایی به منظور انجام مأموریت، وظایف خود را به سه محور تقسیم و به طرح عملیاتی کربلای ۳ (بیت المقدس) پیوست نمود:

۱ - پوشش هوایی منطقه عملیات با استفاده از دو پایگاه موشکی زمین به هوا و همچنین به کارگیری هواپیماهای اف - ۴ و اف - ۱۴.

۲ - پشتیبانی نزدیک که به دو بخش ارتفاع بالا و ارتفاع پایین تقسیم شد. همچنین ۲۰ سورتی پرواز برای روز اول عملیات و ۶ سورتی برای روزهای بعد پیش بینی گردید.

۳ - به منظور ترابری سنگین برای حمل مجروحین، ۳ پایگاه در نظر گرفته شد که روزانه ۱۲ تا ۲۰ سورتی پرواز هواپیمای سی - ۱۳۰ در نظر گرفته شده بود.

فرماندهی هوانیروز برای اجرای مأموریت محوله، در طرح پیشنهادی خود توان عملیاتی هوانیروز را به شکل های رزمی، پشتیبانی و مستقیم تقسیم کرد و استعداد زیر را به کار می گرفت: ۲۴ فروند هلی کوپتر کبری، ۲۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴، ۱۶ فروند هلی کوپتر شنوک و ۶ فروند هلی کوپتر ۲۰۶.

### توپخانه

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به منظور تأمین آتش پشتیبانی عملیات، علاوه بر توپخانه ی لشکرها، گروه ۲۲ توپخانه و گروه ۲۳ توپخانه را هم تحت امر گرفت، ضمن این که سلاح های نیمه سنگین و ضد زره سپاه پاسداران نیز با برخورداری از استعداد بالا در عملیات شرکت داشتند.



با توجه به مشکلات و محدودیت هایی که در زمینه پدافند هوایی (به کارگیری سیستم هاگک) وجود داشت، پس از هماهنگی فرماندهی سپاه با ریاست محترم جمهوری، مقرر شد که به دستور ایشان موانع موجود مرتفع گردد.

### تک پشتیبانی

پس از اتمام عملیات فتح المبین و واگذاری مأموریت جدید در منطقه عملیات بیت المقدس به قرارگاه های قدس، فتح و نصر، به علت این که دشمن پس از عقب نشینی از منطقه فتح المبین همچنان با استقرار نیروهایی از لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی، ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ را که مشرف بر منطقه بود در اختیار داشت، قرارگاه فجر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استعداد دو تیپ مستقل، شامل تیپ های ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و ۳۳ المهدی (عج) و نیز دو گردان از نیروهای لشکر ۷۷ ارتش جمهوری اسلامی مأموریت یافت تا در منطقه مستقر شود.

به هنگام طرح ریزی عملیات بیت المقدس، به قرارگاه مستقر در منطقه عملیاتی فتح المبین مأموریت داده شد تا همزمان با عملیات بیت المقدس، برای انهدام دشمن و تصرف دو ارتفاع ۱۸۱ و ۱۸۲ و درگیر نگاهداشتن قوای دشمن و نیز ممانعت از جابه جایی و اعزام آنها به منطقه عملیاتی بیت المقدس، اقدام به تک نماید.

مانور عملیات پشتیبانی با استعداد ۷ گردان از سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروی زمینی ارتش طراحی شد. گردان های تلفیقی سپاه و ارتش می بایست با تهاجم به نیروهای دشمن از روبه رو، آنها را به خود مشغول نمایند تا نیروهای تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) پس از ۲۵ کیلومتر

پیاده روی، دشمن را دو زده و خود را به جاده آسفالت فکه - چنانه برسانند. از جنوب نیز نیروهای تیپ المهدی (عج) می بایست پس از ۲۵ کیلومتر راهپیمایی و عبور از مناطق رملی، دشمن را دور زده و خود را به جاده فکه - چنانه برسانند و ضمن الحاق با نیروهای تیپ ۱۷، به انهدام دشمن بپردازند.

### در آستانه عملیات بیت المقدس

به دنبال ۲۵ روز تلاش پیگیر و مداوم برای آماده سازی مقدمات عملیات بیت المقدس، سرانجام با آغاز اردیبهشت ۱۳۶۱، قرارگاه ها و یگان ها آخرین جلسات بررسی مانور عملیات را برگزار کردند. امکانات مورد نیاز عملیات از جمله پل، ماشین آلات مهندسی، تانک، نفربر و... نیز به تدریج با حجم تردد چشمگیری به منطقه سرازیر شد. دشمن که از مدت ها قبل، تهاجم رزمندگان اسلام برای آزادسازی خرمشهر را پیش بینی می کرد، به انتظار عملیات این مجاهدان جان برکف نشسته بود. التهاب و شور و نشاط زاید الوصفی سرپای وجود نیروهای رزمنده را فرا گرفته بود. به ویژه باقی مانده رزمندگانی که با تهاجم سبعانه دشمن به خرمشهر، به مقابله با آن برخاستند و طی ۳۵ روز نبرد و مقاومت مظلومانه، بسیاری از طرح های دشمن را به شکست کشاندند، اکنون در یگان های مأمور به نفوذ در خرمشهر سازمان دهی شده و در آرزوی ورود به خرمشهر، برای آغاز عملیات لحظه شماری می کردند.

آخرین جلسه بررسی طرح مانور عملیات در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۱ برگزار گردید. سپس فرمانده قرارگاه مرکزی کربلا برای بررسی «میزان آمادگی قرارگاه های تابعه» و رفع نواقص طرح مانور و مشکلات مربوطه و همچنین تعیین تاریخ و ساعت شروع عملیات، از قرارگاه های قدس،

فتح و نصر بازدید کرد و پس از شور و بررسی، تصمیمات نهایی را اتخاذ نمود.

شهید معینان مسئول اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، ۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات، در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۱ طی جلسه ای ضمن بررسی آخرین وضعیت دشمن، چنین اظهار داشت:

«در طول دو هفته، دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده از پایین آبگرفتگی (در شمال شرقی منطقه عملیات) تا شمال خرمشهر آرایش گرفته است (در غرب جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، در حد فاصل ایستگاه حمید تا خرمشهر).

فعالیت مهندسی دشمن در جنوب کرخه کور تا مواضعش در جنوب غرب اهواز، از جنوب آبگرفتگی تا شمال سیل بند خرمشهر در غرب کارون، چشمگیر بوده است. دشمن پادگان حمید را به کلی منهدم کرده است.»

شهید معینان در ادامه، به هوشیاری دشمن در مورد عملیات اشاره کرد و گفت:

«دشمن اطلاع پیدا کرده است که ما می خواهیم از رودخانه عبور کنیم و به همین خاطر سعی دارد کم کم به ساحل رودخانه بیاید و آن وقت است که می تواند همه چیز ما را زیر کنترل داشته باشد.»

برابر اطلاعات واصله، دشمن نسبت به عبور رزمندگان از کارون حساس شده و پیش بینی می کرد که منطقه عبور رزمندگان، روبه روی ایستگاه سلمانیه باشد (۱) این مسئله از جهت اجرای عملیات می توانست

ص: ۱۲۲

---

۱- ۷۸. یک خلبان عراقی که در این عملیات اسیر شده بود، در اظهارات خود گفت: «ما احتمال پل زدن شما در روبه روی سلمانیه را می دادیم، بدین خاطر آنجا بمباران شد.» ضمناً زرهی دشمن نیز عمدتاً روبه روی سلمانیه در غرب رودخانه کارون استقرار یافته بود.

از حساسیت ویژه ای برخوردار باشد.

فرماندهی قرارگاه کربلا پس از استماع اطلاعاتی که شهید معینان ارائه داد و با توجه به سایر شواهد و قرائن اعلام کرد که باید تا ۴۸ ساعت دیگر پل احداث و سر پل تصرف شود. طبعاً در صورت پیشروی دشمن و نزدیکی به ساحل رودخانه، از لحاظ دید و تیر و تسلطی که بر ساحل رودخانه به دست می آورد، عملیات تصرف سر پل با دشواری رو به رو می گردید و به عبارت دیگر از هم اکنون می بایست عملیات منتفی و یا شکست خورده فرض می شد. با توجه به وضعیت پیش آمده و پیش بینی بروز اوضاع اضطراری در صورت پیشروی دشمن، فرمانده قرارگاه بر حفظ آمادگی کامل برای آغاز عملیات در شب بعد و یا همان شب تأکید کرد.

قرارگاه مرکزی کربلا، در این جلسه ضمن ارزیابی دشمن و بررسی احتمالات، به مسائل مهم دیگری چون پشتیبانی قرارگاه های تابعه و افزایش آمادگی آنان پرداخت. در همین زمینه برای واگذاری و مأمور کردن هلی کوپتر به قرارگاه ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد و قرارگاه مرکزی برای رفع کمبود مهمات قرارگاه فتح، رأساً این مسئله را پیگیری و اقدام نمود.

اعلام آماده باش برای اقدام در صورت پیدایش وضعیت اضطراری نیز از نتایج دیگر این جلسه بود. قرارگاه مرکزی در اوج التهاب ناشی از حساسیت عملیات در آستانه شروع آن، از بررسی مسائل سیاسی غافل نبود. به همین جهت، اوضاع سیاسی منطقه و اوج گیری مسئله فلسطین مورد بحث قرار گرفت. جمع بندی اوضاع سیاسی منطقه و نیز تأیید متقابل حرکت رزمندگان اسلام بر مبارزات ضد اسرائیلی، قرارگاه را به این نتیجه رساند که نام «بیت المقدس» را برای عملیات برگزیند. انتخاب این نام و پیروزی محتمل رزمندگان اسلام، برای رژیم صهیونیستی به شدت

ص: ۱۲۳

شکننده و عکس العمل آنان کاملاً قابل پیش بینی بود (۱) اندیشه های اعتقادی و فرهنگی حاکم بر فرماندهان عملیاتی موجب شده بود تا سیزدهم ماه رجب، روز میلاد مولای متقیان علی علیه السلام، به عنوان روز شروع عملیات انتخاب شود. برای همین و متناسب با این تصمیم، رمز مقدس «یا علی بن ابی طالب (ع)» نیز برای عملیات انتخاب گردید. با نزدیکی زمان عملیات، بزرگانی چون آیت الله مشکینی و آیت الله شهید صدوقی وارد منطقه شده و در قرارگاه کربلا حضور یافتند.

بدین ترتیب، با به پایان رسیدن روز و فرار رسیدن تاریکی شب، لحظات آغاز عملیات بزرگ رزمندگان اسلام، که قطعاً پیروزی یا شکست آن تأثیرات شگرف و تعیین کننده ای بر سرنوشت جنگ، انقلاب و منطقه داشت (۲)، نزدیک شد.

ص: ۱۲۴

---

۱- ۷۹. برادر رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این باره اظهار داشت: «این احتمال وجود دارد که همزمان با عملیات بیت المقدس، اسرائیل به جنوب لبنان حمله نماید».

۲- ۸۰. فرمانده سپاه در واپسین لحظات باقی مانده، به خاطر پیدایش وضعیت ویژه و اضطراری اظهار داشت: «من امروز گفتم حالا که تصمیم قطعی شده است، ولی هنوز نسبت به دو چیز ابهام دارم. رفتن به سمت خرمشهر و پاتک دشمن به چه صورت خواهد بود. لذا استخاره کردم که چه می شود. در آیه، قصه حضرت موسی ذکر شده بود و انتهایش چنین بود: نترسید، ما شما را از قوم ظالمین نجات خواهیم داد».

نهم اردیبهشت ۱۳۶۱، شب از نیمه گذشته بود، نیروها از ساعت ها قبل در محورهای مختلف، پس از استقرار در مواضع مناسب از آمادگی لازم برای درگیر شدن با دشمن برخوردار بودند. شور و نشاط زاید الوصفی در قرارگاه کربلا حاکم بود. شهید صدوقی و آیت الله مشکینی نیز در کنار فرماندهان سپاه و ارتش حضور داشتند. در حالی که ساعت، گذشت ۱۵ دقیقه از نیمه شب را نشان می داد آیاتی از سوره مبارکه فتح تلاوت شد و سرانجام ۳۰ دقیقه پس از ساعت ۲۴ (۳۰:...)، فرمانده قرارگاه کربلا- با قرائت رمز عملیات فرمان آغاز یورش به دشمن را صادر کرد. نیروها که از ساعت ها قبل در انتظار فرمان حمله به سر می بردند، در تمام محورهای عملیات به دشمن حمله ور شدند و بدین ترتیب عملیات سرنوشت ساز رزمندگان اسلام شروع گردید.

هدایت عملیات به همراه طنین دعای ملکوتی توسل، معنویت خاصی را بر قرارگاه مرکزی حاکم کرده بود. شهید صدوقی و آیت الله مشکینی به طور جداگانه، پیام هایی را به وسیله بی سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت می کردند.

اولین خبر درگیری، از چهارمین محور قرارگاه فتح به قرارگاه کربلا رسید. تیپ ۲۵ کربلا (۱) در ساعت ۵۵ / ۰۰ دقیقه با مداد درگیر شده بود. در پی آن، به تدریج اخبار درگیری سایر یگان ها با دشمن به قرارگاه مرکزی

ص: ۱۲۵

---

۱- ۸۱. فتح ۴، شامل تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپ های ۳۷ زرهی و ۵۵ هوابرد از ارتش جمهوری اسلامی بود.

می رسید. تقریباً ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه یگان‌ها با دشمن درگیر شده بودند. تا قبل از آغاز عملیات، میزان هوشیاری دشمن مورد سؤال و ابهام بود. تنها یکی از بی سیم‌های دشمن، در ساعت ۲۱ فعالیت شدیدی را آغاز کرد، لیکن شبکه ارتباط بی سیمی دشمن همچنان عادی بود و دشمن هیچ گونه آماده باش فوق العاده‌ای اعلام نکرد. شواهد و قرائن حاکی از غافلگیری دشمن به ویژه در محور قرارگاه فتح بود. با پیشروی نیروهای قرارگاه فتح، دست یابی به جاده اهواز - خرمشهر به قدری سریع و غافلگیرانه صورت گرفت که بسیاری از خودروهای دشمن با اعلام ایست و توقف رزمندگان اسلام بلافاصله متوقف می شدند!

### گزارش قرارگاه‌های تابعه

یگان‌های تابعه قرارگاه قدس، در ۵ محور مختلف (قدس ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵) با دشمن درگیر شدند، اما هوشیاری دشمن در مورد سمت تک رزمندگان و همچنین استحکاماتی که دشمن ایجاد کرده بود، عملاً منجر به کندی و عدم هماهنگی در پیشروی یگان‌های قرارگاه قدس شد. در این بین تنها تیپ بیت المقدس (قدس ۵) و تیپ ۴۱ ثار الله (قدس ۴) موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه کور شدند. فقدان پوشش جناحین یگان‌های نامبرده، به علت عدم پیشروی یگان‌های مأمور در سایر محورها موجب گردید تا فشار سنگین و پر حجمی از دشمن متوجه سرپل شود.

یگان‌های قرارگاه فتح، ضمن درگیری با دشمن و انهدام قوایش در غرب کارون، خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساندند (۱) تنها معضل

ص: ۱۲۶

---

۱- ۸۲. شهید حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) درباره عملیات این لشکر (محور فتح ۱) و انهدام نیروهای دشمن در غرب رودخانه کارون گفت: «در خاکریز اول حدود ۸۰ نفر نیرو و ۳ تانک وجود داشت. به جز یک نفر، همه کشته شدند و خاکریز به تصرف نیروهای اسلام درآمد، احتیاط رده دوم آنها که قریب به ۲۰۰ نفر بودند در حال فرار و حین درگیری تماماً کشته شدند و صبح بچه‌ها به جاده رسیده و در آنجا پدافند کردند. در شرق جاده، دشمن یک خاکریز به ارتفاع ۳ متر احداث کرده بود که نیروها در پشت آن استقرار یافتند، ما تعداد ۶ توپ و ۱۳۰ را منهدم کرده و تعدادی هم به غنیمت گرفتیم.»

قرارگاه فتح، عدم الحاق با قرارگاه نصر بود. تیپ ۸ نجف اشرف در جناح چپ قرارگاه فتح، می بایست با تیپ ۷ ولی عصر (عج) در جناح راست قرارگاه نصر الحاق می کرد. عدم الحاق بین این دو قرارگاه موجب بروز نگرانی جدی در جبهه خودی شده بود.

یگان های قرارگاه نصر در ساعت مقرر با دشمن درگیر شدند. تیپ ۴۶ فجر (محور نصر ۲) و تیپ ۲۲ بدر (محور نصر ۵) می بایست از سمت شرق، خرمشهر را محاصره نموده و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) همراه با تیپ ۲۱ حمزه (محور نصر ۲) در غرب خرمشهر، از سمت نهر عرایض، محاصره را تکمیل می کرد تا در مرحله بعد تیپ های ۴۶ و ۲۲ بتوانند وارد خرمشهر شوند.

تأخیر در حرکت و پیشروی یگان های قرارگاه نصر و نیز وجود باتلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر (در شمال شرقی سیل بند احداث شده توسط عراقی ها) و همچنین تمرکز نیروهای دشمن (۱) در منطقه شمال خرمشهر موجب گردید که اهداف قرارگاه نصر تأمین نگردد و درگیری به روز کشیده شود.

نیروهای محور نصر ۱ شامل تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به همراه

ص: ۱۲۷

---

۱- ۸۳. تیپ ۸ مکانیزه دشمن در برابر تیپ ۷ ولی عصر (عج) و تیپ ۶ زرهی دشمن در مقابل تیپ ۲۷ آرایش گرفته بودند.



تیپ ۷ ولی عصر (عج)، تا ۳ بعد از ظهر در برابر دشمن مقاومت کردند ولی پس از آن به ناچار تا حدودی عقب نشینی کردند. نیروهای نصر ۲ شامل تیپ ۲ از لشکر ۲۱ و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) نیز علی رغم انهدام دشمن، در ۳ کیلومتری شرق جاده مستقر شدند.

همچنین بین دو تیپ ۲۲ و ۴۶ فاصله وجود داشت و این دو تیپ هنوز به اهدافشان نرسیده بودند. همچنین تیپ های ۴۶ و ۲۷ نیز موفق به الحاق نشده بودند و فشار سنگینی از دشمن روی تیپ ۲۷ وارد می شد. عدم الحاق بین یگان ها و فشار دشمن موجب گردید که کل منطقه متصرفه قرارگاه نصر در معرض تهدید قرار گیرد.

در پایان روز اول، وضعیت کلی عملیات بدین ترتیب بود که قرارگاه های نصر و فتح، سر پلی به مساحت ۸۰۰ کیلومتر مربع در غرب کارون تصرف کرده بودند و نیروهای قرارگاه قدس به غیر از دو محور، در بقیه محورها موفق به عبور از رودخانه کرخه کور نشدند. با این وصف، به علت این که یگان های خودی توانستند فراتر از محاسبات و برآوردهای دشمن از نیروی انسانی بسیاری در پای کار استفاده نمایند، در پی وارد کردن اولین ضربه تعادل دشمن بر هم خورد و پس از آن، دشمن در این عملیات نتوانست در برابر رزمندگان اسلام ابتکار عمل را به دست گیرد.

### عکس العمل دشمن

شواهد و قرائن موجود نشان می دهد که دشمن قبل از شروع عملیات در مورد تهاجم رزمندگان اسلام تا حدودی هوشیار شده بود، لیکن در زمینه «زمان» و «تاکتیک عملیات»، غافلگیر گردید. دشمن در بررسی های خود، تلاش اصلی عملیات رزمندگان را از محور شمالی (محور قرارگاه قدس) پیش بینی کرده بود. در محاسبات دشمن عبور از رودخانه کارون

به عنوان تک فرعی و تنها با نصب یک پل پیش بینی شده بود.

پس از مرحله اول عملیات، دشمن بلافاصله با درک جدیدی که از محورهای عملیات رزمندگان اسلام و اهداف آنها پیدا کرده بود، اقدام به پاتک نمود که به ترتیب قرارگاه های خودی به آن اشاره می شود:

در محور قرارگاه قدس، به خاطر حضور ناقص نیروهای خودی در منطقه سرپل، دشمن بلافاصله نیروهایش را سازمان دهی و اقدام به پاتک کرد. اولین پاتک سنگین دشمن از جنوب رودخانه کرخه در منطقه قیصریه شروع شد. تیپ های ۱۶ زرهی، ۴۹ پیاده و نیروهای لشکر ۵ مکانیزه به کمک یک گردان نیروی مخصوص در این پاتک شرکت داشتند. دشمن پس از ۴۸ ساعت فشار، سرانجام موفق به عقب راندن نیروها و اشغال مجدد منطقه شد.

در محور قرارگاه فتح، در حالی که نیروهای خودی در حاشیه جاده خرمشهر - اهواز استقرار داشتند، با آگاهی از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر، در این شکاف رخنه کرد و فشار زیادی به نیروهای خودی وارد نمود طوری که تیپ ۷ ولی عصر (عج) مجبور به عقب نشینی شد.

در محور قرارگاه نصر، از یک سو عدم پیشروی و نفوذ در مواضع دشمن (واقع در خرمشهر) و از سوی دیگر عدم الحاق بین یگان هایی که موفق به پیشروی شده بودند، موجب گردید تا دشمن تلاش خود را معطوف به فشار از طریق رخنه های موجود کند.

در ادامه درگیری، دشمن نیروهایش را در غرب جاده اهواز - خرمشهر و در نزدیکی مرز و حوالی شلمچه سازمان داد و باقی مانده نیروهای لشکر ۳ و تیپ ۲۶ زرهی را برای پاتک آماده کرد. علاوه بر آن از نیروی مخصوص و واحدهای تکاور نیز با توجه به حضور پر تراکم نیروهای پیاده خود، بهره

گرفت. تیپ ۱۹ پیاده نیز بعداً برای پاتک، به نیروهای دشمن ملحق شد. صدام به نیروهای آماده پاتک چنین پیام داد:

«کلیه نیروهایی که مواضع و استحکامات خود را از دست داده اند باید ظرف امروز وامشب دوباره از دشمن پس بگیرند، در غیر این صورت محاکمه انقلابی خواهند شد.»

تلاش دشمن در پاتک، معطوف به این امر بود که نیروهای خودی را از پشت جاده، عقب رانده و سپس منطقه سر پل را پاکسازی نماید. جاده تنها موضعی بود که نیروهای خودی می توانستند در پشت آن مستقر شده و با پاتک های دشمن مقابله نمایند و در صورت عقب نشینی، به علت فقدان هر گونه عارضه ی دیگر، به سختی قادر به مقاومت در برابر دشمن بودند.

دشمن با از دست دادن جاده، دچار تجزیه شده و علاوه بر تهدید عقبه لشکرهای ۵ و ۶ (که در منطقه قرارگاه قدس مستقر بودند)، نیروهای موجود خود در خرمشهر را نیز در معرض محاصره می دید. بنابراین، جنگ برای باز پس گیری منطقه سر پل و جاده اهواز - خرمشهر از سوی دشمن و حفظ و تأمین آن از سوی رزمندگان اسلام به معنای شکست یا پیروزی برای طرفین درگیر در صحنه نبرد محسوب می شد.

پاتک دشمن با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی (۱) برای تصرف جاده شروع شد. جنگ سختی در گرفت. رزمندگان اسلام که نه از نیروی زرهی کارآمد و نه از آتش پشتیبانی مناسب برخوردار بودند به نبرد با تانک ها پرداختند. در خلال این درگیری، تانک های عراقی توانستند خود را به جاده رسانده و بخشی از آن را تصرف کنند. استقرار تانک ها روی جاده می توانست به منزله سقوط تنها خط دفاعی رزمندگان اسلام محسوب شود و با فروپاشی

ص: ۱۳۰

---

۱-۸۴. دشمن در این فاصله، باقی مانده تیپ ۱۰ زرهی را از منطقه دزفول به این منطقه آورده بود.

سازمان یگان‌ها، عقب‌نشینی را بر آنها تحمیل کند که بدین ترتیب تمام منطقه آزاد شده‌ی غرب کارون با خطر مواجه می‌شد. اما استقرار دشمن روی جاده دوام نیاورد و مقاومت و مقابله جانانه قوای سلحشور اسلام ضمن درهم‌کوبیدن تانک‌های دشمن، پاتک اساسی او را نیز با شکست مواجه ساخت.

### دومین شب عملیات

نیروهای خودی به هنگام استقرار در شرق جاده اهواز - خرمشهر، از یک سو با فشارهای فزاینده دشمن که بعضاً با استفاده از رخنه‌های موجود در نقاط الحاق یگان‌ها صورت می‌گرفت، مواجه بودند و از سوی دیگر، عقبه نیروها به دلیل فاصله ۱۵ تا ۲۵ کیلومتری با رودخانه کارون و فقدان جاده تدارکاتی، به صورت مناسبی تأمین نشده بود، البته علی‌رغم چنین وضعیتی، رزمندگان اسلام با مجاهدت‌های بسیار و نثار خون، از مواضع متصرفه در سرپل حفاظت می‌کردند.

ادامه عملیات در شب دوم، طی جلسه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این زمینه دو نظریه وجود داشت، عده‌ای معتقد بودند که دشمن بنا به تجربه‌ای که از عملیات گذشته دارد، در شب دوم منتظر حمله است و لذا نیروهایش را عقب‌کشیده و صبح مجدداً به مواضع خود باز خواهد گشت. نظریه دیگر این است که رزمندگان در شب دوم استراحت کنند و صرفاً جهت تثبیت سرپل، رخنه‌های موجود را بپوشانند. سرانجام پس از بحث و بررسی‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، مقرر شد که در اولویت اول رخنه‌های موجود ترمیم شود. بر این اساس، به تیپ ۸ نجف اشرف (محور فتح ۱) و تیپ ۷ ولی عصر (محور نصر ۲) مأموریت داده شد تا با اجرای عملیات، رخنه‌ای که به طول ده کیلومتر در جاده

اهواز - خرمشهر (از کیلومتر ۸۵ تا ۹۵) به وجود آمده بود را ترمیم کنند. همچنین مقرر گردید که قرارگاه قدس نیز در شب دوم، برای رسیدن به اهداف مرحله اول عملیات اقدام کند.

در شب دوم با عملیاتی که صورت گرفت، در برخی محورهای رخنه‌های موجود ترمیم شد، لیکن تا ۴۸ ساعت بعد همچنان برخی از رخنه‌ها باقی بود تا اینکه سرانجام پس از ۵ روز، خط سرپل از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ جاده اهواز - خرمشهر تثبیت و کلیه رخنه‌ها ترمیم شد. عملیات قرارگاه قدس در شب دوم، قرین موفقیت نشد و سرانجام پس از ۴۸ ساعت مقاومت بر اثر فشارهای دشمن، نیروها به موضع پیشین بازگشتند.

## مرحله دوم عملیات

### اشاره

پس از آن که رخنه‌ای موجود در منطقه‌ی سرپل ترمیم و سرپل تأمین و تثبیت گردید، در قرارگاه مرکزی کربلا با حضور فرماندهان در مورد ادامه عملیات تبادل نظر صورت گرفت. در همین زمینه، سرهنگ صیاد شیرازی (فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی) در جمع فرماندهان چنین اظهار داشت:

«اهداف مأموریتی که من و برادر رضایی نشستیم و در مورد آن صحبت کردیم، عبارتند از:

انهدام قوای دشمن، بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی، متمایل شدن به طرف شلمچه برای محاصره کردن خرمشهر.»

برای محاصره و تصرف خرمشهر سه راه کار وجود داشت:

راه کار اول: عملیات از شرق جاده اهواز - خرمشهر: براساس بررسی‌های به عمل آمده و تجارب مرحله اول عملیات، استدلال شد که

ص: ۱۳۲

به خاطر وجود استحکامات زیاد دشمن و عدم توانایی کافی تیپ ۲۲ بدر برای عبور از زمین های باتلاقی منطقه، باید راه کار مناسبتری انتخاب گردد.

راه کار دوم: عملیات روی جاده اهواز - خرمشهر: آرایش دشمن به سمت شمال و تمرکز در معبر وصولی خرمشهر و نیز هوشیاری دشمن در مورد سمت تک، مانع از موفقیت در دست یابی به هدف از این طریق بود.

راه کار سوم: تک از غرب جاده اهواز، محاصره خرمشهر با دور زدن دشمن از نزدیک نهر عرایض و مسدود کردن عقبه دشمن.

پس از بررسی راه کارهای مختلف در مورد محاصره و تصرف خرمشهر، در زمینه هدف عملیات در مرحله دوم، دو نظر کلی وجود داشت:

الف - پیشروی به سمت مرز و دسترسی بیشتر به عقبه دشمن

ب - پیشروی به سمت خرمشهر از غرب جاده اهواز - خرمشهر

پس از بحث و بررسی های بسیاری که صورت گرفت، سرانجام نظر اول مورد تصویب قرار گرفت. زیرا علاوه بر پیش رو داشتن تجارب ناشی از توقف قرارگاه نصر در مرحله اول، دشمن تمرکز نیروی شدیدی در محدوده غرب جاده اهواز - خرمشهر و در منطقه عمومی شلمچه داشت. بنابراین، بدون انهدام دشمن در غرب جاده و تهدید بیشتر عقبه دشمن، تلاش برای ورود به خرمشهر بی نتیجه بود.

بدین ترتیب، مقرر شد که مرحله دوم عملیات با دو قرارگاه فتح و نصر انجام گیرد. در این مرحله قرارگاه قدس مأموریت داشت که با عملیات ایذایی نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد.

کانال آب در ۵ کیلومتری زیر جاده گرمدشت، که به صورت شرقی - غربی و در حدود کیلومتر ۶۴ قرار داشت، به عنوان خط حد قرارگاه فتح و

نصر تعیین شد و مقرر گردید که قرارگاه نصر با تیپ های ۷ ولی عصر (عج)، ۲۷ حضرت رسول (ص) و قرارگاه فتح با تیپ های ۸ نجف اشرف و ۱۴ امام حسین (ع) عملیات را آغاز کنند.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۶/۲/۱۳۶۱، با هدف رسیدن به مرز بین المللی و محاصره ی خرمشهر آغاز شد (۱). نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعت های اول عملیات به جاده مرزی رسیدند. نیروهای قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات به شدت تحت فشار دشمن قرار گرفتند. در ساعت ۳ بامداد، برخی از یگان ها رسیدن به مرز بین المللی را اعلام کردند. به هنگام پیشروی، نیروها ابتدا به خاکریز بزرگی که در حد فاصل جاده تا دژ مرزی وجود داشت رسیده و اعلام کردند به دژ مرزی رسیده اند، لیکن به آنها دستور پیشروی داده شد. در جناح راست منطقه عملیات، جاده ای قرار داشت که از ایستگاه حسینیه تا پاسگاه زید عراق امتداد می یافت. در طول شب عملیات نیز یک خاکریز در حاشیه جنوبی این جاده احداث شد و تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوآبرد در پشت آن آرایش گرفتند. با روشن شدن هوا درگیری همچنان ادامه یافت. تأخیر برخی از یگان ها در رسیدن به مرز و تأمین اهداف و نیز وجود رخنه دشمن موجب شد که با روشن شدن هوا، دشمن فشارهای موضعی را در برخی محورها به نیروهای خودی وارد نماید. در این بین، کانالی که خط حد قرارگاه های فتح و نصر را تشکیل می داد، موضع مناسبی برای مقابله با پاتک های

ص: ۱۳۴

---

۱- ۸۵. همزمان با مرحله دوم عملیات، قرارگاه فجر در محور فکه عملیات خود را روی ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ آغاز کرد و موفق شد که طی چند شب متوالی، یک گردان تانک دشمن را منهدم نموده و غنایمی بدست آورد و نیز ضمن کشتن و مجروح کردن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۸۰۰ نفر از آنان را به اسارت درآورد.

دشمن بود.

با شروع مرحله دوم عملیات، نیروهای دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر که از تأمین عقبه خود احساس نگرانی می کردند، اقدام به عقب نشینی نمودند. قوای عراقی در حین عقب نشینی به خاطر وجود دژ مرزی و خندق های متعدد دچار مشکل شده و تعدادی از تانک هایشان نیز به داخل خندق افتادند.

### عقب نشینی اساسی دشمن

دشمن با شروع مرحله اول عملیات اقدام به اعزام نیرو به منطقه و تقویت نیروهایش در شلمچه و خط مرزی کرد. ضمن این که همچنان از مشکلاتی چون کمبود نیروی پیاده، ضعف ارتباطات، کمبود مهمات، ضعف استحکامات در برخی محورها و... رنج می برد. دشمن ابتدا تلاش کرد با تهاجم، منطقه سر پل را باز پس گیرد و یا حداقل سازمان دهی نیروهای خودی را بر هم زده و علاوه بر ممانعت از اجرای مرحله دوم عملیات، مانع از تثبیت منطقه سر پل شود.

تاکتیک رزمندگان اسلام در عبور از رودخانه، دشمن را کاملاً غافلگیر کرده بود، به گونه ای که دشمن ابتکار عمل را از دست داده بود و از نظر روحیه در وضعیتی بحرانی به سر می برد. در چنین موقعیتی، با توجه به تحلیلی که از وضعیت کلی عملیات وجود داشت (۱) و تأکیدی که بر

ص: ۱۳۵

---

۱- ۸۶. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از انجام مرحله اول عملیات، با توجه به اطلاعات به دست آمده از دشمن اظهار داشت: «دشمن که رو به روی ما قرار دارد از ضعف های زیادی برخوردار است، کمبود مهمات در جبهه آنها به شدت دیده می شود، در ارتباطات ضعف دارند، استحکامات و اتصالات آنها دچار اشکال است. دشمن هیچ فکر نمی کرد که ما تا جاده بیابیم و حالا فشار می آورد که جاده را پس بگیرد.»



تداوم عملیات صورت می گرفت، مرحله دوم عملیات طرح ریزی شد و رزمندگان اسلام با موفقیت به مرزهای بین المللی رسیدند. دشمن به دنبال پیدایش وضعیت جدید در برابر سمت تک رزمندگان اسلام، در مورد تلاش و هدف اصلی آنان دچار ابهام بود، چرا که با تأمین اهداف مرحله دوم عملیات، دشمن از سه طرف احساس تهدید می کرد، بدین ترتیب که عقبه لشکرهای ۵ و ۶ در معرض تهدید جدی قرار داشت. عقبه کلیه نیروهایی که در خرمشهر استقرار داشتند، تهدید می شد، ضمن این که شهر بصره در حالی که هیچ گونه مواضع دفاعی مستحکم برای حفظ آن وجود نداشت، در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت.

فرماندهی دشمن از این پس مورد ادامه تلاش برای حفظ منطقه و بازپس گیری مناطق متصرفه دچار ابهام شد و بین دو امر یعنی «تلاش برای حفظ منطقه اشغالی و خرمشهر یا حفظ بصره» مردد مانده اگر دشمن تصمیم می گرفت منطقه اشغالی و خرمشهر را حفظ کند، با توجه به وضعیتی که داشت، علاوه بر انهدام نیروهایش بصره را نیز از دست می داد و اگر تصمیم به حفظ بصره می گرفت، می بایست سریعاً برای نجات نیروهای خود در مناطق اشغالی، اقدام می کرد.

پس از مرحله دوم عملیات، برتری رزمندگان اسلام نسبت به دشمن قطعی شد و ابتکار عمل به طور کامل در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. از این پس تصمیم گیری در جبهه خودی به آسانی صورت می گرفت و در جبهه دشمن با سختی و سردرگمی همراه بود. نیروهای ما به راحتی پیشروی می کردند و دشمن مردد و مرتب در حال عقب نشینی و فرار بود. علی رغم این وضعیت، دشمن قبل از تصمیم گیری قطعی از صبح ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۱، با توجه به این که در برخی محورها هنوز الحاق به طور کامل صورت نگرفته بود، پاتک شدید و سنگینی را آغاز کرد. و فشار

عراق از صبح تا ساعت ۵ بعد از ظهر به طول انجامید و دشمن در این پاتک توانست ۶ کیلومتر از مواضع متصرفه را باز پس بگیرد. در این موقعیت تلاش های دشمن تا اندازه ای مبهم به نظر می رسید، تا این که بنا به اخبار واصله از قرارگاه قدس نیروهای دشمن در مقابل این قرارگاه (شامل لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی) از ساعت ۱۲ نیمه شب تا ساعت ۶ بامداد اقدام به عقب نشینی کردند. تعجیل دشمن در عقب نشینی به گونه ای بود که برخی از نیروهایش به علت خواب بودن در هنگام عقب نشینی و نبودن فرصت کافی برای اطلاع دادن به آنها، به اسارت نیروهای خودی در آمدند. دشمن برای ممانعت از انهدام کامل نیروهایش به هنگام فرار، علاوه بر عقب نشینی شبانه، یک گردان را به عنوان تأمین در مقابل نیروهای خودی قرار داده بود.

نیروهای قرارگاه قدس، صبح ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، بلافاصله پس از اطلاع از عقب نشینی دشمن، اقدام به پیشروی و تعقیب عراقی ها کردند. با عقب نشینی دشمن در این محور، قسمت شمالی جاده اهواز - خرمشهر از تصرف دشمن آزاد شد. نیروهای قرارگاه قدس، پس از حضور در مناطق آزاد شده، بلافاصله بریدگی ایجاد شده در جاده اهواز - خرمشهر را ترمیم کردند که در پی آن، ارتباط بخش شمالی و بخش میانی منطقه عملیات برقرار شد و در حوالی ظهر قرارگاه های قدس و فتح به یکدیگر ملحق شدند. دشمن در روز ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، تا جفیر عقب نشینی کرد و با استقرار در ۲ کیلومتری پاسگاه شهابی در حد فاصل کوشک و طلائیه، به صورت پراکنده نیروی تأمین گذاشت.

برادر رحیم صفوی (مسئول معاونت عملیات قرارگاه کربلا) در مورد علل عقب نشینی دشمن، طی مصاحبه ای در تاریخ ۲۴ / ۳ / ۱۳۶۱،

ص: ۱۳۷

اظهار داشت:

« ۱ - ما با یک خیز به جاده خرمشهر - اهواز رسیدیم و با خیز دوم به مرز، لذا دشمن پیش بینی می کرد که با خیز سوم، عقبه اش بسته خواهد شد، بدین علت برای نجات نیروهایش عقب نشینی کرد.

۲ - دشمن، جهت تک ما را به سمت بصره مشاهده می کرد، لذا حضور نیروهایش در شمال و جنوب منطقه، فلسفه حضورش را از دست داد و به این خاطر نیروهایش را برای پدافند بصره عقب کشید.»

از این پس، مقاومت نیروهای دشمن در خرمشهر که در محاصره نیروهای خودی قرار داشتند، بی حاصل بود.

### نتایج مرحله دوم عملیات

۱ - رسیدن به مرز بین المللی و پایان دادن به ماه ها اشغال خاک مقدس جمهوری اسلامی

۲ - تشدید محاصره خرمشهر و وادار نمودن دشمن به تخلیه تدریجی نیروهایش از داخل خرمشهر

۳ - عقب نشینی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن از هویزه، پادگان حمید و حومه اهواز

۴ - آزاد شدن جاده اهواز - خرمشهر

۵ - حل شدن بخشی از مشکلات عقبه نیروهای خودی که متکی به رودخانه کارون بودند، با بهره برداری از جاده اهواز - خرمشهر.

طی مرحله اول و دوم عملیات، مجموعاً نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی آزاد شد و علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۹۰۷۵ نفر نیز به اسارت درآمدند.

ص: ۱۳۸

با پیدایش اوضاع جدید و آگاهی از اضمحلال دشمن، بلافاصله جلسه فرماندهان در قرارگاه مرکزی کربلا تشکیل شد تا علاوه بر تجزیه و تحلیل و بررسی علل عقب نشینی دشمن و موقعیت جدید، در مورد ادامه عملیات نیز تدابیر لازم اتخاذ گردد.

در این جلسه شهید حسن باقری فرمانده قرارگاه نصر سپاه پاسداران، با توجه به اطلاعات دریافت شده، خبر تخلیه خرمشهر از نیروهای دشمن را ارائه داد. برادر رشید فرمانده قرارگاه فتح سپاه پاسداران نیز نتیجه گیری کرد که تمام تلاش های دشمن در روز گذشته برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت شلمچه متمرکز شده بود. بر این اساس، با توجه به اوضاع جدید و خبرهای واصله از فرار و عقب نشینی دشمن (۱) تصمیم گرفته شد که در اجرای مرحله سوم عملیات تسریع شود. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چنین تحلیل کرد که دشمن، این عقب نشینی را به قصد انجام تبلیغات سیاسی مرتکب شده و باید هر چه سریع تر مرحله سوم عملیات انجام شود.

نیروهای دشمن پس از عقب نشینی و فرار، در شلمچه مستقر شدند تا علاوه بر حفظ عقبه نیروهای مستقر در خرمشهر از معبر وصولی بصره نیز دفاع نمایند، لذا ضمن تمرکز شدید، آرایشی جدید به خود گرفتند.

مرحله سوم عملیات، با هدف آزادسازی خرمشهر و با دو قرارگاه فتح و نصر به شکل زیر طرح ریزی و سازمان دهی شد:

ص: ۱۳۹

قرارگاه فتح: به تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف مأموریت داده شد ضمن پاکسازی دشمن در داخل خاک عراق تا عمق ۶ کیلومتری مرز بین المللی، نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

قرارگاه نصر: به تیپ های ۴۶ فجر و ۲۲ بدر مأموریت داده شد که از جاده خرمشهر تا رودخانه عریض را پاکسازی و نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوآبرد از کنترل عملیاتی قرارگاه فتح خارج شدند و تحت امر قرارگاه نصر قرار گرفتند تا به اتفاق هم، جاده آسفالت شلمچه را تأمین نمایند.

تیپ های ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۱ عاشورا و لشکر ۲۱ حمزه (س) مأموریت یافتند تا ضمن پاکسازی غرب مرز بین المللی، از سمت چپ قرارگاه فتح به سمت شلمچه در جنوب پیشروی نمایند.

قرارگاه قدس هم مأموریت یافت به پیشروی خود ادامه داده و تا پشت مرز بین المللی (کوشک - طلائی) دشمن را عقب بزند. مرحله سوم عملیات در حالی که طرح ریزی می شد که رزمندگان اسلام پس از چند مرحله پیشروی و جنگ شبانه روزی با دشمن در خستگی مفرطی به سر می بردند، لیکن اوضاع جدید و ضرورت های گوناگون ایجاب می کرد که مرحله سوم عملیات به سرعت طرح ریزی و اجرا شود.

مرحله سوم عملیات در ساعت ۲۲ مورخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، آغاز شد. برابر طرح عملیات، یگان ها در محورهای مختلف با دشمن درگیر شدند، لیکن حضور پر حجم دشمن در منطقه شلمچه از یک سو و خستگی شدید رزمندگان اسلام از سوی دیگر، مانع از پیشروی در این منطقه بود. مجدداً در تاریخ ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱، رزمندگان اسلام برای آزادی خرمشهر به

دشمن حمله ور شدند، اما نتایج مطلوب حاصل نشد. در عین حال نیروها پس از پیشروی، در ۳ کیلومتری شلمچه استقرار یافتند.

### عکس العمل دشمن

دشمن پس از مرحله سوم عملیات در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، به پاسگاه شهابی (۱) - که شب قبل از آن به تصرف نیروهای خودی در آمده بود - حمله کرد. به نظر می رسد که دشمن قصد دارد که مانع جاگیر شدن رزمندگان در منطقه شمالی و گسترش آنها به سمت جنوب بشود. در هر صورت بلافاصله در شب بعد، رزمندگان اسلام طی حمله ای به دشمن، مجدداً پاسگاه شهابی را به تصرف خود درآوردند.

### نتایج مرحله سوم عملیات

در این مرحله از عملیات، علاوه بر خستگی نیروها، تعجیل در عملیات نیز موجب ناقص ماندن شناسایی های لازم و به روز کشیده شدن درگیری ها شد. این عملیات در عین حال دو نتیجه مهم داشت:

۱ - انهدام دشمن: در محورهای مختلف بخشی از نیروهای دشمن که متعاقب تهاجم پی در پی رزمندگان اسلام دچار ضعف شدید روحی و جسمی شده بودند، از ادامه مقاومت بازمانده و منهدم شدند. شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در این باره گفت:

«ما نیروی مقابل خود را، بنا به گفته خود اسرا، در حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد

ص: ۱۴۱

---

۱- ۸۸. با توجه به این که قرار بود شورای همکاری کشورهای خلیج فارس یک روز بعد، یعنی در ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱، تشکیل جلسه دهند، به نظر می رسد که تلاش های دشمن در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، با مسئله سیاسی فوق مرتبط بوده است.

منهدم کرده و در حدود ۱۰۰ تانک و نفر بر دشمن را از بین بردیم.»

۲- پی بردن به نحوه آرایش دشمن: طی مرحله سوم عملیات، تیپ ۳۱ عاشورا همراه با تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه (س) که به صورت ادغامی عمل می کردند، موفق شدند ضمن پیشروی به سمت جنوب، در پشت سیل بند شمال خرمشهر پدافند نمایند. علی رغم این که زمین در این منطقه باتلاقی و پیشروی و پشتیبانی نیروها با مشکلاتی همراه بود، نیروهای دشمن هیچ گونه عکس العملی برای عقب راندن نیروهای خودی نشان ندادند. بدین سبب، این تجربه حاصل شده در مرحله سوم عملیات، در طرح ریزی آزادسازی خرمشهر مؤثر واقع شد.

### مرحله چهارم عملیات

بلافاصله پس از مرحله سوم عملیات و در پی تلاش هایی که برای دست یابی به جاده شلمچه صورت گرفت، فرصت لازم در اختیار یگان ها گذارده شد تا به بازسازی و تجدید سازمان نیروهای خود پردازد. در این حال، قرارگاه فجر همراه با تیپ های ۳۳ المهدی و امام سجاد (ع) و تیپ ۳ از لشکر ۷۷ وارد منطقه شدند.

طی این مدت، جلساتی برگزار گردید که در بخشی از آن به بررسی مشکلات و تصمیم گیری برای آینده پرداخته شد. تجارب به دست آمده حکایت از آن می کرد که سازمان رزم سپاه پاسداران می بایست به منظور گسترش ظرفیت جذب و به کارگیری نیروهای بسیجی گسترش یابد. همچنین لازمه عمق بخشیدن به عملیات برخورداری از پشتیبانی آتش توپخانه و به کارگیری نیروی زرهی بود، چرا که تداوم درگیری و پیش بینی چندین مرحله عملیات، صرفا با اتکا به نیروی پیاده عملی نبود و با مشکلات عدیده ای رو به رو می گردید. همچنین آموزش کادر برای

ص: ۱۴۲

جایگزینی افرادی از فرماندهان و دیگر نیروهای کادر که به شهادت نایل شده بودند و نیز جبران ضعف های موجود در امر مهندسی، آتش، زرهی، بهداری، شناسایی و غیره، طی همین جلسات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخش دیگری از این نشست ها، طرح مانور مرحله چهارم عملیات و تلاش های دشمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این جلسات افراد غالباً بر این نظر بودند که مقاومت دشمن در خرمشهر اساساً بدین منظور صورت می گیرد که بتواند زمان لازم را برای تخلیه نیروهایش به دست آورد. ضمن این که مواضع دفاع در برابر بصره و حفظ جاده شلمچه، به عنوان عقبه نیروهای دشمن در خرمشهر و معبر وصولی بصره، بخش دیگری از تلاش های دشمن را تشکیل می داد. بر این اساس و با در نظر گرفتن سایر شرایط و عوامل، مرحله چهارم عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر، با سه قرارگاه به شرح زیر طراحی شد:

- قرارگاه فتح، با تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف، در جناح چپ منطقه عملیات مأمور تأمین و پاکسازی شرق و غرب جاده آسفالته اهواز - خرمشهر و ورود به شهر خرمشهر و پاکسازی آن شد.

- قرارگاه فجر، با تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان و تیپ های امام سجاد (ع) و ۳۳ المهدی (ع) در بخش میانی منطقه عملیات، مأمور تأمین و پدافند غرب نهر عرایض، جلوگیری از فرار نیروهای دشمن از خرمشهر و تأمین پل نو شد.

- قرارگاه نصر، با دو تیپ ادغام شده ی ارتش و سپاه تحت عنوان نصر ۲ و نصر ۳، در جناح راست منطقه عملیات، مأمور پاکسازی خاکریزهای شمال جاده آسفالته خرمشهر - شلمچه و تأمین مرز تا جاده و در صورت موفقیت، تأمین نهر خین -



اروند رود و قطع کامل راه ورودی دشمن در شلمچه شد.

مرحله چهارم عملیات، با هدف محاصره و آزادسازی خرمشهر در ساعت ۲۲:۲۵ مورخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، آغاز شد. یگان های قرارگاه فتح پس از درگیری با دشمن و پیشروی موفق شدند که با روشن شدن هوا در پلیس راه خرمشهر، دشمن را منهدم نمایند. همچنین نیروهای قرارگاه فجر با عملیات خود توانستند پل نو را تصرف کنند و به سمت شط العرب (۱) پیشروی نمایند. نیروهای قرارگاه نصر نیز در امتداد مرز پیشروی کردند و با پاکسازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب به حرکت درآمدند. بدین ترتیب، محاصره خرمشهر کامل شد، اما همچنان نیروهای دشمن در داخل شهر مقاومت می کردند. یکی از سندهای به دست آمده از سنگرهای دشمن در خرمشهر، بیانگر اهمیت این شهر برای دشمن و علت مقاومت آنان است:

«دفاع از محمره (خرمشهر) نگهبانی از پیروزی است، دفاع از محمره، شرافت آزادگان عراقی را به همراه خواهد داشت، دفاع از محمره، نابودی دشمن فارسی را تضمین می کند.»

دستور اکید فرماندهی قوای عراقی برای مقاومت در خرمشهر و وعده های فرمانده نیروهای دشمن در این شهر (سرهنگ احمد زیدان) مبنی بر ارسال کمک و پشتیبانی و همچنین تشویق آنها به مقاومت - که از طریق شنود رادیویی شنیده می شد - نقش زیادی در ایستادگی نیروهای عراقی داشت. در این وضعیت، دشمن نیروهایش را از مثلث کارون - جاده خرمشهر فراخوانی کرد تا پس از سازماندهی آنها اقدام به شکستن

ص: ۱۴۴

محاصره خرمشهر کند، لیکن ضعف روحی قوای دشمن بیش از آن بود که بتوانند به پاتک و شکستن محاصره اقدام نمایند.

روز ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، حلقه محاصره خرمشهر تنگ تر شد و بخشی از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. دشمن ناامید از شکستن محاصره، مذبوحانه برای نجات نیروهایش تلاش می کرد. در این حال، احمد زیدان فرمانده نیروهای مستقر در خرمشهر، روی مین رفت و کشته شد. برخی از نیروهای دشمن با استفاده از هر وسیله ممکن نظیر (تیوپ چرخ ماشین و کلمن آب)، برای عبور از رودخانه اروند تلاش می کردند (۱). برخی از آنها نیز در میان آب غرق شده و به هلاکت رسیدند، برخی دیگر نیز همچنان در انتظار بودند. طولی نکشید که صدای رزمندگان اسلام از بلندگوها پخش شد و باقی مانده نیروهای دشمن - که از هر گونه ارسال کمک و یا عبور از رودخانه اروند نا امید شده بودند - را دعوت به تسلیم کرد. به دنبال آن، از حدود ساعت ۱۰ صبح ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ از گوشه و کنار شهر، عراقی ها در حالی که دست ها را بر سر نهاده بودند و برخی هم قرآن و عکس امام خمینی را در دست داشتند و الموت لصدام می گفتند، فوج فوج خود را تسلیم کردند.

رزمندگان اسلام در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ (۲)، بر خلاف تصور دشمن که

ص: ۱۴۵

۱- ۹۰. انبوه کلاه ها و پوتین ها به طرز حیرت آوری در بندر خرمشهر و کنار رودخانه اروند روی زمین ریخته بود و از فرار سربازان عراقی از رودخانه اروند حکایت می کرد.

۲- ۹۱. شایان ذکر است با تصمیم فرمانده عملیات، رزمندگان از ساعت ۱۳ روز ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ وارد خرمشهر شدند و (تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سمت پل نو و رزمندگان یگان خرمشهر از طرف آبادان) پاکسازی شهر را شروع کردند ساعت ۱۶:۴۵ هلی کوپتر دشمن - که برای یاری نیروهای باقی مانده ی عراقی بر فراز شهر پرواز می کرد - هدف گلوله رزمندگان قرار گرفت و سقوط کرد. با سرنگونی هلی کوپتر عراقی باقی مانده ی نیروهای دشمن در خرمشهر که عمدتاً بعضی بودند، خود را تسلیم کردند. سایر یگان ها نیز قبل از تاریکی شب وارد - خرمشهر شدند و بدین ترتیب تا شامگاه سوم خرداد خرمشهر به طور کامل از وجود اشغالگران پاکسازی شد.

از دروازه های شرقی و شمالی و جنوبی در کمین بود، از دروازه های غربی (از همان جایی که دشمن وارد خرمشهر شده بود)، شهر را آزاد و نیروهای دشمن را منهدم کردند و بسیاری از آنان را به اسارت در آوردند. بدین ترتیب، خرمشهر که پس از ۳۴ روز مقاومت در برابر دشمن سقوط کرده بود، بعد از ۵۷۵ روز اشغال، ظرف کمتر از ۴۸ ساعت آزادی و به طور کامل از لوٹ وجود اشغالگران پاکسازی شد. رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزادسازی شهر، نماز شکر (۱) را در مسجد جامع خرمشهر به جای آوردند.

اعلام خبر آزادسازی خرمشهر در ساعت ۱۴ از صدای جمهوری اسلامی ایران، امت حزب الله را که مدت ها در آرزوی چنین لحظه ای بودند، مسرور ساخت. شهرهای کشور غرق در شادی و سرور شدند. حضور مردم در خیابان ها، پخش شیرینی و برقراری جشن و شادی به قدری وسیع بود که تنها با شادی مردم در روز فرار شاه قابل مقایسه بود.

ص: ۱۴۶

---

۱- ۹۲. این عکس العمل رزمندگان دلیر اسلام ناشی از همان صبغه الهی است که بر تمام زوایای روح و جان آن پاکبختگان حاکم بود و سراسر حیات شرافتمند آنها را به جلوه های خلوص و عرفان منور می نمود. مصداق اعلای این خضوع و خلوص در برابر خالق متعال را می توان در رفتار حضرت امام خمینی آنگاه که خبر سقوط خرمشهر در آغاز تهاجم رژیم بعثی به ایشان رسید و آن بزرگوار که آماده برای اقامه نماز و در آستانه تکبیره الاحرام بودند، فرمود: «جنگ است دیگر» و ادامه دادند «الله اکبر» به نظاره نشست و نیز زمانی که در آستانه آزادسازی خرمشهر به دست رزمندگان اسلام یکی از فرماندهان به محضر ایشان رفته بود، امام فرموده بودند: «آیا خرمشهر را می توانید بگیرید؟» پاسخ داده شده بود: «بله»، امام فرموده بودند: «الحمد لله» سپس دعا کرده و فرموده بودند: «ما باید به خدا توکل کنیم». آری «الله اکبر و الحمد لله»، این است تمام حقیقت و مقصدی که همه انبیا و اولیای الهی به دنبال آن می شتافتند و سر از پا نمی شناختند.

در پایان آن روز، امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب، به یمن پیروزی رزمندگان اسلام و غلبه حق بر باطل، بر پشت بام ها ندای الله اکبر سر دادند.

## نتایج و دستاوردهای عملیات

فتح خرمشهر به منزله بزرگترین پیروزی نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ تلقی شده و در مقابل دشمن و حامیانش (آمریکا، شوری، اروپا و کشورهای مرتجع عرب) نیز بزرگترین ضربه سیاسی - نظامی را متحمل شدند. واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، خسارات وارد به یگان های دشمن و میزان آن را به شرح زیر اعلام کرد:

الف) لشکرها

- لشکرهای ۳ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده که در محور خرمشهر استقرار داشتند، به میزان ۸۰٪ منهدم شدند.

- لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی که در برابر قرارگاه قدس، در محور شمالی عملیات استقرار داشتند، با فرار و عقب نشینی به میزان ۲۰٪ آسیب دیدند.

- لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی، هر یک به میزان ۵۰٪، لشکر ۷ پیاده ۴۰٪ و لشکر ۱۲ زرهی به میزان ۲۰٪ منهدم شدند.

در واقع کلیه یگان های سازمانی دشمن که در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی نقش داشته و طی عملیات های مختلف دچار صدمات قابل توجهی گردیده و مجدداً بازسازی شده بودند، در عملیات فتح خرمشهر برای چندمین بار در معرض تهاجم رزمندگان اسلام قرار گرفته و دچار صدمات و خسارات اساسی شدند.

ص: ۱۴۷

ب) تیپ های مستقل:

- تیپ ۱۰ زرهی به میزان ۴۰٪ منهدم و تیپ های ۳۳،۳۲،۳۱ نیروی مخصوص که به هنگام تهاجم سراسری نقش اصلی را در اشغال خرمشهر داشتند، ضربات سنگینی را متحمل شدند.

- تیپ های ۱۰،۹ و ۲۰ گارد مرزی و همچنین تیپ های ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده ۱۰۰٪ منهدم شده و نیروهای آنها همگی به اسارت درآمدند.

- تیپ های ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به میزان ۱۰۰٪، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰٪ و تیپ های ۴۱۹،۴۱۶،۶۰۲،۶۰۱ پیاده به میزان ۵۰٪ منهدم شدند. همچنین گردان شناسایی حطین و گردان شناسایی حنین نیز به طور کامل متلاشی شدند.

در مجموع طی چهار مرحله عملیات بیت المقدس، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

ص: ۱۴۸

عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، در روند سلسله عملیات رزمندگان اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیت هایی را که در مورد توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی و عراق وجود داشت، تغییر داد.

بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیل گران رسانه های خارجی، همانند نیروهای عراقی، در برابر «سرعت عمل» و «ویژگی های عملیاتی» رزمندگان اسلام به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت زده شدند. معضل اصلی اینان علاوه بر عدم باور به توانایی های رزمندگان اسلام، بیشتر ناشی از کراهت باطنی آنها از پذیرش موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران بود که با فتح خرمشهر و نتایج ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حاصل می شد. چنانکه در پی شروع عملیات بیت المقدس، همگی، پیشروی رزمندگان اسلام و درهم شکستن استحکامات را همراه با تردید و ناباوری مطرح

می کردند. رادیو مونت کارلو، باز پس گیری خرمشهر را به سبب موانع بسیاری که عراقی ها به وجود آورده اند، برای ایران غیر ممکن قلمداد نمود (۱). رادیو بی بی سی ضمن تأکید بر دشواری باز پس گیری خرمشهر به خاطر تبدیل شهر به صورت سنگر دفاعی مستحکم توسط عراقی ها، می گوید:

«چنانچه ایرانیان در صدد باز پس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت ترین «گردو» را برای شکستن برگزیده اند.»

با آغاز عملیات بیت المقدس، تایمز مالی نوشت:

«خرمشهر کلید پیروزی جنگ است، این شهر تنها نشانه واقعی پیروزی عراق و مظهر مقاومت سرسختانه ایران به شمار می رود.» (۲).

روزنامه الشعب چاپ الجزایر نیز، ضمن تأکید بر روند رو به گسترش پیروزی های نظامی ایران، از آن به عنوان نقطه عطفی یاد می کند که «تعیین کننده آینده رژیم عراق» خواهد بود. (۳).

روزنامه دویچه سائتونگ چاپ آلمان نیز به نقل از «کارل بوچالا»، خبرنگار خود، با اشاره به تبعات فتح خرمشهر می نویسد:

«خطر پیروزی ایران و در نتیجه در هم ریختن عراق، نظام های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد تهدید می کند و احتمال مداخله ابر قدرت ها را نیز به دنبال دارد.» (۴).

نظر به اهمیت نتایج و تبعات فتح خرمشهر، به ویژه انعکاس و بازتاب آن در رسانه های خارجی، در این فصل بخشی از بازتاب های خارجی فتح خرمشهر، در سه عنوان زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

- تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران

تغییر ماهیت جنگ

- نگرانی ها و اقدامات آمریکا در منطقه

ص: ۱۵۰

---

۱- ۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۹۴. پیشین.

۳- ۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

به دنبال سلسله عملیات رزمندگان اسلام و کسب پیروزی های بزرگ، از جمله فتح خرمشهر، تغییر توازن سیاسی - نظامی در جنگ و منطقه خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی، مهمترین و برجسته ترین نتیجه ای بود که به دست آمد و بلافاصله علاوه بر بروز آثار آن در اظهارات مقامات رسمی کشورهای منطقه، آمریکا و اروپا، در رسانه های خارجی از سوی کارشناسان و تحلیل گران سیاسی - نظامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

گرچه با پیروزی انقلاب اسلامی و بر هم خوردن توازن در منطقه به زیان آمریکا، تحولات برجسته ای در منطقه به وقوع پیوست و تحمیل جنگ براساس این فرض طراحی و اجرا شد تا با مهار و تعدیل جمهوری اسلامی مجددا توازن در منطقه به سود آمریکا برقرار شود، لیکن «فتح خرمشهر» که در نظر استکبار جهانی و وابستگان آن به منزله سقوط رژیم عراق و فروپاشی کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار می گرفت (۱)، در واقع خط بطلانی بر نقشه های استکبار و ارتجاع کشید. در این مورد کیسینجر و تئوریسین های سیاسی آمریکا می گویند:

«اگر عراق جنگ را برده بود امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه، به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، دچار مخاطره

ص: ۱۵۱

---

۱- ۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از مجله استرالیایی بولیتن در تاریخ ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱ در این زمینه نوشت: «قوت گرفتن این اعتقاد که ایران توانسته است جریان جنگ را به نفع خود تغییر دهد برای آمریکا و شوروی و همسایگان عرب ایران تحول شومی است، دولت های عرب خلیج فارس نیز نگرانند که ایران با پیشروی به سوی عراق، با اعتماد به نفس بیشتری در تدارک سرنگونی آنها برخواهد آمد.



نمی شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش بس برقرار کرده و به تدریج به رژیم سازشکاری که در آینده احیانا جایگزین رژیم ایران می شود، نزدیک شویم.» (۱).

به نظر می رسد که به دنبال برتری موقعیت ایران پس از فتح خرمشهر، در میان آمریکایی ها دو دیدگاه کلی در مورد برخورد با ایران و عراق و مسئله جنگ وجود داشت:

۱ - کیسینجر و برخی دیگر بر این نظر بودند که با توجه به تبعات ناشی از پیروزی های ایران و تأثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوما می باید با دادن امتیاز به ایران، «هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم». این دیدگاه ناظر بر این بود که در موقعیت کنونی برای مهار و کنترل اوضاع، علاوه بر این که برقراری آتش بس یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است، در عین حال می تواند مقدمات تقویت جناح سازشکار در داخل ایران که تحت الشعاع تحولات جنگ، فاقد قدرت و منزوی شده است را فراهم کند.

۲ - برخی دیگر از صاحب نظران آمریکایی عقیده داشتند در حالی که ایران نسبت به عراق در موضع برتری قرار گرفته و نوعی اضطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هر گونه آتش بس همراه با دادن امتیاز به ایران منجر به تشدید بی ثباتی در منطقه و عراق و به عبارتی گسترش انقلاب اسلامی خواهد شد و این مسئله چنان که ژنرال هیگ (وزیر خارجه وقت آمریکا) اظهار می دارد، مسئله ای نیست که آمریکا نسبت به آن بی تفاوت باشد:

«آمریکا در برابر هر گونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از

ص: ۱۵۲

جنگ ایران و عراق باشد، بی تفاوت نخواهد بود.» (۱).

یک دیپلمات آمریکایی نیز ضمن اشاره به سیاست آمریکا مبنی بر مقابله با گسترش انقلاب اسلامی و تأثیرات پیروزی های ایران و عواقب سقوط رژیم عراق می گوید:

«تغییر رژیم عراق به یک کشور انقلابی از نوع ایران، دارای عواقبی به مراتب وخیم تر از حفظ رژیم کنونی عراق برای منافع غرب است... ما می خواهیم که جلوی صدور انقلاب آیت الله خمینی به کشورهای منطقه مثل شیخ نشین های خلیج فارس و پادشاهی سعودی را بگیریم.» (۲).

خبرگزاری رویتر نیز با اشاره به این که اگر ایران بتواند رژیم جدیدی را جایگزین رژیم بعث عراق نماید، چه عواقب و نتایج خواهد داشت، می گوید:

«ایران اگر بتواند تأسیس رژیمی همچون ایران را در عراق تسریع و تسهیل نماید، آن وقت در موضع حتی قوی تر از موضع فعلیش قرار خواهد گرفت تا جریان آینده و حوادث منطقه را دیکته کند.» (۳).

بنابراین احتمال «فروپاشی رژیم عراق» و تبعات ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس، چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که جلوگیری از آن، محور همه تلاش ها و اقدامات نظامی و دیپلماتیک کشورهای حامی عراق قرار گرفت. (۴).

ص: ۱۵۳

---

۱- ۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمان، به نقل از روزنامه مصری الازهرام.

۲- ۱۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳- ۱۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱ به نقل از روزنامه واشنگتن پست گزارش داد: «مقامات آمریکایی، از این که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (عملیات فتح المبین در فروردین ۶۱) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است. بر طبق محاسبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر (عملیات بیت المقدس) قاطع ترین آنهاست.».

با توجه به این که ابتکار عمل در صحنه نبرد در اختیار رزمندگان اسلام قرار داشت و عراق نیز تحت تأثیر نتایج ناشی از حملات پیروزمندانه ایران در یک روند نزولی در فرسایش و اضمحلال روحی و فیزیکی قرار گرفته بود، تداوم عملیات، مطلوب عراق و حامیان این کشور به ویژه آمریکا نبود.

عکس العمل کشورها در برابر پیروزی رزمندگان اسلام، علاوه بر این که نشان دهنده ی غافلگیری آنها و همچنین عدم درک روشن آنها از ناتوانی عراق بود، بر این مهم نیز دلالت داشت که طی مراحل مختلف جنگ و عملیات، قابلیت ها و توانایی های غیر منتظره ای از رزمندگان اسلام بروز کرده است و این چیزی نبود (۱) که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

رسانه های خارجی و تحلیل گران سیاسی و نظامی در این زمینه به چند عامل اساسی اشاره کرده و برتری سیاسی - نظامی ایران را با تکیه بر این عوامل مورد تأکید قرار دادند:

۱ - خاستگاه اجتماعی رزمندگان اسلام و تعهد و اعتقاد آنها به آرمان های انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی که نجات محرومین و مستضعفین را سرلوحه اهداف خود قرار داده بود.

۲ - روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام و تأثیرات آن در کسب

ص: ۱۵۴

---

۱-۱۰۳. رادیو آمریکا به نقل از یک کارشناس و تحلیل گر نظامی در خاورمیانه که طی تحلیلی در روزنامه نیروهای مسلح آمریکا توان نظامی جمهوری اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، می گویند: «با توجه به مشکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروی هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرده.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ویژه، ۸/۳/۱۳۶۱).

پیروزی و غلبه بر مشکلات و موانع.

۳ - برخورداری ایران از اراده مصمم و عزم راسخ برای جنگیدن.

۴ - افزایش هماهنگی و همکاری بین نیروهای سپاه و ارتش و کسب تجربه و تخصص نظامی.

۵ - برتری استراتژیکی و تاکتیکی ایران بر عراق.

۶ - احیای مجدد توان نظامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رو به ضعف نهاده بود و تأثیرات پیروزی های نظامی بر تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه.

### شکست سیاسی و نظامی عراق

نابسامانی و بی ثباتی در داخل ایران و تسلط عراق بر مناطق اشغالی و در مقابل فقدان انسجام و یکپارچگی در نیروهای نظامی ایران، از جمله شاخص هایی بود که محافل سیاسی - نظامی جهان مبتنی بر آن سازش و تسلیم جمهوری اسلامی را در برابر شرایط عراق امری مسجل و قطعی می پنداشتند و پیش بینی تحول در روند موجود و رهایی جمهوری اسلامی از کمند حيله و توطئه دشمنان انقلاب اسلامی، بسیار دور از انتظار می نمود.

خشنودی و رضایت آمریکا و غرب از پیدایش چنین وضعیتی و امیدواری آنها به تسلیم شدن جمهوری اسلامی موجب گردید که علاوه بر حمایت همه جانبه نظامی از عراق، کلیه ابزارهایی که در سطح بین المللی دستاویز استکبار جهانی برای تحمیل منافعش (از جمله سازمان ملل) می باشد، به کار گرفته شود تا شاید از این رهگذر مطلوب سیاسی غربی ها با اتکا به اهرم نظامی عراق حاصل شود. بنابراین، تغییر این روند و استیصال عراق در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام نه تنها غیر منتظره، بلکه به

هیچ وجه برای استکبار جهانی قابل قبول نبود، زیرا این مسئله به منزله تهدید منافع آمریکا در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ارزیابی می شد. استکبار جهانی که در حمایت از عراق به هیچ وجه کوتاهی نکرده و از هر گونه حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی دریغ نورزیده بود، نمی توانست آثار و نتایج این سرمایه گذاری عظیم را در معرض نابودی و اضمحلال مشاهده کند، لذا کشورهای ذی نفع تلاش های وسیعی را برای حفظ عراق شروع کردند. به نظر می رسد که در میان تحولات نظامی جنگ، «فتح خرمشهر» و فرار دشمن تا پشت مرزها نقش تعیین کننده ای در ارزیابی و تحلیل صاحب نظران سیاسی و نظامی جهان در مورد توان عراق داشته است.

در بررسی آزاد سازی خرمشهر، «تاکتیک نظامی ایران»، طرح ریزی عملیات عبور از رودخانه کارون»، «سرعت عمل در تصرف خرمشهر» و مقایسه آن با زمان تهاجم عراق به خرمشهر و تأخیری که در اشغال شهر صورت گرفت، بیش از سایر مسائل مورد اشاره قرار گرفت و همه این شواهد و قرائن، دلالت بر ضعف و ناتوانی روحی و فیزیکی عراق می کرد. ضمن این که خرمشهر به عنوان آخرین برگ برنده عراق برای مذاکرات به اصطلاح صلح بود و دشمن نیز برای حفظ آن سرمایه گذاری وسیعی کرده بود. در نتیجه، وقتی که عراق نتوانست خرمشهر را حفظ کند و شهر با این سرعت آزاد شد، در واقع علائم آشکاری از اضمحلال عراق نمایان شد. در این زمینه، روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان نوشت:

«بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه گاهش را برای مذاکره جهت حفظ آبرویش از دست داده است و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دادنی نیست، حتی اگر ایرانی ها به عراق وارد نشوند.» (۱).

روزنامه گاردین نیز در این باره می نویسد:

ص: ۱۵۶

«سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهمترین افتخار جنگی عراق که ایرانی‌ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده که به وسیله آن عراق می‌کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند را از دست بغداد ربودند.» (۱).

برخی دیگر از تحلیل‌گران، پیدایش وضعیت جدید را نشانه‌ی «بی‌کفایتی و محاسبات اشتباه صدام» ارزیابی کردند. روزنامه دیولت چاپ آلمان، با اشاره به شکست عراق و درک جدید کشورهای عربی از موقعیت جدید نوشت:

«عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخت است، این نظریاتی است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است.» (۲).

فرار نیروهای عراقی از ایران که عراقی‌ها آن را «عقب‌نشینی تاکتیکی» نام نهادند، به منزله آخرین پیام که در بطن آن شکست قطعی عراق و فروپاشی نظام آن نهفته بود، از سوی حامیان این کشور دریافت شد. خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال در واشنگتن، در این زمینه می‌گوید:

«عقب‌نشینی تحقیرآمیز عراقی‌ها دوباره در مورد بقای سیاسی صدام حسین، شک و تردید ایجاد کرده است.» (۳).

فرار نیروهای عراقی، فلسفه و علل تهاجم به سرزمین جمهوری اسلامی و اهدافی را که این کشور دنبال می‌کرد، زیر سؤال برد، چنان که روزنامه الاهرام چاپ قاهره، ضمن تأکید بر این که «هیچ کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد»، می‌نویسد:

«اگر قرار بود نیروهای عراقی اکنون از خاک ایران عقب‌نشینی کنند، پس انگیزه حمله به ایران و آغاز جنگ چه بود؟» (۴).

تحلیل‌گران، آثار و نتایج وضعیت جدید برای عراق و منطقه را بسیار

ص: ۱۵۷

---

۱- ۱۰۵. روزنامه اطلاعات، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۳- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس.

وسیع تر از آن چه مشهود بود، پیش بینی می کردند. خبرگزاری فرانسه از بغداد در این زمینه می گوید:

«آگاهان نظامی در پایتخت عراق می گویند که احتمالاً عراق از نظر تاکتیکی در جنگ، که بیست ماه پیش شروع کرد، شکست خورده است و موقعیت نظامی ایرانی ها عواقبی را به بار خواهد آورد که از روابط دو کشور فراتر رفته و کشورهای منطقه را نیز در بر خواهد گرفت.» (۱).

به طور کلی آن چه که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران نظامی درباره وضعیت جدید عراق و ضعف و ناتوانی این کشور مورد توجه قرار دادند، عمدتاً شامل محورهای زیر بود:

۱ - شکست سیاسی - نظامی عراق از نظر استراتژی و تاکتیک.

۲ - از دست دادن برگ برنده برای مذاکرات صلح.

۳ - ضعف روحی نیروهای عراقی و تحقیرهای ناشی از شکستها و عقب نشینی های پی در پی.

۴ - فزونی یافتن مشکلات اقتصادی عراق، به ویژه پس از مسدود شدن خط لوله صدور نفت از این کشور توسط سوریه.

۵ - تردید کشورهای عربی در مورد توانایی نظامی عراق، علی رغم کمک های همه جانبه مالی (۲۵ میلیاردی دلاری)، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی.

۶ - ابهام حامیان عراق در مورد سرنوشت رژیم این کشور و حیات سیاسی صدام.

## تغییر ماهیت جنگ

جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسته شدن محاصره آبادان (مهر ۱۳۶۰)، در حالتی انفعالی و عمیقاً تحت تأثیر

ص: ۱۵۸

ابعاد و اهداف تهاجم عراق قرار داشت. «بی ثباتی در جبهه ی داخلی» و «فقدان قابلیت نظامی» لازم برای باز پس گیری مناطق اشغالی دو مشخصه بارز وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره بود. چنین وضعیتی امکان هر گونه تحرک و فعالیت گسترده را از نیروهای نظامی ایران سلب کرده بود و عوامل ذی نفع در تحمیل جنگ به ایران امیدوار بودند که جمهوری اسلامی سرانجام تحت فشار مشکلات یاد شده، صلح تحمیلی را نیز بپذیرد. با توجه به اهداف آمریکا و عراق (۱) از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسی و نظامی به ایران، برای سقوط نظام جمهوری اسلامی و یا مهار و تعدیل این نظام، قلمداد می شد. ابزار لازم برای تحقق هدف یاد شده، علاوه بر حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اعمال فشارهای سیاسی - نظامی در داخل و نیز در سطح منطقه و بین الملل به ایران بود.

در پی تحولات در جبهه داخلی و سپس تأثیرات آشکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد. به گونه ای که آزادسازی مناطق اشغالی در خوزستان و بخشی از استان ایلام (۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع) و فتح خرمشهر، منجر به پیدایش موقعیت جدیدی شد که برتری سیاسی -

ص: ۱۵۹

---

۱- ۱۱۰. سفیر سابق آمریکا در عربستان طی مقاله ای که در مجله نیوزویک به چاپ رساند، در مورد هدف عراق از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران، نوشت: «عراق می خواست که با هجوم به سرزمین های ایران، شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد.» تلویزیون آلمان نیز طی تفسیری در همین زمینه گفت: «عراقی ها می خواستند ایران را که به زعم آنها با انقلاب اسلامی ضعیف شده بود، سریعاً تسخیر کرده و جمهوری اسلامی را ساقط نمایند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱).



نظامی ایران بر عراق را مسجل و قطعی کرد ضمن این که دورنمای مبهم و تاریکی فرا روی حامیان عراق قرار داد، و این به معنای گسترش نتایج ناشی از پیروزی های سیاسی - نظامی ایران در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تلقی می شد. با تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و پیدایش موقعیت جدید، در واقع ماهیت جنگ تغییر کرد. بدین معنا که پیش از این ایران در برابر تهاجم نسبتاً غافلگیرانه عراق، در موضع تدافعی قرار داشت و بخشی از سرزمین هایش نیز در اشغال دشمن قرار گرفته بود. در آن موقعیت ایران از یک سو فاقد توان لازم برای باز پس گیری مناطق اشغالی بود و از سوی دیگر نیز پذیرش صلح تحمیلی را مغایر با اهداف انقلاب اسلامی و ضرورت های اساسی در حفظ موجودیت سیاسی - نظامی خود قلمداد می کرد. تداوم این وضعیت، با توجه به حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اساساً به زیان جمهوری اسلامی ایران بود.

در موقعیت جدید قوای اسلامی با به دست گیری ابتکار عمل در جبهه های نبرد و هجوم های پی در پی به نیروهای عراق، اوضاع را عمیقاً به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شد، توانمندی رزمندگان اسلام برای حمله به نیروهای دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی بود. این مهم با جذب و سازمان دهی نیروهای مردمی، گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و تجدید قوای نیروهای ارتش و همکاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد. روزنامه لوموند طی تفسیری در این زمینه نوشت:

«جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند، به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده ترین نیروی نظامی کشور، اهمیت

خاصی داده شد و جناح های مختلف «لیبرال» یا «چپی» تصفیه شوند و این خود نشانه ی یکی از عمده ترین موفقیت های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.»

در وضعیت جدید با توجه به برتری موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی و نتایج ناشی از آن، جنگ از این پس با اهداف مهاجمین و حامیان آنها هماهنگی و مطابقت نداشت، زیرا روند تحولات و دورنمای آن نه تنها نشانه ای از بهبود اوضاع به نفع عراق نداشت، بلکه با توجه به برتری سیاسی و نظامی ایران و وضع نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، احتمال فروپاشی این کشور نیز وجود داشت و در نتیجه جنگ پس از فتح خرمشهر به منزله اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران به عراق و کشورهای مرتجع منطقه و تهدید منافع آمریکا و غرب تلقی می شد.

از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوق را نگران کننده می دانستند. بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند، اقدامات گسترده ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار خود قرار دادند.

## نگرانی ها و اقدامات آمریکا

### اشاره

آمریکایی ها بنا به اظهارات کارتر (رییس جمهور وقت آمریکا) امیدوار بودند که جنگ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش بینی آنها مبنی بر این که روند فرسایشی جنگ و بی ثباتی داخل ایران، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد،

ص: ۱۶۱

در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملاً غافلگیر و به صورت فزاینده ای نگران شدند. روزنامه های پر تیراژ آمریکا مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیگاگو تریبون، تماماً طی تجزیه و تحلیل های متعدد، وضعیت عراق را اسف بار توصیف کرده و نگرانی خود را از پیروزی های قریب الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطر نشان کردند. در این زمینه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«هر گونه تحولی در منطقه منافع آمریکا را بع خطر می اندازد، بنابراین حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنین به نظر می رسد که پیروزی ایران، آرامش دوستان آمریکا را در منطقه به خواهد زد.» (۱)

واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از پیروزی های نظامی ایران، نگرانی کشورهای منطقه را مورد اشاره قرار داد و گفت:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق، به نفع آمریکا خواهد بود... عربستان و عمان، دو متحد وفادار آمریکا در خاورمیانه نگرانی های موجهی درباره تعرض ایران دارند و از نتایج آشکار پیروزی ایران در جنگ با عراق نگران هستند... ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند، چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۲)

روزنامه کریستین ساینس مانیور نیز با اشاره به نظریات تحلیل گران آمریکایی نوشت:

«تحلیل گران واشنگتن معتقدند پیروزی های نظامی ایران بر عراق می تواند عواقب مهمی از جمله سقوط صدام حسین را به دنبال داشته باشد.»

از طرف دیگر، علنی شدن حمایت آمریکا از عراق - که حاکی از رو در

ص: ۱۶۲

---

۱- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.

رویی مستقیم آمریکا با انقلاب اسلامی بود - با منافع آمریکا در منطقه مغایرت داشته و به همین سبب سعی می شد حتی المقدور آمریکا در اتخاذ مواضع رسمی در مورد جنگ، بی طرف جلوه کند. با توجه به آنچه گفته شد، روزنامه مزبور در ادامه مقاله خود اضافه کرد:

«ایالات متحده مایل نیست هیچ کدام از این دو کشور به موقعیت برتری در منطقه نفت خیز خلیج (فارس) برسند، لیکن واشنگتن خصوصا از این نگران است که ایران به برتری بر عراق نایل آمده و سپس به امر متزلزل ساختن عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس مبادرت ورزد. (۱)»

بنابراین، از این پس نگرانی آمریکا اساسا به نتایج تغییر توازن در جنگ به سود ایران و تغییرات ناشی از آن، یعنی سقوط رژیم عراق و متزلزل شدن کشورهای منطقه معطوف شد. به ویژه این که عراق و کشورهای منطقه برای مقابله با وضعیت جدید، شدیداً امیدوار به کمک ها و مساعدت های آمریکا بوده و پیام هایی را آشکار و پنهان به واشنگتن ارسال می کردند.

آمریکا برای رویارویی با وضعیت جدید و مهار آن در جهت منافع خویش، نیاز به تجدید نظر در استراتژی و سیاست منطقه ای خود داشت. زیرا عملاً با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه مواجه بوده و طبعاً حوادث منطقه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشتند. رادیو آمریکا به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور، در این زمینه گفت:

«خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و آمریکا به بررسی سیاست استراتژیکی اش در خلیج فارس پرداخته است» (۲).

همچنین اظهارات الکساندرهیگ وزیر خارجه اسبق آمریکا، به خوبی بیانگر تلاش های همه جانبه آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و ارتباط مسائل آن با یکدیگر می باشد. وی در این مورد گفت:

ص: ۱۶۳

---

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

«آمریکا برای حفظ صلح خاورمیانه، به سه ابتکار دیپلماتیک دست خواهد زد، اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین، رفع تهدید از آغاز جنگ، حدود مرزی لبنان و اسراییل اقدام خواهد کرد... این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود... بیم آن می رود که این درگیری (جنگ ایران و عراق) به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیر قابل پیش بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.» (۱).

تلاش ها و اقدامات بعدی آمریکا، در پی درک و تحلیلی که از اوضاع بحرانی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشت، در اولویت اول «تشکیل جبهه میانه رو عرب» و ممانعت از بی ثباتی این کشورها و تقویت این جبهه در برابر جبهه پایداری عرب بود، به علاوه، تلاش برای حفظ صدام و کمک و تقویت همه جانبه این رژیم، به منظور مهار و کنترل پیروزی های ایران و همچنین سازمان دهی تلاش های دیپلماتیک برای تحمیل صلح به ایران، بخش دیگری از کوشش ها و اقدامات آمریکا را تشکیل می داد.

### تشکیل جبهه میانه رو عرب

حمایت های جبهه پایداری عرب از مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب و در طول جنگ موجب گردید که پیروزی های نظامی ایران مواضع جبهه پایداری را تقویت نماید. این امر طبعاً نتایجی را در زمینه تغییر توازن در منطقه خاورمیانه در پی داشت و شکاف موجود میان کشورهای محافظه کار و میانه رو عرب با جبهه رادیکال را تعمیق کرد.

آمریکا برای مقابله با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

ص: ۱۶۴

مبادرت به تقویت جبهه میانه رو عرب کرد، بدین ترتیب که با ایجاد جو روانی - تبلیغاتی، بر نگرانی این کشورها افزود به گونه ای که منطقه را در آستانه یک تحول عظیم که نتایج آن عمدتاً به سود انقلاب اسلامی و یا شوروی ها خواهد بود، برای افکار عمومی اعراب و سران وابسته این کشورها جلوه داد. وزیر دفاع کشور سعودی که به شدت متأثر از جو ناشی از تبلیغات آمریکا و غرب بود، به منظور توجیه سیاست های آتی آمریکا در منطقه اظهار داشت:

« ۹۹ درصد جریان جنگ به نفع شوروی می باشد!... به زودی شوروی حمایت مستقیم و علنی خود را از ایران در زمینه های معنوی و نظامی در جنگ آن کشور با عراق را اعلام خواهد کرد... ایالات متحده نیز نمی تواند صحنه را برای دخالت شوروی تنها بگذارد!» (۱).

نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، علاوه بر این که بخشی از آن متأثر از جو روانی - تبلیغاتی آمریکا محسوب می شد، عمدتاً ناشی از عملکرد این کشورها در طول جنگ نیز بود که به نوعی سرنوشت آنها را با سرنوشت رژیم بعث و صدام پیوند زده بود، ضمن این که ماهیت وابسته این رژیم ها و عدم اتکای آنان به نیروهای مردمی موجب می گردید تا حاکمیت این کشورها هر چه بیشتر در معرض تهدید و سقوط قرار گیرد، حضرت امام خمینی با توجه به این مطلب و این که آمریکا در پی ایجاد یک انسجام عمومی از کشورهای منطقه و حمایت جدی آنان از عراق است، بلافاصله پس از شروع عملیات و در آستانه فتح خرمشهر، به کشورهای منطقه خاطرنشان ساختند که اگر از عراق حمایت نکنند دلیلی برای این که بیم و هراسی به دل راه دهند، وجود ندارد. امام خمینی همچنین به کشورهای منطقه هشدار دادند که سرنوشت خود را با صدام پیوند نزنند.

آمریکا به دنبال تشدید نگرانی کشورهای منطقه از نتایج پیروزی های

ص: ۱۶۵

ایران و بهره برداری روس ها از وضعیت جدید تلاش کرد تا کشور مصر را - که پس از امضای قرارداد کمپ دیوید از سوی کشورهای عربی طرد و منزوی شده بود - به جرگه اعراب بازگرداند و بدین وسیله با بهره برداری از موقعیت سیاسی - نظامی مصر، علاوه بر تقویت جبهه میانه رو عرب در برابر جبهه پایداری، با اتکا به توازن نظامی این کشور، منطقه را در برابر حوادث غیر مترقبه حفظ نماید، رادیو بی بی سی به نقل از پاتریک سیر مفسر روزنامه آبرور، در این زمینه گفت:

«به نظر بسیاری از اعراب، فقط دخالت نظامی مصر و یا دست کم تهدیدش به دخالت نظامی است که می تواند عراق را از شکست نجات دهد.» (۱).

بخش دیگر تلاش آمریکا، به تشکل کشورهای حاشیه خلیج فارس که از مدت ها قبل شورایی تحت عنوان کشورهای همکاری خلیج (فارس) تشکیل داده بودند، معطوف شد. در این خصوص، قبل از فتح خرمشهر به درخواست کویت و در حمایت از صدام حسین، کنفرانس اضطراری وزرای امور خارجه کشورهای عربی به منظور بررسی آخرین تحولات جنگ ایران و عراق و امنیت خلیج فارس و مسائل مربوط به آن برگزار گردید. بخشی از نتایج این کنفرانس علاوه بر تسهیل در بازگشت مصر به جرگه کشورهای عربی، اساساً تأکید بر افزایش کمک های مالی و نظامی به عراق بود، چنانکه روزنامه النهار چاپ بیروت، در این زمینه نوشت:

«اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) احساس می کنند که دیگر نقش آنها نمی تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.»

### تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق

بافت قومی مردم عراق و گرایش های مذهبی آنها از یک سو و موقعیت

ص: ۱۶۶

جغرافیای این کشور از سوی دیگر، به گونه ای است که ثبات در این کشور، تنها در صورت وجود یک مرکزیت قوی امکان پذیر است. بخشی از علل تداوم حیات سیاسی صدام و حزب بعث نیز برخاسته از همین وضعیت است. (۱) بنابراین، در موقعیتی که بر اثر پیروزی های نظامی ایران وضعیت به سود جمهوری اسلامی تغییر کرد و ضعف و ناتوانی عراق بر حامیان این کشور آشکار شد، غربی ها و حامیان منطقه ای صدام در مورد ادامه بقای سیاسی او دچار ابهام و تردید شدند. زیرا صدام علی رغم حمایت های غرب و شرق و در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اوضاع نابسامان پس از انقلاب به سر می برد، نه تنها اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نکرد، بلکه با شکست های پی در پی وضعیتی را فراهم آورد که منافع آمریکا در سطح منطقه عمیقاً مورد تهدید قرار گرفت. در واقع، قابلیت و توانایی صدام برای مقاومت در برابر موج های توفنده رزمندگان اسلام در هاله ای از ابهام قرار گرفته بود. در عین حال، آمریکایی ها با توجه به عواقب سقوط و فروپاشی عراق در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، نمی توانستند در این مورد بی تفاوت باشند. بر همین اساس، از این پس آمریکا جلوگیری از سقوط احتمالی صدام را به عنوان یکی از اصول محوری سیاست و اقدامات خود قرار داده (۲) و متعاقب آن، کمک های همه جانبه و گسترده غرب و شرق به عراق سرازیر گردید که در

ص: ۱۶۷

---

۱- ۱۱۸. علت حمایت آمریکا از صدام پس از جنگ عراق علیه کویت و تلاش آنها برای حفظ حزب بعث نیز اساساً برخاسته از همین مسئله می باشد.

۲- ۱۱۹. بعدها پس از جنگ خلیج فارس، آمریکایی ها در توجیه کمک به عراق - طوری که در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰) منتشر شد - چنین استدلال کردند: «تصمیم آمریکا بر کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران نتیجه اخطار آژانس های (متعدد) جاسوسی آمریکا درباره این مطالب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است.».



زیر به برخی از موارد آن اشاره می شود:

الف - خارج کردن عراق از فهرست کشورهای تروریست و لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق (۱) (وزارت بازرگانی آمریکا با فروش هواپیمای باربری به عراق موافقت کرد).

ب - افزایش حمایت آشکار سیاسی - تبلیغاتی از عراق در برابر ایران.

ج - توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک با عراق.

د - ترغیب مصر به ارسال کمک های نظامی به عراق.

ه - تلاش برای تجهیز عراق به تکنولوژی برتر نظامی، به ویژه در زمینه هواپیما.

و - ترغیب کشورهای عرب منطقه به افزایش کمک های همه جانبه به عراق، به ویژه کمک های مالی.

ز - کمک های اطلاعاتی به عراق، چنان که ویلیام کیسی رییس اسبق سیا، طی سفرهای محرمانه به بغداد، سطح کمک و نحوه آن را بررسی و سازمان دهی کرد.

### تلاش برای تحمیل صلح به ایران

کلیه تلاش های صلح - در مدت زمانی که نیروهای اشغالگر در بخشی از مناطق مرزی و شهرهای ایران اسلامی حضور داشتند، اساسا به گونه ای طراحی و پیشنهاد می شد که جز تسلیم و نادیده گرفتن حقوق حقه

ص: ۱۶۸

---

۱- ۱۲۰. مشاور کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در توضیح علت این اقدام آمریکا می گوید: «این عمل آمریکا به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن بست موجود می باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایند برای آمریکاست.»

جمهوری اسلامی، نتیجه گیری به دنبال نداشت. در حالی که حداقل خواسته ایران «تقدم عقب نشینی بر آتش بس» بود، لیکن در تمامی پیشنهادهای صلح «آتش بس بر عقب نشینی تقدم داشت». طبعاً پذیرش چنین پیشنهادی از سوی ایران، این نتیجه را به همراه داشت که عراقی ها پس از حمله به جمهوری اسلامی و شکست در دست یابی به اهداف مورد نظر خود، در پی برقراری آتش بس، بدون این که از مناطق اشغالی عقب نشینی کنند در کمال آرامش در این مناطق استقرار می یافتند تا امتیازات لازم را از طریق مذاکره اخذ و سپس اقدام به عقب نشینی کنند. بر همین اساس بود که شهید رجایی رییس جمهور وقت، پس از عملیات فرمانده کل قوا که در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۰، در محور دارخوین واقع در جبهه جنوبی، انجام گرفت، اظهار داشت:

«ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین خواهیم کرد.»

با شکل گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی، هیئت های صلح با استنباط و درکی که از شرایط و مواضع جمهوری اسلامی داشتند، تلاش های خود را به تدریج کم رنگ کردند، اما به دنبال فتح خرمشهر و پیدایش اوضاع جدید و احتمال سقوط صدام، یکی از راه حل های فوری برای گریز از نتایج ناشی از پیروزی های نظامی ایران را توقف جنگ ارزیابی می کردند. (۱) روزنامه لیبراسیون در این زمینه نوشت:

«پس از بازپس گیری خرمشهر توسط ایرانیان، آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای منطقه خلیج (فارس)، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفته اند تا به این ترتیب از سقوط صدام جلوگیری کنند.» (۲).

ص: ۱۶۹

---

۱- ۱۲۱. کیسینجر، در اظهارات خود، که در تاریخ ۳ / ۴ / ۱۳۶۱ در روزنامه واشنگتن پست منعکس شده، می گوید: «این به نفع ماست که در منطقه، آتش بس برقرار کنیم.»

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.

روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا نوشت:

«ایالات متحده از کشورهای اسلامی خواسته است تا جمهوری اسلامی را برای رسیدن به توافق با بغداد، تحت فشار قرار دهند.» (۱).

درخواست آمریکا از کشورهای منطقه، مبنی بر اعمال فشار به ایران برای پذیرش آتش بس، نشان دهنده ی نحوه نگرش آمریکایی ها به ماهیت صلح می باشد. در واقع مفهوم صلح در نظر آمریکایی ها و کلیه تلاش هایی که غرب و کشورهای منطقه دنبال می کردند، اساساً معطوف به «ممانعت از سقوط صدام» و اعمال فشار به ایران برای انصراف از حقوق حقه اش بود. همچنین، تداوم جنگ در این موقعیت نیز با توجه به اوضاع نابسامان روحی و روانی ارتش عراق و برتری غیر قابل انکار رزمندگان اسلام، به زیان منافع غرب و آمریکا در منطقه می انجامید. اظهارات فهد، شاه عربستان مبنی بر تأثیرات جنگ بر گسترش بی ثباتی در منطقه، نشان دهنده ی اضطراب و نگرانی حامیان منطقه ای از تداوم جنگ می باشد، وی می گوید:

«ادامه جنگ و یا گسترش دامنه آن، تنها به قیمت بی ثباتی و ناامنی در منطقه امکان پذیر است... به همین علت است که بایستی به هر طریق ممکن، بر تلاش های صلح آمیز تأکید شود.» (۲).

وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس در پی برگزاری اجلاس فوری سران کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضمن بررسی اوضاع منطقه و وضعیت بی ثبات عراق اعلام کردند که پایان جنگ را برای حفظ ثبات و امنیت این منطقه حیاتی می دانند. همان طور که گفته شد صلح و ثبات بدان معنا که از آمریکا و کشورهای منطقه بیان می کردند، تفاوت ماهوی با معنای حقیقی این مفاهیم داشت. ثبات مورد نظر آمریکا یعنی مقابله با

ص: ۱۷۰

---

۱- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو آمریکا.

۲- ۱۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از آسوشیتد پرس.

هر گونه عاملی که در اندیشه یا عمل با منافع آمریکا در منطقه تضاد و مغایرت داشته باشد بر پایه این مفهوم امریکایی ها موقعیت جدید ایران را برای منافع این کشور تهدیدآمیز ارزیابی می کردند و پیشنهاد صلح و برقراری آتش بس نیز بر همین اساس دنبال می شد.

سیاست های تبلیغاتی و روانی آمریکا و اقدامات دیپلماتیک این کشور، به گونه ای جو و فضای کشورهای منطقه را مخدوش کرده بود که اگر آمریکا صلح به معنای واقعی را نیز دنبال می کرد، تحقق آن در چنین اوضاعی امکان پذیر نبود، حال آن که آمریکا به دنبال اهداف دیگری بود.

در نظر گرفتن واقعیات و توجه به منافع و حقوق حقه جمهوری اسلامی در جنگ، لازمه برقراری صلح و ثبات به معنای واقعی در منطقه بود. سکوت آمریکا در برابر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی که حاکی از هماهنگی های پنهانی با عراق بود، طبعاً عراقی ها را به ادامه تجاوز ترغیب می کرد.

درخواست عقب نشینی بدون قید و شرط و رفع اشغال فوری خاک میهن اسلامی و سپس برقراری آتش بس، کمترین و طبیعی ترین حق مسلم کشوری است که در موقعیتی کاملاً نامساعد، وحشیانه مورد تجاوز واقع شد و نیز درخواست تعیین متجاوز و پرداخت غرامت، لازمه برقراری ثبات در منطقه بود، لیکن آمریکا و حامیان عراق همواره از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی طفره رفتند (۱) و فقط سعی کردند که با تحمیل صلح به

ص: ۱۷۱

---

۱-۱۲۵. البته پس از اتمام جنگ، آمریکا که «مأموریت صدام» را تمام شده می دانست، به تدریج مسائلی را در مورد متجاوز بودن عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق و ناخشنودی صدام واقع شد، لیکن بیان این حقایق تنها در هنگامی صورت گرفت که آمریکا علاوه بر این که دیگر به صدام نیازی نداشت از توانایی نظامی این کشور نیز نگران بود.

ایران، آن چه را که عراق علی رغم حمایت های همه جانبه استکبار جهانی و اذتاب آن نتوانست در میدان نبرد کسب کند، در پشت میز مذاکره به دست آورد.

از این پس، از یک سو تلاش های آمریکا برای حمایت همه جانبه از عراق و تجهیز این کشور و نیز فشارهای وارده به جمهوری اسلامی برای پذیرش صلح تحمیلی و از سوی دیگر تجاوز رژیم اشغالگر به جنوب لبنان که از مدت ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود، جمهوری اسلامی را در موقعیتی بسیار دشوار قرار داد که در نتیجه می بایست علاوه بر مقابله با سیاست های آمریکا در منطقه خلیج فارس، در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان نیز تدابیر لازم را اتخاذ کند و به عبارت دیگر، تهاجم های پنهان استکبار، ارتجاع و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی را که تا این زمان رژیم عراق اعمال می کرد، اینک در موارد بسیاری نقاب از چهره افکنده و در جبهه های مختلف به طور آشکار شروع به مقابله با انقلاب اسلامی کردند.

ص: ۱۷۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

